

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سازمان پژوهشی و برنامه ریزی آموزشی  
کتابخانه  
تاسیس ۱۳۰۰ هجری شمسی  
شماره ثبت ۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

کتابخانه  
سازمان پژوهشی و برنامه ریزی آموزشی  
تاسیس ۱۳۰۰ هجری شمسی  
شماره ثبت ۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰  
( ۱۳۶۲ )

# تعلیمات اجتماعی

## چهارم دبستان

سازمان پژوهشی و برنامه ریزی آموزشی  
مرکز اسناد و اطلاع رسانی  
آرشیو کتابخانه مرکزی  
شماره ثبت ۹۷۵۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰  
۸۲ / ۱۲ / ۵

بخش اول: جغرافی	حسین خلیلی فر	} تألیف:
بخش دوم: تاریخ	گروه تاریخ دفتر تحقیقات و تألیف	
بخش سوم: تعلیمات مدنی	غلامعلی حدّاد عادل	

بخش اول این کتاب در سال ۱۳۶۲ بوسیله کارشناسان جغرافیای دفتر تحقیقات وزارت آموزش و پرورش مورد تجدیدنظر قرار گرفت.

صفحه آرای از: هما امامی - فریبا گنجهای  
نقاشی از: فریده فروتن - اکبر چابک - منوچهر درفشه

چاپ شرکت الفت سهامی عام  
حق چاپ محفوظ است

۱۳۶۹



«... اکنون به‌عنوان پدر پیری شما عزیزان را نصیحت می‌کنم که در  
تحصیل علم و فراگرفتن دانش و اخلاق و کردار نیکو کوشا باشید که  
افراد متعهد و سودمندی برای اسلام بزرگ و میهن عزیزتان باشید،  
خداوند یار و نگهدارتان باشد.»

امام خمینی «قدس سره الشریف»

۱۳۹۹

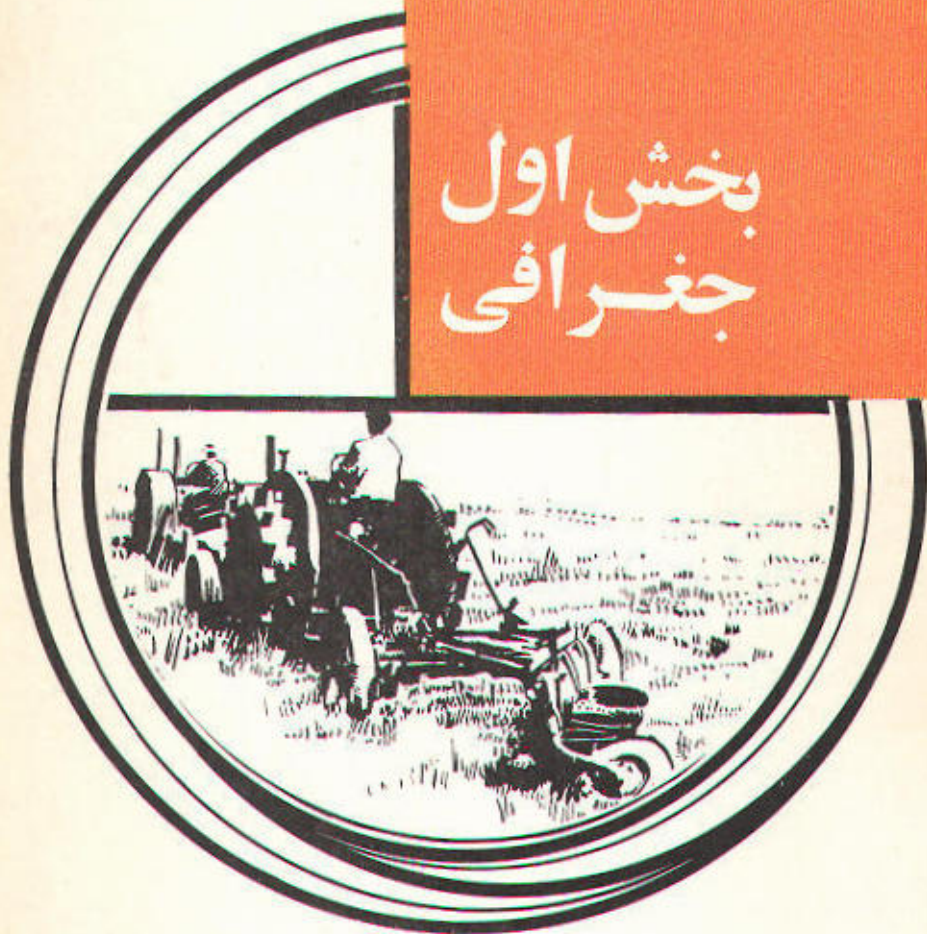
۳۵۰

الف ۱۴

۲۰۰

۸۴۶۴

# بخش اول جغرافی



توجه: از زیرنویس عکسها برشش امتحانی تهیه نفرمائید.  
هر درس جغرافیا برای تدریس در یک جلسه است.

## جغرافی چیست؟

همه ما باید محیطی را که در آن زندگی می‌کنیم بشناسیم. خانه، مدرسه، کشور و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم محیط ما را تشکیل می‌دهند. هر یک از شما در مدرسه‌ای درس می‌خوانید. می‌دانید که مدرسه شما در کجا قرار دارد و مساحت آن تقریباً چقدر است. جای کلاسها و زمین ورزش و بازی خود را می‌شناسید. از محل دفتر و اتاقهای مدرسه اطلاع دارید. تعداد کلاسها و بزرگی و کوچکی هر یک از آنها را می‌دانید. لابد تاکنون توجه کرده‌اید که آفتاب از چه سمتی به هر یک از کلاسهای شما می‌تابد.

مدرسه تنها بخش کوچکی از جهان پهناوری است که خدا آفریده است. ما باید شهر، کشور و تمام جهان را تا آنجا که می‌توانیم بشناسیم.

جغرافیا دانشی است که ما را با جهانی که در آن زندگی می‌کنیم آشنا می‌سازد. به کمک جغرافیا می‌توانیم به سوالهای زیر پاسخ دهیم:

- شهر ما و کشور ما در کجای جهان قرار گرفته است؟
- مساحت آن چقدر است؟
- آب و هوای آن چگونه است؟
- در چه جاهایی کشاورزی و یا دامداری می‌کنند؟
- کوه، رود، جنگل، دشت، معدن و کویر چیست و در کجای کشور ما و در کجای جهان وجود دارد؟
- کدام کشورها همسایگان ما هستند؟

جغرافیا به ما می‌آموزد که مردم روی زمین به چه زبان‌هایی صحبت می‌کنند، چطور خانه می‌سازند، چگونه لباس می‌پوشند، چه آداب و رسوم و چه حکومت‌هایی دارند.

زمینی که ما بر روی آن زندگی می‌کنیم بخش کوچکی از جهان پهناوری است که خدا آفریده است. پرندگان، حیوانات، دریاها، جنگل‌ها، کوه‌ها، سیارات، انسان همه و همه نشانه‌هایی از خدا هستند. ما به کمک جغرافیا خدا و نعمتهایش را بهتر می‌شناسیم.

### تمرین

- ۱ - به کمک چه دانشی می‌توانیم کشورمان را بشناسیم؟
- ۲ - جغرافیا دربارهٔ مردم روی زمین چه چیزهایی به ما می‌آموزد؟
- ۳ - چگونه با مطالعه جغرافیا خدا را بهتر می‌شناسیم؟

## نقشه

فکر کنید که بالای یک کوه یا یک تپه بلند در کنار شهر یا دهی ایستاده‌اید. شهر یا ده را چگونه می‌بینید؟ خیابانها و کوچه‌ها چگونه‌اند؟ میدان ده یا شهر به چه اندازه دیده می‌شود؟ اندازه خانه‌ها چقدر است؟ مردمی را که در رفت و آمد هستند به چه اندازه می‌بینید؟ آیا اندازه آنها خیلی کوچک به نظر می‌رسد؟ هر چه بالاتر بروید، شهر یا ده شما کوچکتر دیده می‌شود. خیابانها و خانه‌ها کوچکتر دیده می‌شوند و چیزهای کوچک آنقدر ریز می‌شوند که دیگر به چشم شما نمی‌آیند یا اینکه به صورت نقطه یا لکه‌ای دیده می‌شوند. در عوض هر چه که بالاتر بروید جاهای بیشتری را می‌بینید. آنها که با هواپیما بر فراز شهر بزرگی پرواز کرده‌اند، می‌گویند: هر چه هواپیما از زمین بالاتر می‌رود، مسافرانِ هواپیما شهر را کوچکتر می‌بینند. عکس زیر به وسیلهٔ هواپیما، در ارتفاع کم، از شهر تنکابن گرفته شده است.





در این عکس رود کنار شهر، خیابانها، مدرسه و خانه‌ها را خیلی کوچک می‌بینید. فکر کنید که اگر هواپیما باز هم از زمین فاصله بگیرد شهر تنکابن چگونه دیده می‌شود؟

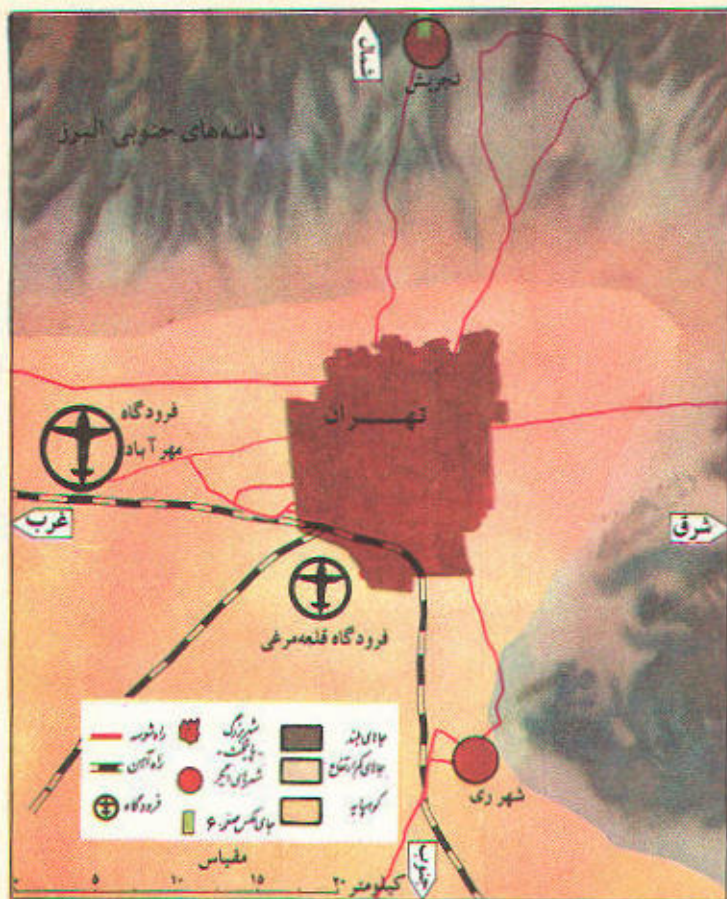
هر قدر از سطح زمین بالاتر رویم جاهای بیشتری از زمین را می‌بینیم. در بلندی نسبتاً زیاد پستیها و بلندیهای زمین و دره‌های میان کوهها نمایان است. شهرها مانند لکه‌هایی به نظر می‌آیند و چیزهای کوچک را نمی‌توان دید. عکس صفحه بعد به وسیله هواپیما گرفته شده است. در نقشه صفحه ۷ علامت ■ را پیدا کنید. عکس هوایی صفحه ۶ چگونگی همین تکه را نشان می‌دهد.



امروز نقشهٔ زمینهای پهناور و کشورها را با استفاده از عکسهای هوایی تهیه می‌کنند. عکس صفحهٔ ۹ به وسیلهٔ ماهواره از جنوب ایران برداشته شده است.

**نقشه جاهای پهناوری از زمین را نشان می‌دهد، در نقشه چیزها و جاهای کوچک را نمی‌توان دید.** حالا شما بگویید که چرا روستاهای اطراف





تهران در نقشه دیده نمی‌شوند؟

این نقشه از روی عکسهای هوایی شهر تهران و اطراف آن کشیده

شده است.

## راهنمای نقشه

برای نشان دادن هر چیز در نقشه از رنگ یا نشانه‌ای استفاده می‌کنند. هر نقشه یک راهنما دارد. معنی هر رنگ یا هر نشانه را از روی راهنمای نقشه می‌فهمیم.

### برای فهمیدن نقشه باید در راهنمای آن دقت کنیم.

اکنون به نقشه تهران نگاه کنید. در پایین نقشه، یک قسمت سفید وجود دارد که در آن چند رنگ و نشانه دیده می‌شود. به این قسمت راهنمای نقشه می‌گویند. حالا بگویید که چه رنگها و نشانه‌هایی در راهنما می‌بینید؟ از هر رنگ و هر نشانه چه می‌فهمید؟ آیا می‌توانید رنگها و نشانه‌ها را روی نقشه پیدا کنید؟

تهران با حومه‌اش شهر بسیار بزرگی است. در نقشه صفحه ۷ آن را با چه نشانه‌ای نمایانده‌اند؟ تجریش و شهر ری بسیار کوچکتر از تهران هستند. آنها را چگونه نشان داده‌اند؟ راهها چگونه نشان داده شده‌اند؟ جای فرودگاههای تهران را پیدا کنید.

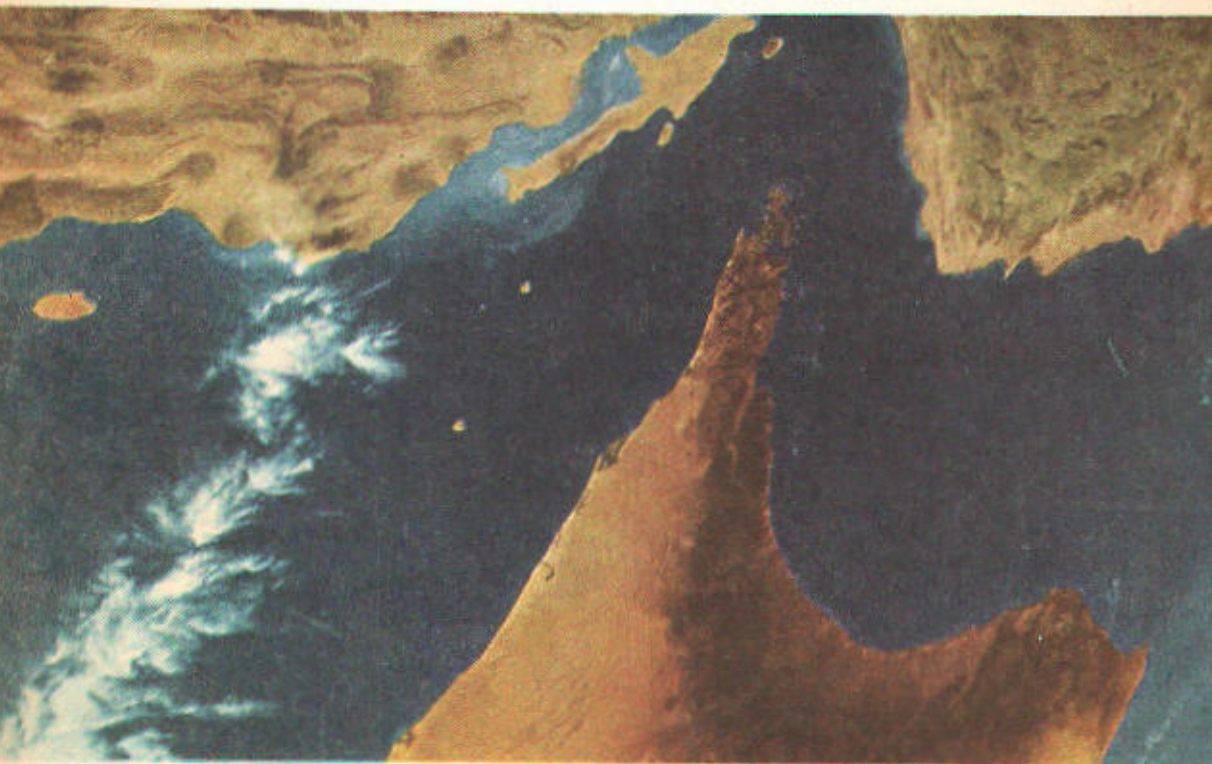
### جهت‌های نقشه

در نقشه تهران، شمال در کدام طرف قرار دارد؟ جنوب، شرق و غرب چه‌طور؟

در نقشه همیشه شمال در بالا، جنوب در پایین، شرق در طرف راست و غرب در طرف چپ قرار دارد.



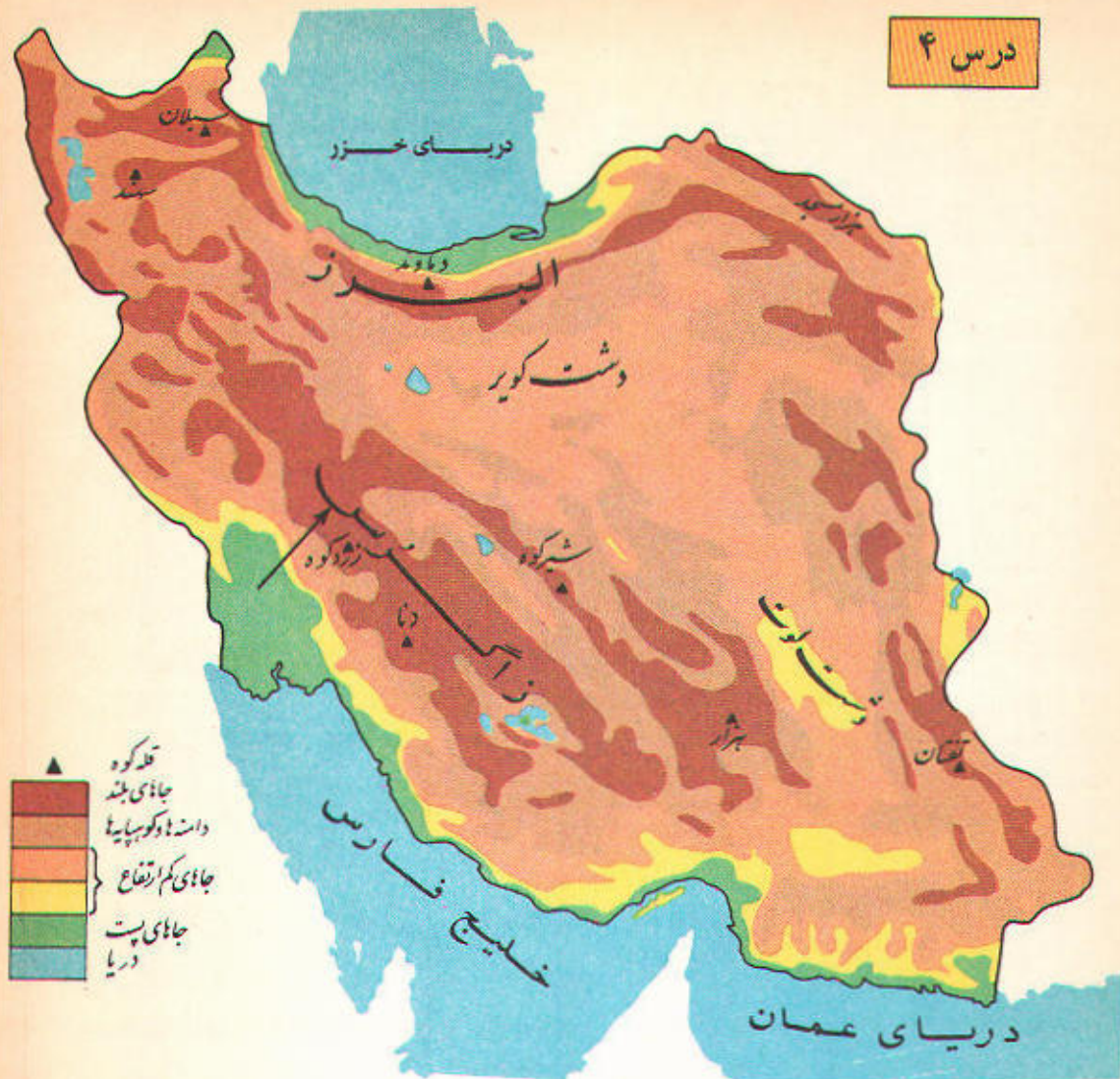
می دانید به اینها چه می گویند؟  
 به اینها **چهار جهت اصلی** می گویند.  
 بر روی نقشه مقابل خط های  
 سبز رنگی می بینید، این خطها چه  
 چیزی را نشان می دهند؟



عکس قسمتی از آنها و کناره های جنوب ایران که به وسیله ماهواره برداشته شده است.



- ۱ - راهنمای نقشه چه چیز را نشان می‌دهد؟
- ۲ - آیا می‌توانید شمال، جنوب، شرق و غرب تخته سیاه را بگویید؟
- ۳ - شمال و جنوب و شرق و غرب نقشه ایران را در صفحه بعد نشان دهید.
- ۴ - در نقشه شهر تنکابن صفحه ۵ رود در کدام طرف شهر قرار دارد؟
- ۵ - در روی یک نقشه جهت‌های اصلی (شمال، جنوب، شرق و غرب) در کجا قرار می‌گیرند؟



## ناهمواریهای ایران

در درس پیش یاد گرفتید که برای فهمیدن نقشه، اول باید در راهنمای آن دقت کرد. همچنین دانستید که ناهمواریها یعنی جاهای بلند و پست زمین را در نقشه بیشتر با رنگ نشان می‌دهند.

قهوه‌ای پر رنگ نشانه کوه است و قهوه‌ای کم رنگ زمینهای پای

کوه را نشان می‌دهد. اکنون به نقشهٔ ناهمواریهای ایران در صفحهٔ قبل دقت کنید. با استفاده از راهنمای نقشه به این پرسشها پاسخ گوید:

۱ - کدام رنگها در این نقشه بیشتر به چشم شما می‌خورد؟

۲ - از این رنگها چه می‌فهمید؟

۳ - کجاهای ایران به رنگ سبز نشان داده شده‌اند؟

۴ - از رنگ سبز چه می‌فهمید؟

۵ - جاهای کم ارتفاع با چه رنگهایی نشان داده شده‌اند؟

وقتی که می‌خواهیم از جاهایی که به رنگ سبز نشان داده شده‌اند به جاهایی که به رنگ قهوه‌ای است برویم باید از جاهایی که به رنگ زرد روشن و زرد تیره است بگذریم. در این مسافرت آیا از جای پست به جای بلند

می‌رویم یا از جای بلند به جای پست؟

روی نقشه صفحه پیش پیکانی کشیده شده است. اگر ما روی آن پیکان حرکت کنیم رفته‌رفته از جاهای پست و کم ارتفاع به جاهای بلند و بسیار بلند می‌رویم. آیا می‌توانید مانند این پیکان، پیکانهایی روی نقشه بکشید؟  
معنی رنگهای نقشه به ما





قله دماوند

یاد می‌دهد که در ایران کوه‌های بسیار هست. جایی را که کوه فراوان دارد **کوهستانی** می‌گوییم. آیا ایران کشوری کوهستانی است؟

## درس ۵

در نقشه صفحه‌های ۱۱ و ۱۲ به کوه‌های زنجیر مانند شمال و مغرب ایران دقت کنید. به کوه‌هایی که مانند زنجیر به هم متصل باشند **رشته کوه** می‌گویند. رشته کوه شمال ایران **البرز** نام دارد. البرز رشته کوهی بلند و دیوارمانند است. اگر بخواهیم از جاهای بلند یک رشته کوه به جاهای پست دو طرف آن پایین بیاییم باید از سرازیری‌هایی بگذریم. این سرازیری‌ها، اول تند است و هرچه پایین‌تر می‌آییم تندی سرازیری کمتر می‌شود. سرازیری‌های تند را **دامنه کوه** و زمینهای پای کوه را **کوهپایه** می‌گویند. دامنه‌ها و کوهپایه‌های البرز یا رو به شمال است یا رو به جنوب. می‌دانید که بلندترین

جای کوه را **قله** می‌گویند. رشته کوه البرز قله‌های زیاد دارد. بلندترین آنها **دماوند** است. جای قله دماوند را روی نقشه‌های صفحه ۱۱ و ۱۲ پیدا کنید.

در مغرب و جنوب غربی ایران به جای یک رشته کوه، چند رشته کوه می‌بینیم. این رشته کوهها از هم فاصله دارند و همه آنها از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده‌اند. مجموعه این رشته کوهها را **زاگرس** می‌گویند. **زردکوه** و **دنا** دو قله بلند زاگرس است. جای آنها را روی نقشه‌های صفحه ۱۱ و ۱۲ پیدا کنید.

آیا رشته کوههای زاگرس مانند رشته کوه البرز فشرده و دیوار مانند است؟

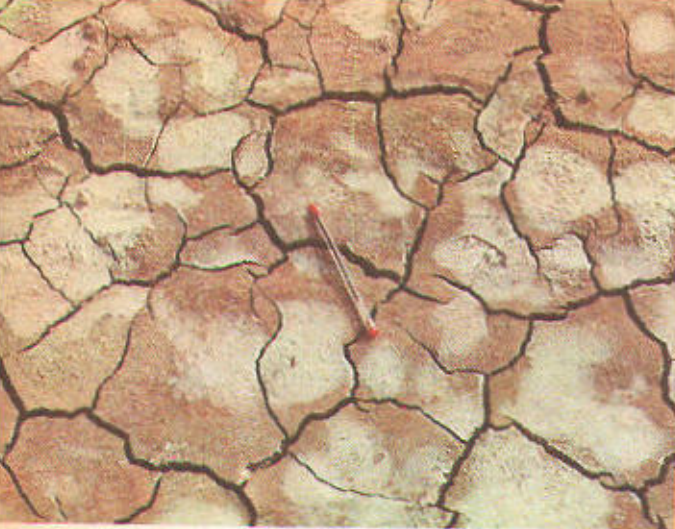
غیر از رشته کوههای البرز و زاگرس در قسمتهای داخلی و مشرق ایران کوههای دیگری هم دیده می‌شوند. وقتی که شما به این کوهها و رشته کوههای البرز و زاگرس نگاه می‌کنید به آسانی می‌فهمید که کوههای داخلی و شرقی به یکدیگر چسبیده نیستند و از هم جدا می‌باشند.

به نقشه صفحه ۱۲ نگاه کنید. در میان این کوههای جدا از هم جاهای کم ارتفاعی هست که از خاکهای دانه ریز رس و نمک پوشیده شده است، به

رشته کوه البرز







این سرزمینها **کویر** می‌گوییم. **دشت کویر** یک نمونه پهن‌اور از این شنزارها و نم‌زارهای ایران است. عکس مقابل گوشه‌ای از دشت کویر را نشان می‌دهد. شکاف‌ها را با خودکاری که در تصویر قرار گرفته مقایسه کنید.

### تمرین

- ۱ - کوهی را که در نزدیکی محل سکونت خود می‌شناسید نام ببرید.
- ۲ - رشته کوه، دامنه کوه، قلّه و کوهپایه را تعریف کنید.
- ۳ - ..... و ..... دو قلّه بلند زاگرس است.
- ۴ - فرق رشته کوه‌های البرز و زاگرس در چیست؟
- ۵ - غیر از کوههایی که تاکنون شناخته‌اید نام چند کوه دیگر ایران روی نقشه صفحه ۱۱ نوشته شده است. این نامها را بخوانید و به این پرسشها پاسخ گوید:
  - کوه سبلان و کوه سهند در کدام طرف ایران قرار دارند؟
  - دو کوهی که در جنوب شرقی ایران قرار دارند کدامند؟
  - رشته کوه هزار مسجد را در کدام طرف ایران می‌بینید؟
  - کوه بلندی که در قسمت مرکزی ایران هست چه نام دارد؟

## آب و هوا

هر وقت آسمان صاف باشد و گرمای ملایمی به ما برسد و باد به شدت نوزد می‌گوییم هوا خوب است. هر وقت آسمان گرفته باشد، باد تند بوزد و ریزش باران و برف ما را دچار زحمت کند می‌گوییم هوا بد است.

در روی زمین در بعضی جاها باران کافی می‌بارد و هوا زیاد گرم و زیاد سرد نمی‌شود (معتدل). بعضی جاهای دیگر زمین بسیار سرد و پر برف است (سرد). جاهای دیگری هم هست که بسیار گرم و بارانی (گرم و مرطوب) یا بسیار گرم و خشک است. هر یک از این جاها نوعی **آب و هوا** دارد. برای تعیین آب و هوای یک نقطه **زیاد شدن و کم شدن گرمی هوا و مقدار باران و برف** را اندازه‌گیری می‌کنند.

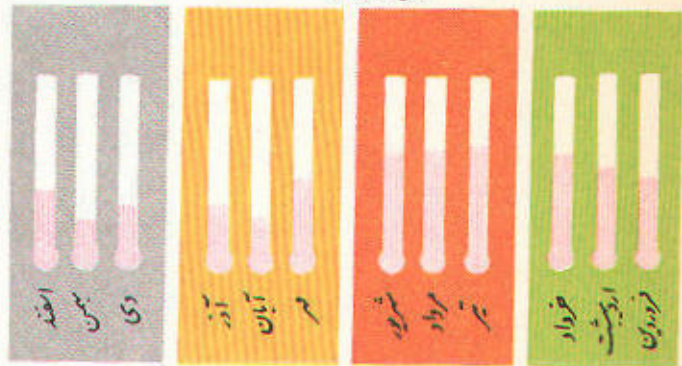
با آزمایشهایی که در درس علوم انجام دادید توانستید زیاد شدن و کم شدن گرمی هوا و مقدار باران و برف را در محل سکونت خود به دست آورید. در همهٔ جاهای کشور نیز می‌توان این کار را کرد. اما برای این که آب و هوای جاهای گوناگون را بشناسیم باید چندین سال پی‌در پی آزمایش کنیم. می‌دانید چرا؟

در صفحهٔ ۱۹ روی نقشهٔ ایران جای شهرهای بابلسر، شهر کرد، آبادان، بندر عباس و طبرستان را پیدا کنید. آب و هوای هر یک از این شهرها نمونهٔ آب و هوای یک ناحیه از کشور ماست.

۱ - بابلسر در کدام طرف ایران قرار دارد؟ آیا این شهر در جاهای پست قرار گرفته یا در جاهای بلند آن؟ این زمینهای پست از کجا تا کجا کشیده شده است؟ در جنوب این زمینهای پست چه رشته کوهی وجود دارد؟ در شمال این زمینهای پست چه چیزی دیده می‌شود؟ بادهای باران آور از کدام طرف می‌وزند؟

کرای هوادر بابلسر

در بابلسر کم و زیاد شدن گرمی هوا و مقدار باران را چندین سال اندازه گرفته‌اند. در شکل مقابل دقت کنید:



در کدام ماههای سال هوا گرم و در کدام ماهها هوا سرد است؟ گرمترین ماه سال کدام است؟ سردترین ماه سال کدام؟ در شکل پایین کدام ماهها پر باران و کدام ماهها کم باران است؟ آیا در بابلسر ماهی هست که بی باران باشد؟

زیاد شدن و کم شدن گرمی هوا و چگونگی ریزش باران در تمام

باران در بابلسر





کوهپایه‌های شمالی رشته کوه البرز و جاهای پست کناره دریاى خزر، شبیه به بابلسر است.

عکسهای این صفحه از چند جای این ناحیه گرفته شده بینید منظره‌ها چه قدر به یکدیگر شبیهند!

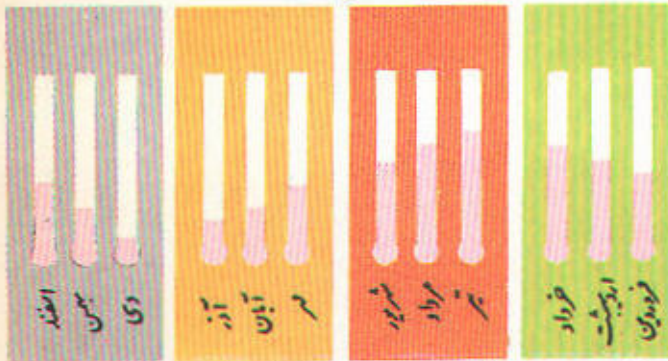




۲ - به نقشه نگاه کنید. شهر کرد در کدام طرف ایران است؟ این شهر در جای پست قرار دارد یا در جای بلند؟ آیا این شهر در میان رشته کوههایی است؟ کدام رشته کوهها؟ این رشته کوهها از کدام طرف به کدام طرف کشیده شده‌اند؟ بادهای باران‌آور از کدام طرف به این رشته کوهها می‌وزد؟



گرمی بهارستان



به شکلهای نگاه کنید. در شهر کرد سردترین ماه سال کدام است؟ گرمترین ماه سال کدام است؟ در چند ماه از سال هوا گرم و در چند ماه هوا معتدل یا

سرد است؟ چند ماه از سال در این شهر باران نمی بارد؟ در کدام ماهها بیشتر باران می بارد؟

گرمی و سردی هوا و ریزش باران و برف در تمام جاهای کوهستانی غرب و جنوب غربی ایران به هم شبیه است. دیدیم که کوههای غرب و جنوب غربی ایران دیوار مانند نیست و رشته کوهها از هم فاصله دارند. بادهای باران آوری که به این رشته کوهها می وزد ابرها را از لابه لای کوهها به همه جای این ناحیه کوهستانی می برد. این بادهای باران آور در برخورد با رشته کوههای غربی باران بیشتری تولید می کند و هر چه به طرف مشرق جلو می رود باران کمتری می دهد.



پوشش گیاهی در کوههای شمال شرق ایران

عکسهای این صفحه از جاهای مختلف کوهستانی ایران برداشته شده است. ببینید منظره‌ها چه قدر به یکدیگر شبیهند!

پوشش گیاهی در کوههای شمال غرب ایران

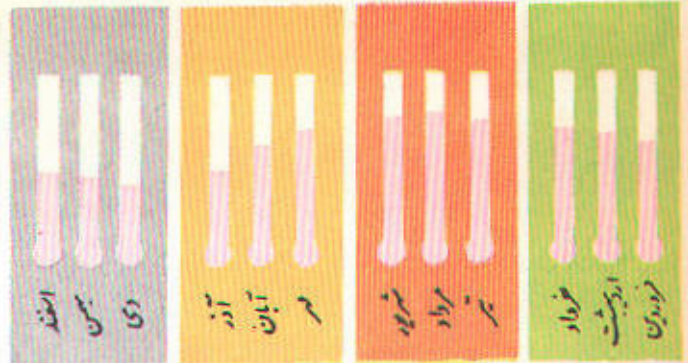


پوشش گیاهی در غرب ایران



۳- از روی نقشه

صفحه ۱۹ بگویند که  
آبادان و بندرعباس در  
کجای ایران قرار دارند؟  
آیا این دو شهر در جای  
بلند ساخته شده‌اند یا در



جای پست؟ تمام زمینهای پست این ناحیه را روی نقشه نشان دهید. جنوب  
این ناحیه پست چیست؟ اکنون بگویند طبس در کجای ایران قرار دارد؟ آیا  
این شهر در جای کم ارتفاع ساخته شده است یا در جای بلند؟ آیا می‌توانید  
جاهای کم ارتفاع داخلی ایران را روی نقشه نشان دهید؟ کدام کویر پهناوری  
در آن هست؟ آیا طبس از دشت کویر فاصله زیادی دارد؟ به سمت وزش  
بادهای باران‌آور روی نقشه صفحه ۱۹ دقت کنید. آیا بادهای باران‌آور به  
جاهای پست جنوبی می‌وزد؟ به جاهای کم ارتفاع داخلی و شرقی چه‌طور؟ در  
نقشه می‌بینید که بادهای باران‌آور به جاهای پست جنوبی نمی‌وزد و به جاهای  
کم ارتفاع داخلی و شرقی کم می‌وزد. به شکل‌های صفحه ۲۲ و ۲۳ دقت کنید.  
در آبادان و بندرعباس و طبس چندماه از سال هوا گرم است؟ چند ماه از سال

بدرین کتاب





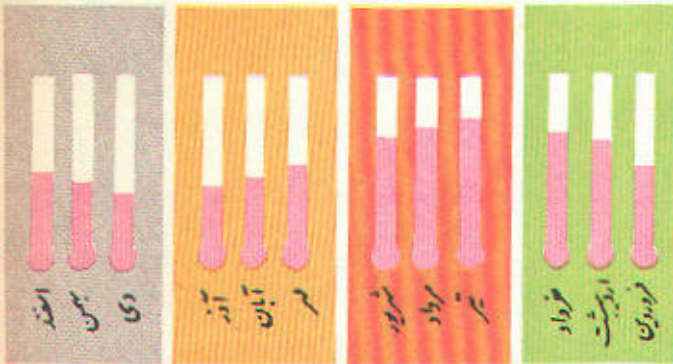
باران بندرعباس



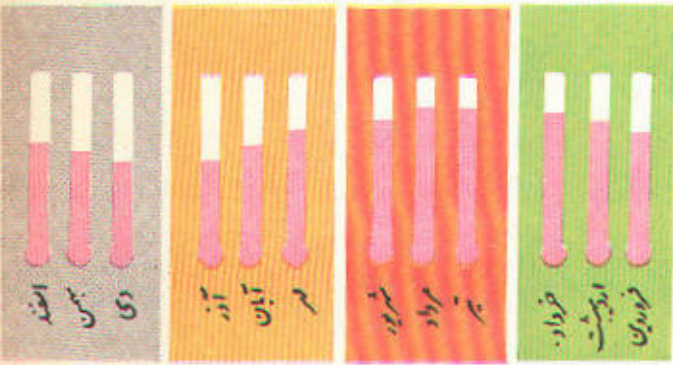
باران دیش



گرای مرادش



گرای مراد بندرعباس

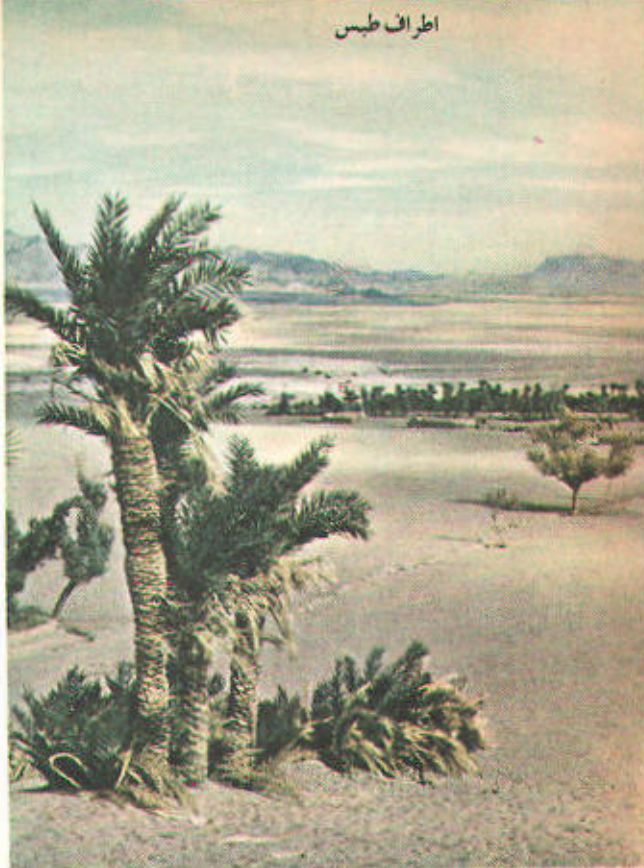


در آبادان، بندرعباس و طبس اصلا باران نمی بارد ؟ در ماههای دیگر چه طور ؟ آب و هوای جاهای کم ارتفاع داخلی و شرق ایران با آب و هوای زمینهای پست جنوب شباهت بسیار دارد. در این جاها بیشتر ماههای سال هوا گرم و خشک است.

بندرعباس



اطراف طبس



خوزستان



عکسهایی که در بالا می‌بینید از جاهای کم‌ارتفاع داخلی و جاهای  
پست جنوب برداشته شده است. ببینید منظره‌های آنها چه قدر به یکدیگر شبیه است.

درس ۱۰

از آنچه خواندیم فهمیدیم که آب و هوای کشور پهناور ایران همه جا  
یکسان نیست.

در نقشه صفحه بعد دقت کنید:

سه رنگ در این نقشه می‌بینید. هر یک از این رنگها آب و هوای یک  
قسمت ایران را نشان می‌دهد.

کتابخانه  
 انارستانه  
 در دست آسودن روزگار

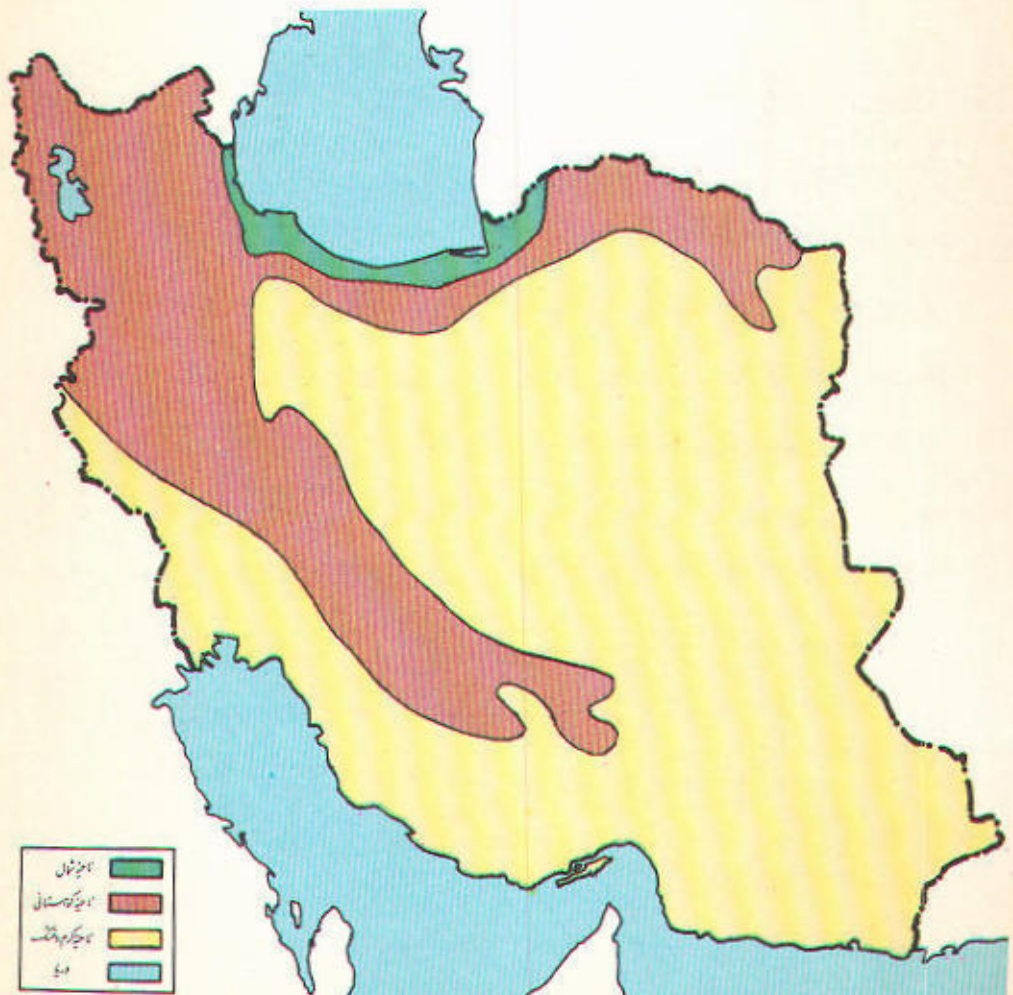
● رنگ سبز، که کمترین جا را در نقشه گرفته است، **کوهپایه‌های**

شمالی رشته کوه البرز و جاهای پست کناره دریای خزر را نشان می‌دهد.  
 در این ناحیه گرما و سرمای شدید وجود ندارد. باران فراوان در آنجا می‌بارد و خاکش همواره مرطوب است.

حال بابلسر را بر روی نقشه پیدا کنید و بگویید که:

— ریزش باران در بابلسر چه مقدار است؟

— وضع گرما و سرما در بابلسر چگونه است؟



کوهپایه‌ها	سبز
ناحیه کوهستانی	قرمز
ناحیه گرم و خشک	زرد
دریا	آبی

● رنگ قهوه‌ای **جاهای کوهستانی** ایران را نشان می‌دهد که مانند انبری ناحیه کم‌ارتفاع داخلی را در میان گرفته است.

در این جا کمتر از ناحیه پست شمالی باران می‌بارد ولی برف بسیار بر این کوهها می‌نشیند. چون در کوهستانها هوا سردتر است برف در آن جاها دیرتر آب می‌شود و خاک رطوبت خود را به‌کندی از دست می‌دهد.

حال شهر کرد را بر روی نقشه پیدا کنید و بگویید که:

— ریزش باران و برف در این شهر چگونه است؟

— چرا در شهر کرد دوره سرما طولانی است؟

● رنگ زرد، که بیشترین جا را در نقشه گرفته است **سرزمینهای**

**کم‌ارتفاع داخلی و شرقی**، همچنین **جاهای پست جنوب** را نشان می‌دهد. هرچند که هوای زمینهای پست جنوب در نتیجه نزدیکی به خلیج فارس و دریای عمان گاهی اوقات نمناک می‌شود و در سرزمینهای کم‌ارتفاع داخلی و مشرق ایران گاه برف هم می‌بارد اما به‌طور کلی این ناحیه، گرم و خشک است. در این جاها معمولاً پس از یک زمستان معتدل و کوتاه دوره گرما فرا می‌رسد. در بقیه ماههای سال هوا گرم یا بسیار گرم است. باران در آن بسیار کم می‌بارد و رطوبت خاک به‌تندی بخار می‌شود.

حال شما طبس و بندرعباس را بر روی نقشه پیدا کنید و بگویید که:

— ریزش برف و باران در این دو شهر چه مقدار است؟

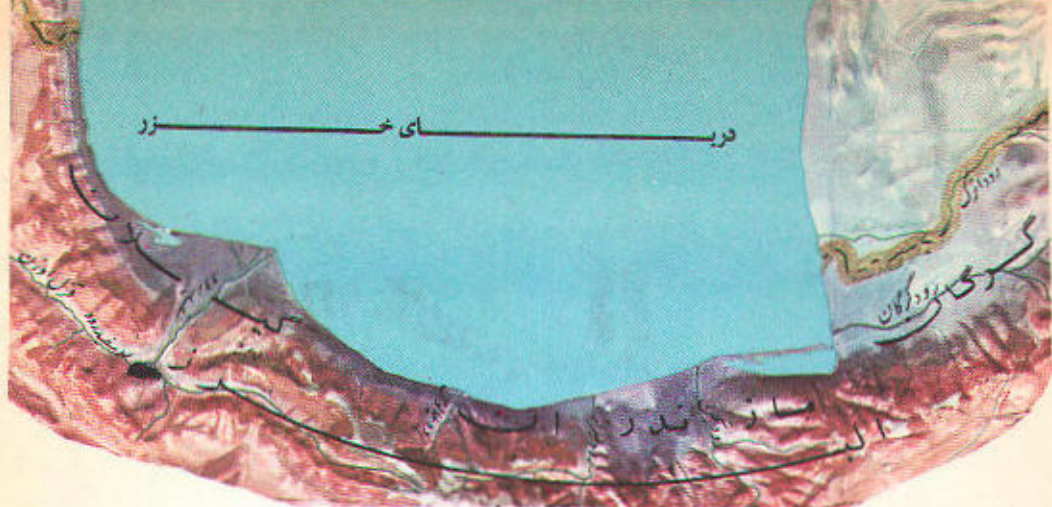
— وضع گرما و سرما در این دو شهر چگونه است؟



- ۱ - غیر از شهرهایی که در ناحیه پست شمال شناخته‌اید دو شهر دیگر از روی نقشه دیواری در شمال ایران پیدا کنید که آب و هوای آنها شبیه به بابلسر باشد.
- ۲ - برای تعیین آب و هوای یک نقطه چه چیزهایی را اندازه‌گیری می‌کنند؟
- ۳ - آیا می‌توانید از روی شکل‌های صفحه‌های ۱۷ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۳ مقدار باران آبادان، بندرعباس و طبس را با مقدار باران شهرکرد و بابلسر مقایسه کنید؟
- ۴ - آب و هوای ناحیه‌های زیر چگونه است؟
  - کناره دریای خزر
  - جاهای کوهستانی
  - سرزمینهای کم ارتفاع داخلی



فکر کنید مهر ماه آغاز شده است و شما کار خود را در دهستان از سر گرفته‌اید. در این ماه در کناره دریا، خزر باران فراوان می‌بارد و هوا مرطوب و سرد است. در همین موقع بیشتر جاهای کوهستانی ایران سرد و خشک است در حالی که در زمینهای کم‌ارتفاع داخلی و کناره‌های پست جنوب دوره گرما هنوز ادامه دارد.



درس ۱۱

### سیلابها و رودها

در درس گذشته آب و هوای جاهای مختلف ایران را شناختیم. دانستیم که در دامنه‌ها، کوهپایه‌ها و زمینهای پست شمال بیش از همه جای ایران باران می‌بارد. در جاهای کوهستانی ریزش باران کمتر است ولی برف فراوان بر زمین می‌نشیند و در جاهای کم‌ارتفاع داخلی و مشرق ایران همچنین در زمینهای پست جنوب باران بسیار کم می‌بارد. این را هم باید بدانیم که در بهار و پاییز در بیشتر جاهای ایران بارانهای تند می‌بارد و تولید سیلاب می‌کند.

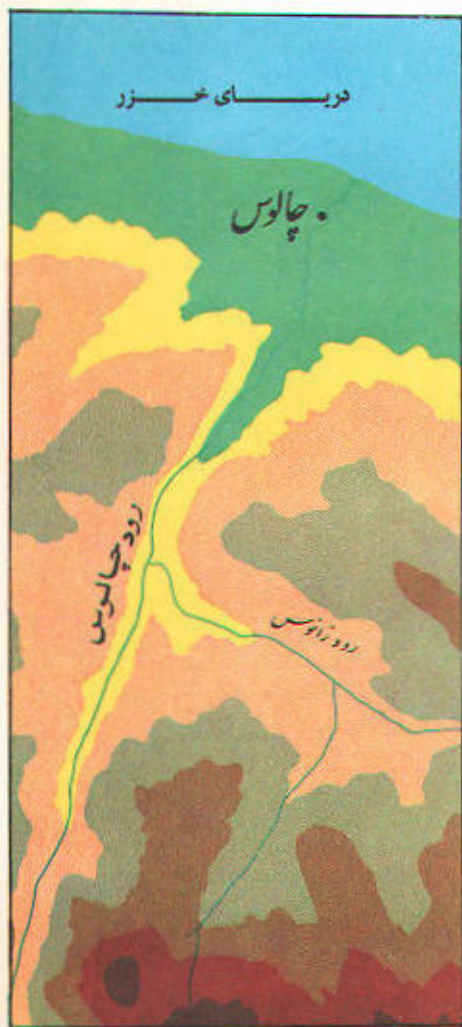
آبهایی که از ریزش باران و برف به زمین می‌رسد چه می‌شود؟ در کتاب علوم خواندید که قسمتی از این آبها بخار می‌شود و دوباره به هوا برمی‌گردد. قسمتی در خاک فرو می‌رود و قسمتی در روی زمین جاری می‌شود. از جاری شدن آب در روی زمین **جویبار** پدید می‌آید و از به هم پیوستن جویبارها **رود** تشکیل می‌شود. در جاهایی که باران زیاد می‌بارد یا در

کوهستانهایی که هنگام زمستان از برف فراوان پوشیده می شود رودها همیشه جریان دارند. البته آب این رودها در طول سال کم و زیاد می شود. اما در جاهایی که باران تند و سیل آسا در مدت کوتاهی می بارد جریان رودها موقتی است و به زودی خشک می شود.

اکنون ببینیم که جریان سیلابها و رودها در هر ناحیه از کشور ما چگونه است.

### ۱ - در ناحیه شمال

در روی نقشه صفحه قبل رود چالوس را پیدا کنید. به این شکل هم توجه کنید. رود چالوس از رودهایی است که از دامنهها و کوهپایه های شمالی البرز و زمینهای پست می گذرد و به دریای خزر می ریزد. آیا بیشتر مسیر آن در دامنهها و کوهپایه هاست یا در ناحیه پست کنار دریا؟ چند رود کوچک به رود چالوس می پیوندند؟ آیا این



جاهای  
پست

کوهپایهها

و

دامنهها

کوههای

بلند

و

بسیار

بلند



رود از سرازیرهای تند می‌گذرد؟ در نزدیکی دهانهٔ این رود چه شهری  
قرار دارد؟

غیر از سفیدرود تمام رودهای ناحیهٔ شمال مانند رود چالوس از  
دامنه‌ها و کوهپایه‌های شمالی البرز سرازیر می‌شوند. مسیر آنها طولانی  
نیست. در دامنه‌ها و کوهپایه‌ها از دره‌های تنگ می‌گذرند. و به دریای خزر  
می‌ریزند. چون برف دامنه‌های شمالی البرز، کم‌کم آب می‌شود، به علت  
جریان دائم آب چشمه‌ها و ریزش باران، این رودها در تمام سال جاری  
هستند. روی نقشهٔ صفحهٔ ۲۹ رود گرگان، رود هراز و سفیدرود را پیدا کنید.



## ۲ - در ناحیه کوهستانی

دانستیم که در ناحیه کوهستانی غرب و جنوب غربی ایران برف بیشتر از باران می‌بارد و می‌دانیم که در جاهای بلند برفها و یخها به کندی آب می‌شود. چرا؟ از کم‌کم آب شدن این برفها و یخها جویبارهای زیاد پدید می‌آید و از به هم پیوستن جویبارها، رودهای پر آب تشکیل می‌شود. بعضی از این رودها کوتاه و برخی درازند.

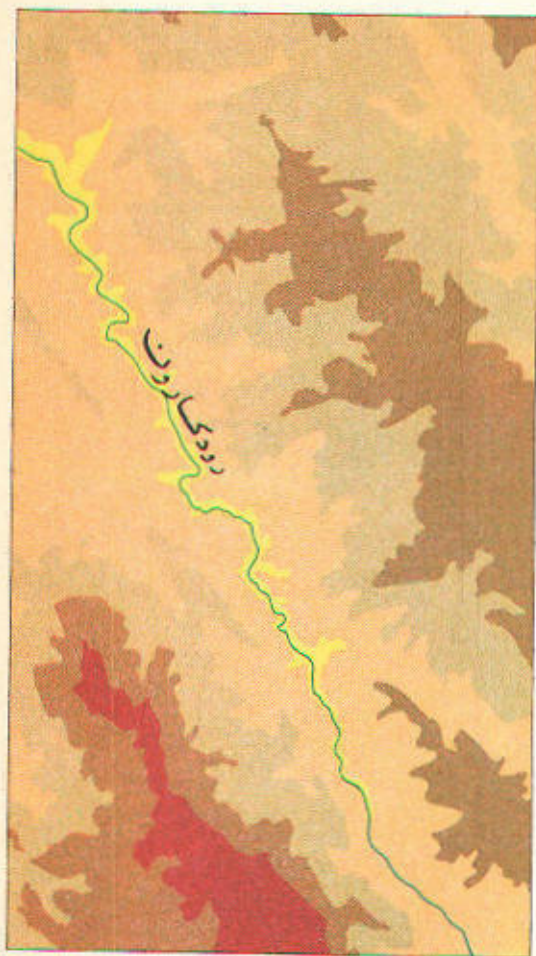
در نقشه این صفحه ناحیه کوهستانی غرب و جنوب غربی ایران نشان داده شده است. در شمال غربی و جنوب شرقی آن لکه‌های آبی رنگی می‌بینید. این لکه‌های آبی رنگ نشانه دریاچه است. آیا می‌توانید این دریاچه‌ها را نام ببرید؟ کدام یک در شمال غربی و کدام یک در جنوب شرقی ناحیه کوهستانی قرار دارد؟ کدام یک بزرگ‌تر است؟



ناحیه کوهستانی غرب و جنوب غربی ایران

برخی از رودهای ناحیه کوهستانی غرب و جنوب غربی ایران به این دریاچه‌ها می‌ریزند. این رودها مسیر طولانی ندارند. آیا می‌توانید رودی را نام ببرید که از جنوب وارد دریاچه اورمیه می‌شود؟ رودی که از شمال غربی به

دریاچه بختگان می‌ریزد چه نام دارد؟



بعضی دیگر از رودهای ناحیه کوهستانی غرب و جنوب غربی از دره‌های تنگ و پریچ و خم کوهستان می‌گذرند و به خارج از آن می‌روند. رود کارون یکی از اینهاست. در شکل این صفحه قسمتی از دره تنگ آن را در میان کوهستان می‌بینید. آیا می‌توانید مسیر رود کارون را در نقشه صفحه قبل نشان دهید؟ نام شعبه بزرگ آن چیست؟ کارون به کجای می‌ریزد؟

### ۳ - در ناحیه گرم و خشک

در نقشه صفحه بعد ناحیه کم‌ارتفاع داخلی و زمینهای پست کناره



سازمان پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزشی  
کتابخانه  
موسسه تخصصی زبان  
دفتر نشر آموزش و پرورش

داخلی سرازیر می‌شوند. آب سیلابها به زودی فرو می‌نشیند اما رودها بیش و کم مدتی از سال آب دارند. آب بعضی از آنها بدمزه و شور و آب برخی دیگر خوب است.

به زمینهای کناره جنوب در نقشه صفحه پیش نگاه کنید. در کجای این ناحیه رودهای پر آب و طولانی می‌بینید؟  
در کجای آن، رودها کم‌آب و کوتاه هستند؟  
رودهایی که در ناحیه پست کناره جنوب جریان دارند، از آب کوههای دور و نزدیک تشکیل و سرازیر می‌شوند.

برخی از این رودها که از کوهستان پر برف زاگرس می‌آیند مانند کارون پر آب و طولانی هستند و در تمام سال آب دارند. در شکل صفحه ۳۳ دیدید که رود کارون از دره‌های تنگ می‌گذرد. آیا دنباله مسیر آن را در نقشه



مسیر پرپیچ و خم  
کارون در جلگه  
خوزستان

صفحه ۳۴ می‌توانید نشان دهید؟ عکس صفحه قبل مسیر پرپیچ و خم کارون را روی زمینهای پست خوزستان نشان می‌دهد.

بعضی دیگر از رودهای ناحیه پست جنوب از کوههای کم ارتفاع نزدیک سرازیر می‌شوند. می‌دانید که در این کوههای کم ارتفاع، برف و باران کم می‌بارد، به همین جهت این رودها هم مانند رودهای کوهپایه‌های داخلی کم‌آب هستند. در سالهای کم باران چندین ماه خشک می‌شوند. آیا می‌توانید از روی نقشه صفحه ۳۴ دو نمونه از این رودها را نام ببرید؟

### تمرین

- ۱ - فرق جویبار و رود چیست؟
- ۲ - بیشتر رودهای ناحیه شمال از کجا سرازیر می‌شوند؟
- ۳ - چرا رودهای شمال در تمام سال آب دارند؟
- ۴ - چرا در جاهای بلند برف به کندی آب می‌شود؟
- ۵ - رودهای ..... و ..... به دریاچه اورمیه می‌ریزند.
- ۶ - سه خاصیت رودهای ناحیه گرم و خشک کدامها هستند؟
- ۷ - چه رودهایی به خلیج فارس می‌ریزند؟

## آبرفتها و جلگه‌ها

در درس علوم یاد گرفتید که رودها و جویبارها پیوسته دامنه کوهها را می‌شویند. دره‌هایی ایجاد می‌کنند و سنگهای بزرگ و کوچک را می‌غلطانند. از برخورد سنگها به یکدیگر رفته رفته شن و ماسه فراوان تولید می‌شود و آب رود آنها را با خود می‌برد. شن و ماسه و گل و لای که سیلابها و رودها با خود می‌برند **آبرفت** نامیده می‌شود. هر جا سیلابها و رودها آرامتر روان باشند مقداری از آبرفت آنها ته‌نشین می‌شود. ته‌نشین شدن آبرفت در مسیر سیلابها و رودها ادامه می‌یابد. بدین گونه با گذشت زمانهای دراز خاکهای آبرفتی پدید می‌آید که بدان **جلگه** گوئیم. جلگه‌ها گاه بسیار پهناور هستند. خاک جلگه‌ها برای رشد گیاهان بسیار مناسب است.

همچنین یاد گرفتید که رودها و سیلابها در هر یک از سه ناحیه ایران چگونه جریان دارند. برخی از آنها را هم در هر ناحیه شناختید. اکنون بینیم رودها و سیلابها در ناهمواریها چه تغییرهایی می‌دهند و چگونه خاکهای آبرفتی حاصلخیز پدید می‌آورند.

### ۱ - در ناحیه شمال

در نقشه صفحه ۲۵ و ۲۹ دیدید که ناحیه پست شمال چندان پهناور نیست. زمینی است کم عرض بین دریای خزر و رشته کوه البرز. رودهایی که از دامنه‌های شمالی رشته کوه البرز سرازیر می‌شوند تا دریا مسیر کوتاهی دارند. قسمت بزرگی از این مسیر را در کوهها می‌پیمایند.



## دریای خزر

این رودها آبرفت فراوان با خود می‌آورند. در دوره باران سیلابهایی نیز جاری می‌شود. همه اینها چه رود چه سیلاب آبرفتهای خود را به طرف دریای خزر می‌برند. این آبرفتها اندک اندک در کناره دریا ته‌نشین می‌شوند. جلگه‌های پست شمال از انباشته شدن این آبرفتها با گذشت زمانهای بسیار دراز پدید آمده است. ته‌نشین شدن آبرفتها و پیدایش زمینهای آبرفتی همچنان ادامه دارد. به عکس بالا نگاه کنید، ببینید با انباشته شدن آبرفتهای سفید رود در دهانه آن، چگونه خاک در آب پیش می‌رود.

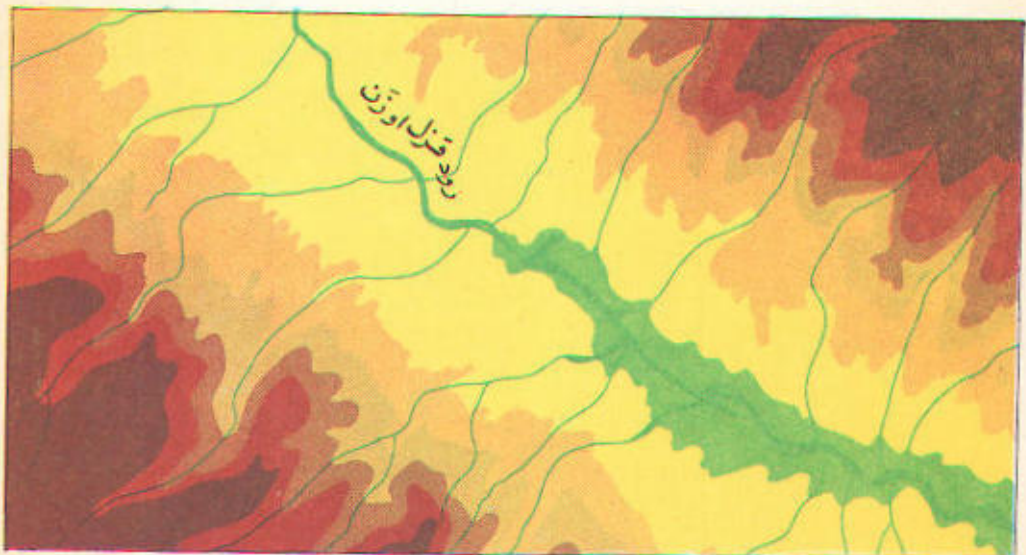


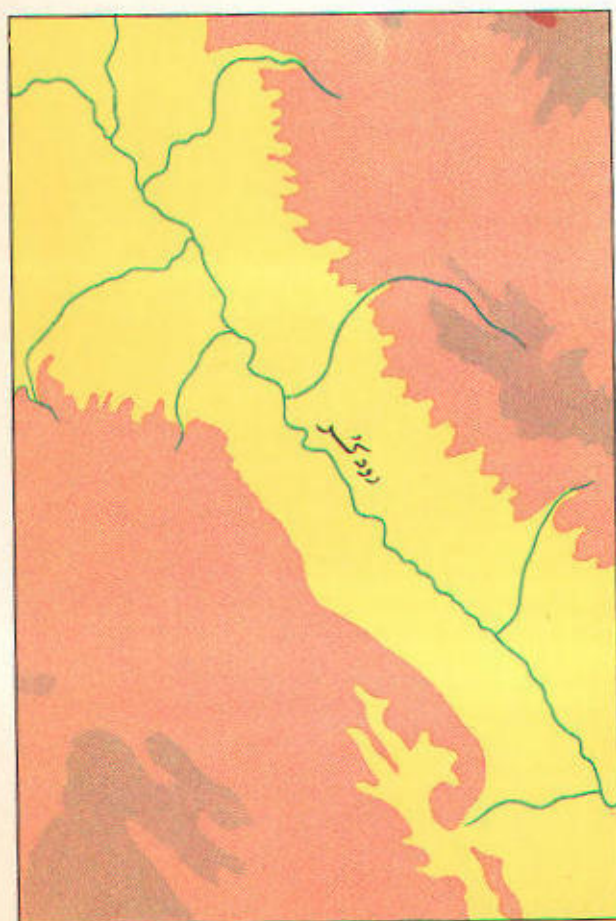
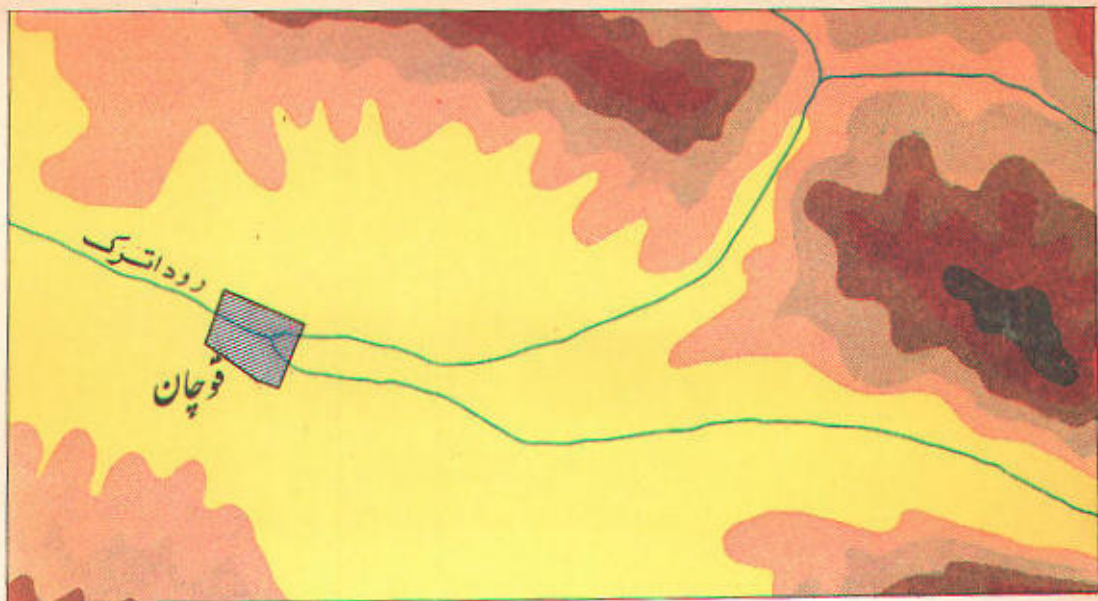
## ۲ - در ناحیه کوهستانی

ته نشین شدن و انباشته شدن آبرفت و پیدایش زمینهای آبرفتی در ناحیه کوهستانی ایران هم صورت می گیرد.

بسیار اتفاق می افتد که رودها در مسیر خود در میان کوهها، از جاهایی که سرایشی کم دارند می گذرند. در این جاها رودها آرامتر روانند و آبرفت آنها نیز ته نشین می شود. از انباشته شدن این آبرفتها با گذشت زمان، زمینهای آبرفتی پدید می آیند. این جلگه های آبرفتی در میان کوهها هر چند بسیار پهناور نیستند، اما در جاهای مختلف ناحیه کوهستانی از آنها بسیار می توان دید. بیشتر این جلگه ها حاصلخیز است. در آنها روستاها و شهرهای آباد به وجود آمده است.

به شکل زیر و شکلهای صفحه بعد نگاه کنید. اینها سه نمونه





از زمینهایی است که در  
 میان کوهها از ته نشین  
 شدن و انباشته شدن  
 آبرفت جویبارها، رودها و  
 سیلابها پدید آمده است.  
 جای آنها را در نقشه  
 صفحه ۱۲ و ۳۲ پیدا  
 کنید.

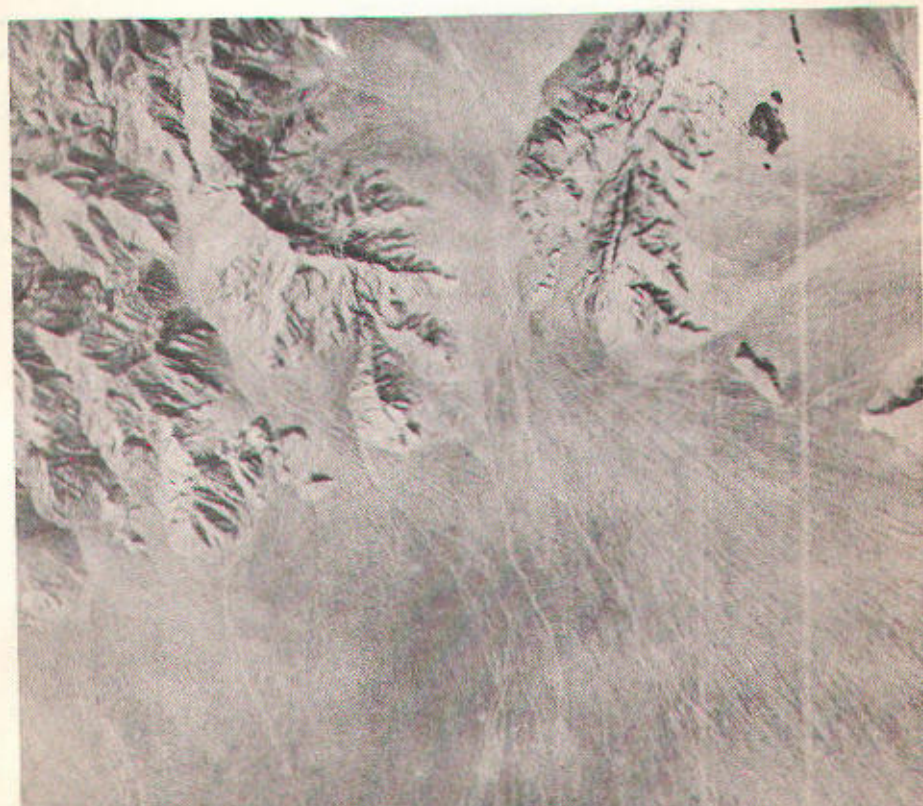


### ۳ - در ناحیه گرم و خشک

رودهایی که از کوههای زاگرس به طرف خلیج فارس روانند در مسیر خود زمینهای آبرفتی به وجود می آورند. در نقشه صفحه ۳۴ در جایی که نوشته شده است «**جلگه خوزستان**» دقت کنید. چند رود در آن می بینید، همه این رودها از کوههای بلند زاگرس سرازیر می شوند. آنها به خصوص در دوره باران آبرفت فراوان می آورند. جاری شدن سیلابها هم هرچه بیشتر بر مقدار این آبرفتها می افزاید. از ته نشین شدن و انباشته شدن این آبرفتهاست که با گذشت زمانهای بسیار دراز، جلگه خوزستان به وجود

آمده است. انباشته شدن آبرفتها در کناره‌های خلیج فارس همچنان ادامه دارد. به عکس صفحه قبل نگاه کنید، ببینید با انباشته شدن آبرفتها در دهانه رود هنديجان چگونه خاک در آب پیش می‌رود.

در ناحیه کم ارتفاع داخلی و قسمت بزرگی از زمینهای پست کناره جنوب، باران تند و سیل آسا در مدت کوتاهی می‌بارد. از این بارانهای تند، سیلاب تولید می‌شود. سیلابها دامنه کوهها را می‌شویند و آبرفتها را پیوسته در کوهپایه بر روی هم انباشته می‌کنند. به عکس پایین نگاه کنید. ببینید سیلاب چگونه دامنه کوهها را می‌شوید. در دامنه کوههای اطراف ناحیه کم ارتفاع داخلی و زمینهای پست کناره جنوب همه جا بارانهای تند، کوهها را چنین می‌شوید. پس از آن که سیلاب فرو می‌نشیند می‌بینیم که چه قدر آبرفت



در کوهپایه‌ها انباشته شده است. با گذشت زمانهای دراز، از این آبرفتها در کوهپایه‌ها، جلگه‌های بزرگ به وجود می‌آید. بسیاری از این جلگه‌ها حاصلخیز است.

به نقشهٔ صفحهٔ ۳۴ نگاه کنید. زمینهای آبرفتی ورامین، کرج و قزوین در کوهپایه‌های دامنهٔ جنوبی البرز و زمینهای آبرفتی غرب اصفهان در دامنهٔ کوههای شرق زاگرس نمونه‌هایی از این خاکهای حاصلخیز هستند.

### تمرین

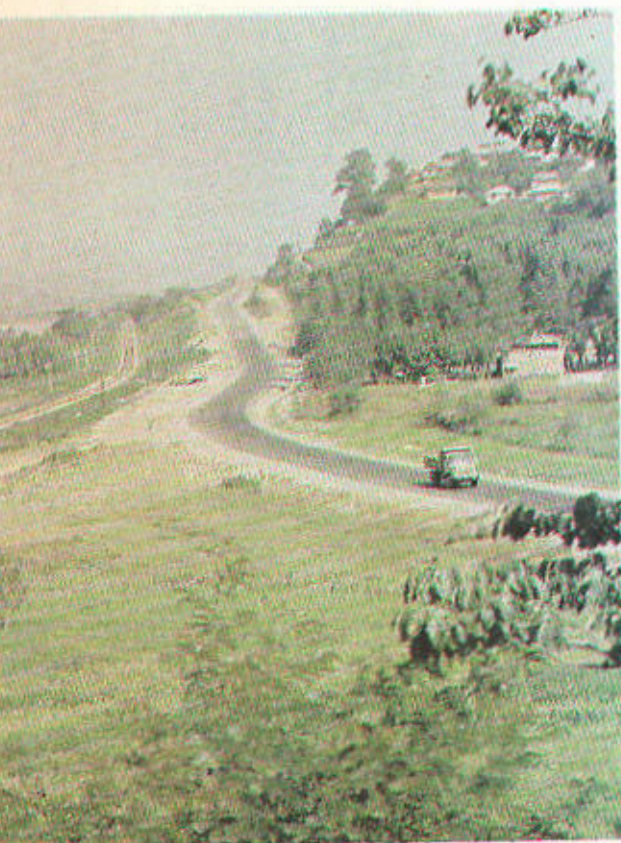


- ۱ - آبرفت و جلگه را تعریف کنید.
- ۲ - ناحیهٔ پست شمال بین کدام دریا و کدام رشته کوه قرار دارد؟
- ۳ - جلگه‌های پست شمال چگونه پدید آمده است؟
- ۴ - جلگهٔ خوزستان چگونه پدید آمده است؟
- ۵ - در ناحیهٔ کوهستانی، زمینهای آبرفتی در کجاها دیده می‌شود؟
- ۶ - در ناحیهٔ کم ارتفاع داخلی، زمینهای آبرفتی بیشتر در کجاها دیده می‌شود؟

## زندگی و کار در ناحیه شمال

در درسهای پیش، ناهمواریها، آب و هوا و جریان آبهای کوهپایه‌های شمالی البرز و جلگه پست کناره دریای خزر را شناختید. خواندید که در این ناحیه باران فراوان می‌بارد. رودها و جویهای بسیار از دامنه‌های شمالی البرز به سوی دریای خزر روان است و گیاهان در خاک آبرفتی و مرطوب آن به خوبی رشد می‌کنند.

اکنون بینیم مردمان ناحیه شمال در میان این شرایط مساعد به چه کارهایی می‌پردازند.



### ۱ - در کشت زارها

به این عکس نگاه کنید.

در درسهای پیش باز هم از این منظره‌ها دیده‌اید. آیا می‌توانید بگویید در کدام درس؟ این چمنزارها و جنگلها چگونه پدید آمده است؟ آیا انسان آنها را به وجود آورده است؟ برای به وجود آمدن چنین جنگلها و چمنزارهایی چگونه آب و هوایی لازم است؟

هوای معتدل و خاک

حاصلخیز و مرطوب ناحیه شمال

بدون دخالت انسان موجب رشد

گیاهان و پیدایش این جنگلها شده

است. در سراسر این ناحیه زمین

از جنگلهای انبوه و چمنزار پوشیده شده است. انبوه‌ترین جنگلهای ایران،

جنگلهای ناحیه شمال است. جنگل یک ثروت ملی است و سود آن به همه

مردم ایران می‌رسد. پس همه باید از آن نگاهداری کنند.

مردمان ناحیه شمال بیشتر کشاورزند. آنها با کار و کوشش، زمینهای

پر از علف را به کشتزارهای حاصلخیز تبدیل کرده‌اند. چون در این ناحیه

خاک رطوبت کافی دارد بسیاری از کشتهای نیازی به آبیاری ندارند. کشت

بدون آبیاری را **کشت دیم** می‌گویند. **چای و توتون** را در ناحیه شمال بدون

آبیاری می‌توان کاشت.

در این عکسها دقت کنید.

چون رطوبت زیاد به درختچه چای

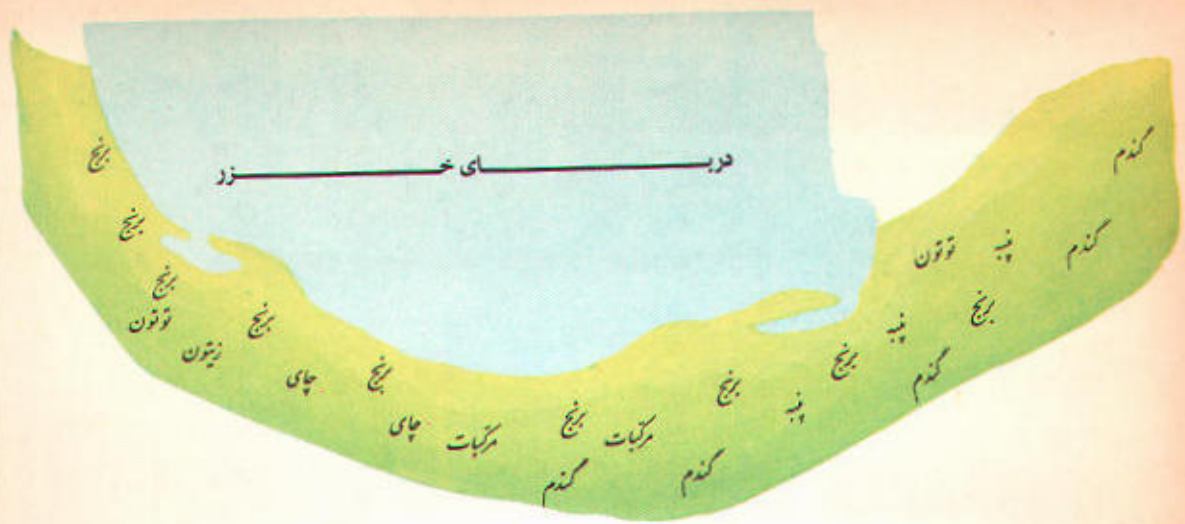
آسیب می‌رساند آن را در زمین

سراشیب که کمتر رطوبت دارد

می‌کارند اما توتون در زمینهای

پست و نسبتاً هموار کاشته می‌شود.





به نقشه بالا نگاه کنید. غیر از چای و توتون نام گیاهان دیگری روی آن نوشته شده است. آنها را هم به صورت دیم می کارند. **پنبه** را در بعضی جاها به صورت دیم می کارند و در بعضی جاها آن را آبیاری می کنند. هر کشت که محتاج به آبیاری باشد **کشت آبی** نامیده می شود. **برنج** (شالی) یک کشت آبی است. کشت زار برنج را شالی زار می گویند.



سد سفیدرود

برنج مهمترین محصول جلگه های شمال است. برای آبیاری شالیزار از آب رودها، استخرها و سدّها استفاده می کنند. **سدّ سفیدرود**، آب سفیدرود را برای آبیاری شالیزارهای پهناور ذخیره می کند. به عکس مقابل نگاه کنید. ببینید در پشت سدّ از جمع شدن آب سفید رود چه



دریاچه بزرگی پدید آمده است. آیا می‌توانید جای این سد را روی نقشه صفحه ۲۹ پیدا کنید؟ آیا می‌توانید از روی همان نقشه بگویید که شالیزارهای کدام قسمت از ناحیه پست شمال، از آب این سد استفاده می‌کنند؟ کشاورزی کار با ارزش و مفیدی است. عده زیادی از مردم ناحیه شمال کشاورز هستند. آنها با کار زیاد، کشورمان را از وارد کردن مواد غذایی بی‌نیاز می‌کنند.

### درس ۱۶

#### ۲ - در کارخانه‌ها

در ناحیه شمال کارخانه‌های بسیاری دیده می‌شود. عده‌ای از مردمان این ناحیه در کارخانه‌ها کار می‌کنند.

به عکسهای این صفحه و صفحه بعد نگاه کنید. نوشته‌های زیر هر عکس را با دقت بخوانید. آیا می‌توانید از روی نام هر کارخانه بگویید که آن



دستگاه شالی‌کوبی



کارخانه چوب

کارخانه چه کاری انجام می‌دهد؟ به چه محصولی نیازمند است؟ آیا این محصول را از کشت‌زار به کارخانه می‌آورند؟

کارخانه‌هایی برای کندن پوست شالی و آماده ساختن برنج، خشک کردن برگهای کوچک چای، جدا کردن پنبه از دانه آن و تولید نخ از پنبه و تهیه تخته و الوار از چوب جنگل ساخته شده‌اند. این کارخانه‌ها با محصولهایی که از کشت‌زار و جنگل به‌دست می‌آید سروکار دارند.



کارخانه نخ‌ریسی

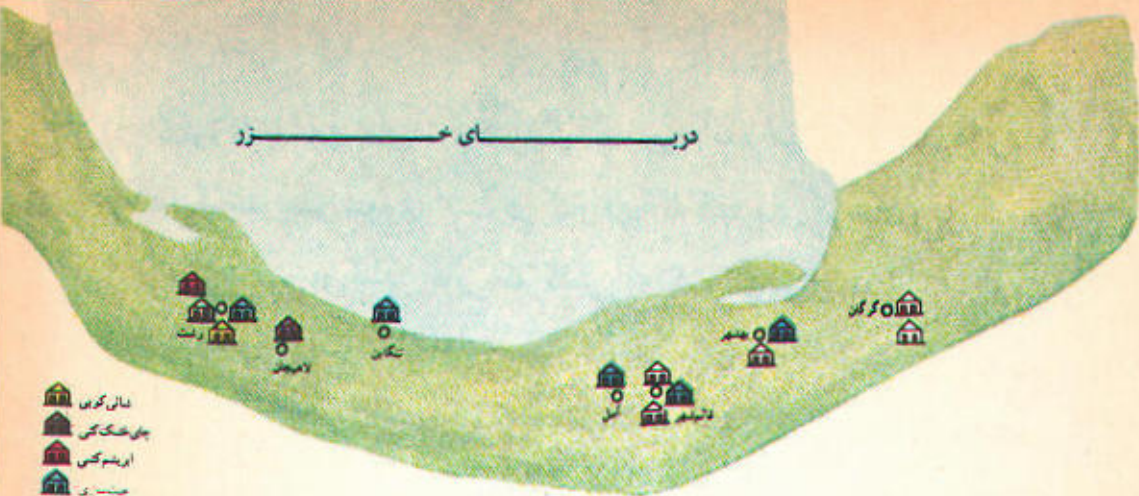
چیت‌سازی، ابریشم‌کشی و گونی‌بافی انواع دیگری از کارخانه‌های ناحیه شمال هستند. درباره اینها چه می‌دانید؟ آیا این کارخانه‌ها هم به محصولهای کشاورزی احتیاج دارند؟

کارخانه چیت‌سازی از پنبه پارچه نخی می‌بافد.

کارخانه ابریشم‌کشی از پیله کرم ابریشم نخ ابریشمی می‌سازد.



بسیله‌چینی (جدا کردن بسیله‌های کرم ابریشم)



از آنچه خواندیم به این نتیجه می‌رسیم که تقریباً تمام کارخانه‌های ناحیه شمال هریک به شکلی به محصول کشاورزی احتیاج دارند. آنچه در این کارخانه‌ها به دست می‌آید به مصرف غذا و پوشاک می‌رسد. مردمان ناحیه شمال و ساکنان جاهای دیگر کشور از این محصولهای صنعتی بهره‌مند می‌شوند. در راهنمای نقشه بالا دقت کنید. آیا می‌توانید شهرهایی را پیدا کنید که در آنها کارخانه شالی کوبی هست؟ کدام شهرها؟ شهرهایی که در اطراف آنها کارخانه چای سازی هست کدامند؟ کارخانه چیت‌سازی در کدام شهرها دایر است؟

درس ۱۷

### ۳ - در کنار دریا

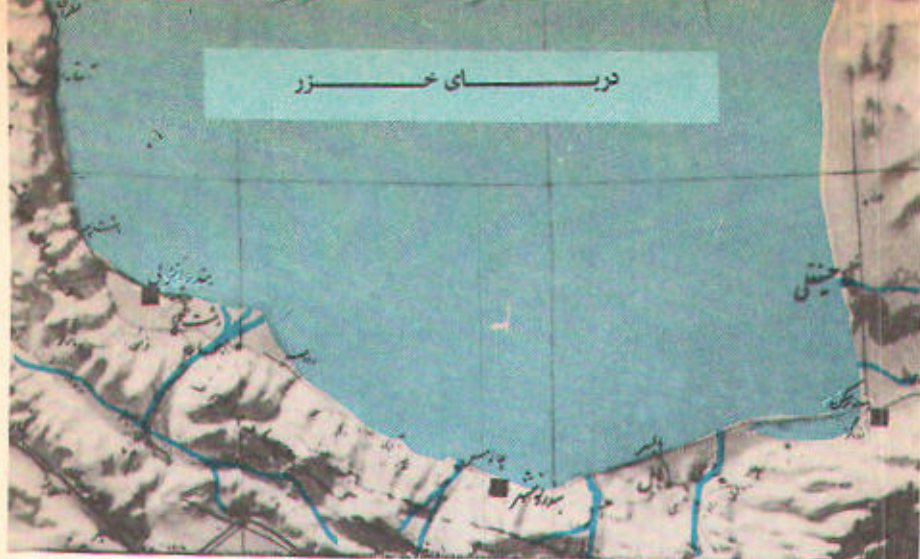
عده‌ای از مردمان جلگه‌های پست ناحیه شمال در کنار دریا، یا در فاصله کمی از آن زندگی می‌کنند. در میان این مردمان قایق‌رانان، کشتی‌رانان، ماهیگیران و شکارچیان بسیاری هستند. در بعضی از جاهای

کناره دریا، شهرهای نسبتاً بزرگ به وجود آمده است. این شهرها را **بندر** می‌گویند. بندر شهری است در کنار دریا که کشتیهای کوچک و بزرگ به آن آمد و رفت می‌کنند. جایی که کشتی در کنار آن می‌ایستد **اسکله** نام دارد. بندرهای بزرگ اسکله‌های بسیار دارند.

به عکس پایین نگاه کنید. این عکس بندر انزلی را نشان می‌دهد. آیا می‌توانید در نقشه صفحه بعد جای بندر انزلی را پیدا کنید؟ کشتیهای بزرگ و کوچک موتوری و بادبانی در کنار آن لنگر می‌اندازند. بعضی از این کشتیها مخصوص حمل کالا هستند و بعضی دیگر به ماهیگیری می‌پردازند. در عکس زیر می‌بینید که در کنار اسکله یک کشتی موتوری نسبتاً بزرگ لنگر انداخته است. چه چیزهایی از آن خارج می‌کنند؟ آیا می‌توانید بگویید این کشتی از کدام کشور همسایه آمده است؟

اسکله بندر انزلی

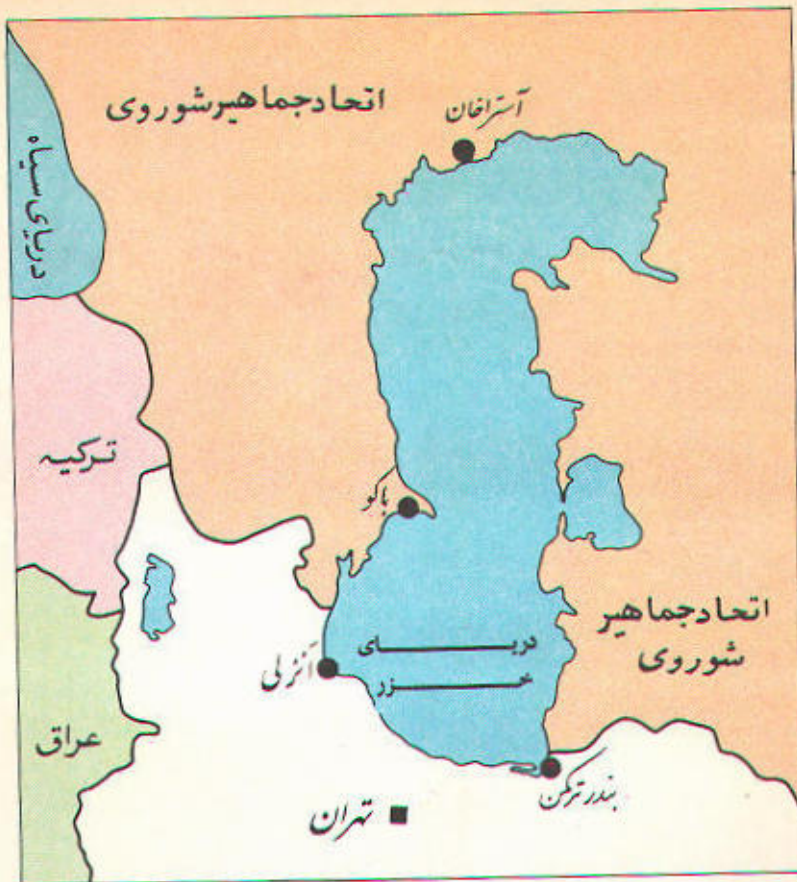




به نقشه صفحه بعد نگاه کنید. دریای خزر میان ایران و شوروی واقع است. بندرهای بزرگ ایران بیشتر در جنوب این دریا قرار دارند. تمام کناره‌های شمالی و بیشتر کناره‌های شرقی و غربی دریای خزر در شوروی است. آیا می‌توانید از روی نقشه دو بندر ایران و دو بندر شوروی را نام ببرید؟ بین بندرهای ایران و شوروی کشتیهای بازرگانی و مسافری رفت و آمد می‌کنند. برای باراندازی و بارگیری کشتیها، محافظت کالاها، منظم کردن کار بندرها عده‌ای مشغول کار هستند.

در دریای خزر ماهیگیری نیز اهمیت فراوان دارد. در این دریا ماهیهای گوناگون زندگی می‌کنند. شکل ۲ صفحه بعد نوعی ماهی است که از تخم آن **خاویار** تهیه می‌کنند. برای صید این ماهیها، ماهیگیران با قایقهای بادبانی خود از کناره دریا بسیار دور می‌شوند.

بندر انزلی دارای کارخانه‌هایی است که در آنها کنسرو گوشت ماهی تهیه می‌شود. در کناره دریا و در دهانه رودها نیز برخی از انواع ماهی صید



می شود.

به شکل‌های پایین صفحه نگاه کنید. این ماهیها معروفترین ماهیهای دریای خزر می باشند. ماهی را بیشتر در پاییز و زمستان می گیرند.



نوعی ماهی خاویار

۲



ماهی کبوتر

۱



ماهی کفال

۴



ماهی سفید

۳

در نزارها، بیشه‌ها و جنگلهای ناحیه شمال پرندگان گوناگون دیده می‌شوند. در پاییز و زمستان هوای کناره‌های جنوبی دریای خزر از جاهای دیگر آن معتدل‌تر است. در این فصلها **مرغابی، غاز** و پرندگان دیگر به این ناحیه مهاجرت می‌کنند. این عکس انبوهی از پرندگان دریایی را نشان می‌دهد.



با شروع دوره گرما ساکنان کناره دریا کار خود را در کشتزارهای نزدیک آغاز می‌کنند. آنها به کشت انواع سبزی و محصولات تابستانی (خیار، خربزه، هندوانه، گوجه‌فرنگی،

بادنجان و مانند آنها) می‌پردازند. در ناحیه شمال **صنایع دستی** رونق فراوان دارد که عمده‌ترین محصولات آن انواع سبد، حصیر، بادبزن و جارو است. این محصولات از شاخه‌های نازک درختان و ساقه‌های گیاهان به ویژه برنج ساخته می‌شوند. سفال و ظروف سفالی نیز از صنایع دستی این ناحیه‌اند. صنایع دستی در همه بازارهای ناحیه



در بسیاری از شهرهای شمال بازار هفتگی بر پا می‌شود. این منظره‌ای از جنبه بازار بندر اتزلی است.

شمال به فروش می‌رسد.

در بسیاری از شهرهای شمال **بازار هفتگی** برپا می‌شود. در این بازارها کشاورزان اجناس خود را یک بار در هفته برای فروش می‌آورند. این بازارها به نام همان روز خوانده می‌شود. در فصل تابستان ناحیه شمال بسیار زیباست و هوای خوبی دارد. در این فصل مردم برای گردش و استراحت به آنجا می‌روند.

### تمرین

- ۱ - چرا مردمان ناحیه پست شمال بیشتر کشاورزند؟
- ۲ - کشت دیم چیست؟
- ۳ - در شمال چه محصولهایی به صورت دیم کاشته می‌شوند؟
- ۴ - به چه جایی بندر می‌گویند؟
- ۵ - غیر از ایران کدام کشور دیگر در کنار دریای خزر قرار دارد؟
- ۶ - ساکنان کناره دریا در تابستان چه محصولهایی تولید می‌کنند؟
- ۷ - شغل‌های رایج در شمال چیست؟
- ۸ - صنایع دستی ناحیه شمال را نام ببرید.
- ۹ - بازار هفتگی چیست؟ آیا در شهر یا روستای شما از این بازارها وجود دارد؟



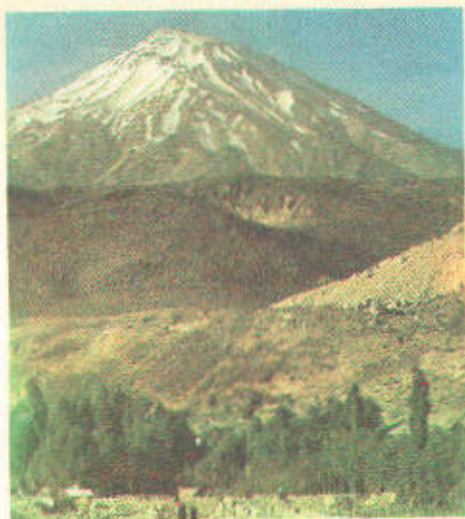
## زندگی و کار در ناحیه کوهستانی

می‌دانیم که قسمت بزرگی از ایران کوهستانی است. به خاطر دارید که در ناحیه کوهستانی ایران در بعضی جاها کوهها از هم فاصله دارند و در بعضی جاها کوهها فشرده و دیوار مانند هستند. یاد گرفتید که در جاهای کوهستانی مدت درازی از سال هوا سرد یا معتدل است. ریزش برف و باران در کوههای مغرب و جنوب غربی بیشتر است و هرچه به طرف مشرق برویم باران و برف کمتری می‌بارد. خاکهای آبرفتی حاصلخیز در دامنه کوهها، در کوهپایه‌ها و در مسیر رودها دیده می‌شوند. در ناحیه کوهستانی ایران مردمان بسیار زندگی می‌کنند. این مردمان به کارهای گوناگون مشغولند. دامپروری، کشاورزی و صنعت مهم‌ترین کارهای آنان است.

### ۱ - در چمنزارها

در دامنه‌ها و کوهپایه‌های ناحیه کوهستانی به خصوص در مغرب و جنوب غربی ایران جنگل و چمنزار بسیار دیده می‌شود. به عکس پایین نگاه





کنید. این منظره‌ای از ناحیه کوهستانی ایران است. در این عکس می‌بینید که بعضی جاها بلندتر و بعضی جاها پست‌تر است. آیا می‌توانید بگویید که بلندترین جای این کوهستان کجاست؟ چرا بر روی آن برف فراوانی انباشته شده است؟ درختها در کجا رویده‌اند؟ چرا درختها از هم فاصله دارند؟ چرا در این جا جنگل مانند ناحیه شمال انبوه نیست؟

کوهپایه به زمینهای پای کوه می‌گویند. آیا در عکس بالا کوهپایه می‌بینید؟ در خاکهای کوهپایه چه چیزهایی رویده است؟ چرا شبانان دامهای خود را به این کوهپایه‌ها آورده‌اند؟

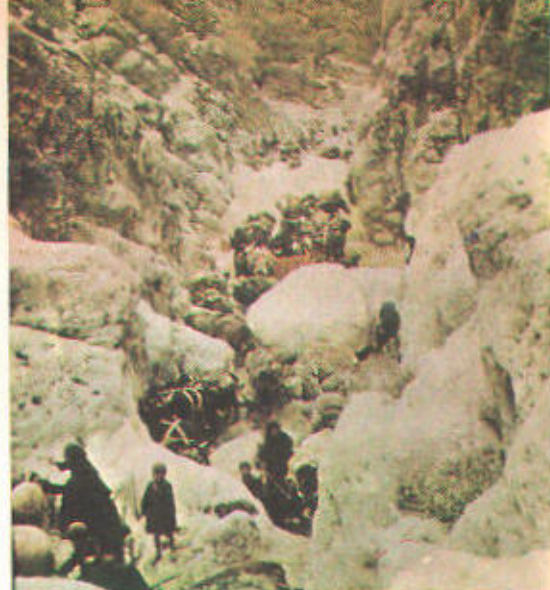
در درسهای پیش یاد گرفتید که هوا در جاهای بلند سرد است و به همین دلیل است که بعضی از قله‌های بلند ایران تمام سال برف دارند. هرچه از جاهای بلند کوه به طرف پایین کوه بیاییم از سرمای هوا کاسته می‌شود. اکنون فرض کنید دوره گرما آغاز شده است. آیا قله‌های بلند و کوههای

کم ارتفاع و کوهپایه‌ها یکسان گرم می‌شوند؟ چرا؟ آیا رطوبت برف و بارانی که در دوره سرد سال در خاک جاهای بلند، کم ارتفاع و پست ذخیره شده است یکسان تبخیر می‌شود؟ خاک کجاها زودتر و خاک کجاها دیرتر رطوبت خود را از دست می‌دهد؟

در کتاب علوم خوانده‌اید که گیاهان برای رشد خود به دمای مناسب و آب کافی نیازمندند. آیا می‌توانید بگویید که با شروع دوره گرم سال، چمنزارهای کدام قسمت از کوهستان زودتر سبز می‌شود و کدام قسمت دیرتر؟ در تابستان چمنزارهای کدام قسمت از کوهستان زودتر خشک می‌شود و کدام قسمت دیرتر؟ چرا؟

وقتی که دوره گرم سال شروع می‌شود گیاهان جاهای کم ارتفاع و پست کوهستان، سبز می‌شوند. رفته رفته که گرمی هوا بیشتر می‌شود در جاهای بلندتر هم چمنزار پدید می‌آید. در وسط تابستان حتی در کوهپایه‌های کوههای بلند هم چمنزارهای تر و تازه می‌توان یافت در حالی که در همین موقع چمنزارهای جاهای کم ارتفاع و پست، پژمرده یا خشک شده‌اند.

مردمان بسیاری در ناحیه کوهستانی دامپوری می‌کنند. بسیاری از این مردم به صورت **ایلی** (کوچ‌نشین) زندگی می‌کنند. آنها می‌دانند که در هر جای کوهستان چه وقتی چمنزارهای تر و تازه پدید می‌آید. به همین جهت با آغاز دوره گرما دامهای خود را اندک‌اندک به جاهای بلندتر می‌برند. دامپوران در مسیر خود مجبور می‌شوند از رودها و دره‌های تنگ کوهستان بگذرند.



به این عکسها نگاه کنید.  
برای رسیدن به چراگاههای تازه،  
ایلات و عشایر گله‌ها را از رودها و  
تنگناهای کوهستان می‌گذرانند.

وقتی که هوا رو به سردی می‌گذارد، ایلات و عشایر گله‌های خود را  
رفته رفته به جاهای پست‌تر و گرم‌تر برمی‌گردانند.

دامپروران با استفاده از فرآورده‌های دامی زندگی می‌کنند. شیر،  
ماست، پنیر، کره، روغن، گوشت، پشم و پوست مهمترین فرآورده‌های این  
دامهاست.

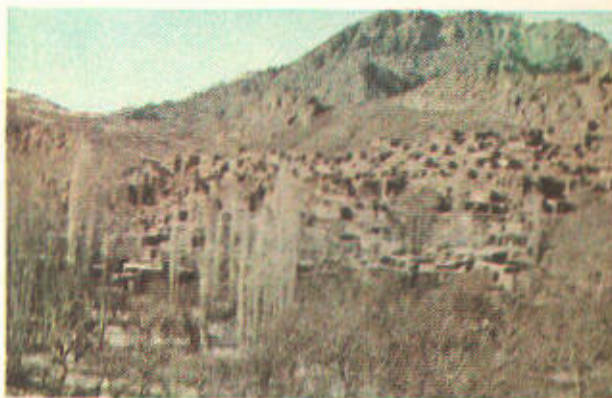
عشایر بخشی از محصولات دامی خود را در شهرهای نزدیک به  
فروش می‌رسانند و در عوض قسمتی از محصولات مورد نیاز خود را از  
شهرها تهیه می‌کنند. آنها از پشم و موی دامهای خود نیز استفاده می‌کنند و با  
آنها گلیم، جاجیم و قالیهای زیبا می‌بافند. از پوست دامها، در کارخانه‌های  
چرم‌سازی چرمهای گوناگون تهیه می‌کنند.

عشایر میهن ما مردمانی دیندار و شجاع هستند. آنها علاوه بر تلاش  
در جهت افزایش محصولات دامی از مرزهای کشور جمهوری اسلامی  
ایران نیز پاسداری می‌کنند.

## ۲ - در کشتزارها

در درس سیلابها و رودها یاد گرفتید که زمینهای آبرفتی و قابل کشت ناحیه کوهستانی ایران در دامنه کوهها، پای کوهها و در مسیر رودها دیده می شود. به شکلهای صفحه ۴۰ و ۴۱ بار دیگر نگاه کنید. از این شکلهای فهمیدید که از ته نشین شدن آبرفت رودها و جمع شدن آبرفتهای سیلابها در کوهپایهها

خاکهای آبرفتی پدید می آید که غالباً حاصلخیز است. حالا به عکسهای بالا نگاه کنید. در دو عکس بالا میان دو دامنه کوه چه می بینید؟ جویباری که از کوه سرزیر می شود از این خاکهای آبرفتی می گذرد. آیا در این جا می توان محصولی کاشت؟ از کجا فهمیدید؟ در عکس پایین چه می بینید؟ این شهر کوچک در کجای کوه ساخته شده است؟ در پایین



شهر چه دیده می‌شود؟

در ناحیه کوهستانی ایران از این منظره‌ها بسیار است. این زمینهای آبرفتی را با آب جویبارها و رودها آبیاری می‌کنند. در آنها گندم و جو، انواع سبزیها و بُشن (لویا، نخود، عدس و مانند آنها) همچنین درختان میوه (سیب، هلو، گلابی و انگور) می‌کارند. از زمینهای پهناور چغندر قند، توتون، سیب‌زمینی و در بعضی جاها پنبه به دست می‌آید.

در ناحیه کوهستانی ایران، زمینهای پهناوری دیده می‌شود که از آنها برای کشت دیم استفاده می‌کنند. این زمینها همان دامنه‌ها و کوهپایه‌های آبرفتی هستند و سراسیمی کمی دارند. می‌دانید که در ناحیه کوهستانی غرب ایران باران و برف نسبتاً کافی می‌بارد. کشاورزان با استفاده از ریزش برف و باران به کشاورزی دیم می‌پردازند. در این زمینهای پهناور به آسانی می‌توان ماشینهای کشاورزی را به کار برد. گندم و جو مهمترین کشت دیم در این زمینهای پهناور است. بعضی از درختان میوه مانند انگور و بادام را هم می‌توان در این جاها به صورت دیم کاشت.

مقدار برداشت محصول دیم با مقدار ریزش برف و باران بستگی

دارد.

آیا در سالهایی که برف و باران کم بیارد کشاورزان خوشحالت‌ترند یا در

سالهایی که برف و باران فراوان بیارد؟ چرا؟

به عکس صفحه بعد نگاه کنید. کشت‌زار پهناوری است که خاک آن

را برای کشت گندم دیم آماده می‌کنند.



بیشتر روستاییان ناحیه کوهستانی همراه با کار کشاورزی به پرورش دام نیز می‌پردازند. آنها مقداری از فرآورده‌های دامی خود را به مصرف می‌رسانند و باقی مانده را می‌فروشند.

درس ۲۰

### ۳ - در کارخانه‌ها

مردمان ناحیه کوهستانی ایران همه در چمنزارها و روستاها به دامپروری و کشاورزی نمی‌پردازند. عده‌ای از آنها هم در شهرهای کوچک و بزرگ زندگی می‌کنند. بعضی از شهرهای ناحیه کوهستانی در کوهپایه‌ها و بعضی دیگر در دامنه کوهها ساخته شده‌اند.

همه جا زندگی شهرنشینان با زندگی دامپروران و کشاورزان بستگی دارد. مردمان شهرنشین به دامپرور و کشاورز و دامپرور و کشاورز به شهرنشینان نیازمندند. در همین درس یاد گرفتید که چه طور زندگی دامپروران و شهرنشینان ناحیه کوهستانی ایران به هم مربوط است. آیا می‌توانید در این باره مثالی بزنید؟

دامپروران و کشاورزان فرآورده‌های خود را به مردمان شهرها می‌فروشدند و شهرنشینان بعضی از این فرآورده‌ها را بدون این که در آنها تغییری دهند به مصرف می‌رسانند ولی در برخی دیگر کم و بیش تغییراتی می‌دهند. این تغییرات در کارخانه‌ها انجام می‌شود. کارخانه‌ها معمولاً در شهرها یا در اطراف آنها برپا شده‌اند. می‌دانید که چغندر قند را کشاورز در کشت‌زار به دست می‌آورد. در کارخانه از آن قند و شکر می‌سازند. قند و شکر، هم در شهرها به مصرف می‌رسد هم کشاورزان و دامپروران بدان نیازمندند. در بسیاری از شهرهای ناحیه کوهستانی ایران قند و شکر ساخته می‌شود. آیا می‌توانید در نقشه صفحه بعد، پنج شهر را که در آنها قند و شکر می‌سازند نام ببرید؟ آیا بیشتر این کارخانه‌های قند و شکر در قسمت کوهستانی غرب و جنوب غربی ایران قرار دارند؟

فرآورده‌های دیگری مانند پشم گوسفند در کارخانه‌های ریسندگی به نخ و در کارخانه‌های بافندگی به پارچه‌های گوناگون و در کارگاه‌های دستی قالی‌بافی به قالی و قالیچه تبدیل می‌شوند. از پوست دامها در کارخانه‌های چرم‌سازی چرمهای گوناگون می‌سازند. در کارخانه‌های لبنیات‌سازی نیز



پنیر، کره و روغن بسیار تولید می کنند.  
 دانستیم که در ناحیه کوهستانی  
 ایران انواع میوه به دست می آید. مقدار  
 زیادی از میوه ها را در کارخانه ها به  
 صورت خشکبار یا کنسرو درمی آورند.  
 بسیاری از این محصولات: پارچه، قالی،  
 لبنیات و کنسرو در خارج از  
 ناحیه کوهستانی ایران مصرف فراوان  
 دارد.



در ناحیه کوهستانی ایران  
 معدنهای گوناگون مانند آهن، مس،  
 سرب یافت می شود و در بعضی از  
 شهرهای این ناحیه کارخانه های  
 بزرگ و کوچک فلزکاری به وجود  
 آمده است.



اکنون به نشانه های راهنمای  
 نقشه مقابل دقت کنید. آیا می توانید دو شهر  
 که در آنها لبنیات سازی وجود دارد نام  
 ببرید؟ در کدام شهرها چرم سازی  
 می کنند؟ دو شهری که دارای کارخانه های

ریسندگی و بافندگی است کدامند؟ قالی بافی کدام شهرها مشهور است؟  
خشکبار و کنسرو میوه در کدام شهرها تهیه می شود؟

### تمرین

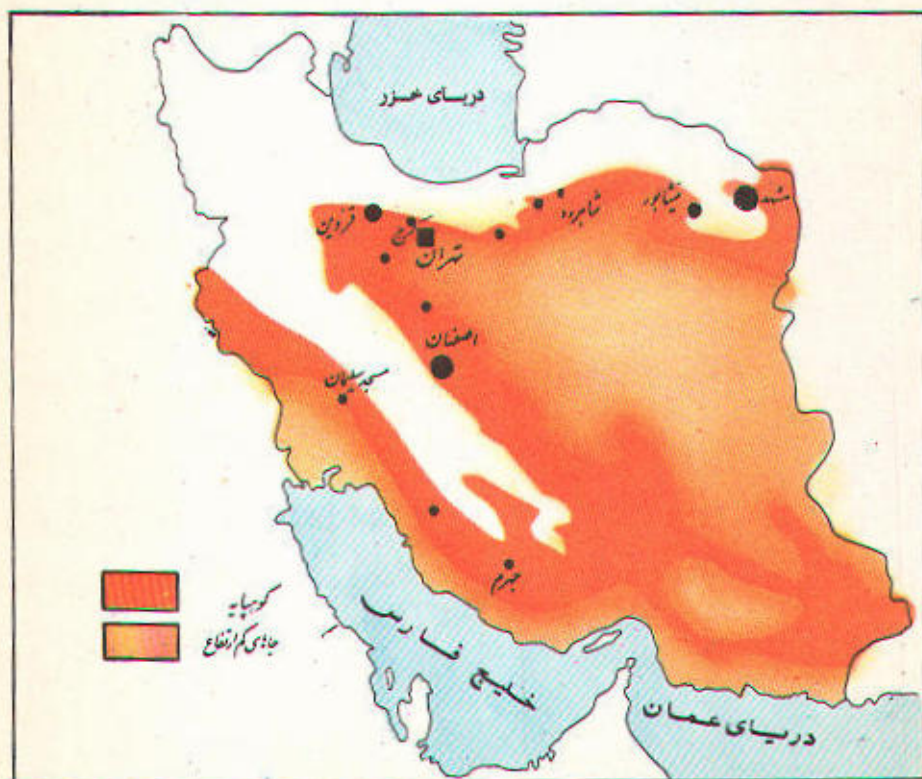


- ۱ - چرا در ناحیه کوهستانی ایران، قله های بسیار بلند در تمام سال برف دارند؟
- ۲ - دامنه های زاگرس روبه کدام سمتها قرار دارند؟
- ۳ - رطوبت خاک در جاهای بلند زودتر تبخیر می شود یا در جاهای پست؟
- ۴ - چرا دامپروران دامهای خود را در تابستان اندک اندک به جاهای بلندتر کوهستان می برند؟
- ۵ - زمینهای قابل کشت ناحیه کوهستانی در کجای آن دیده می شود؟
- ۶ - در کجای ناحیه کوهستانی دیم کاری می توان کرد؟
- ۷ - کدام محصولات در ناحیه کوهستانی به صورت دیم کاشته می شوند؟
- ۸ - چه معدنهایی در ناحیه کوهستانی وجود دارند؟
- ۹ - پشم گوسفند را در چه کارخانه ها و کارگاههایی مصرف می کنند؟
- ۱۰ - کارخانه ای که پوست دام را به چرم تبدیل می کند چه نام دارد؟

## زندگی و کار در ناحیه گرم و خشک

در درس آب و هوا، ناحیه گرم و خشک ایران را شناختید. دانستید که زمینهای کم ارتفاع داخلی و زمینهای پست کناره جنوب با کوهپایه‌های نزدیکشان آب و هوای گرم و خشک دارند. یاد گرفتید که در این ناحیه بیشتر ماههای سال هوا گرم و بی باران است. آیا به یاد دارید که در ناحیه گرم و خشک ایران چند ماه از سال هوا گرم است؟ آیا می‌توانید بگویید که چند ماه از سال در این جا باران نمی‌بارد؟

در کویرها و زمینهای اطراف آنها جمعیت بسیار کم است. در این جاها باید دهها کیلومتر راه پیمود تا به‌دهی یا شهری کوچک رسید. اما در کوهپایه‌های اطراف ناحیه گرم و خشک نه تنها روستاهای آباد بسیار است



بلکه شهرهای بزرگی نیز در آن پدید آمده است. در این روستاها و شهرها، جمعیت فراوان زندگی می‌کنند ولی عده شهرنشینان بیش از عده روستاییان است. به نقشه صفحه قبل نگاه کنید. نام چند شهر در قسمت کوهپایه‌ای نوشته شده است. آنها را نام ببرید. آیا می‌دانید که در حدود یک پنجم جمعیت ایران تنها در همین چند شهر زندگی می‌کنند؟

### ۱ - در کشتزارها

در ناحیه گرم و خشک ایران، کویرها و زمینهای نزدیک آنها با کوهپایه‌های اطراف، هم از جهت وجود آب و هم از جهت خوبی و بدی خاک فرق دارند.



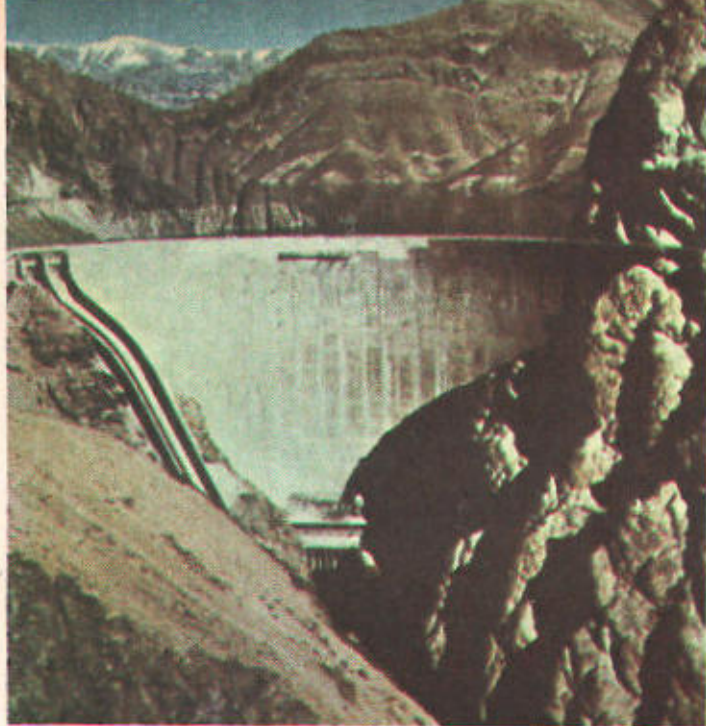
در کویرها و زمینهای نزدیک آنها باران و برف بسیار کم می‌بارد. سیلابها و جویبارهایی که در موقع بارندگی در این زمینها پدید می‌آیند به زودی خشک می‌شوند. در خاک آنها نمک وجود دارد. آیا در چنین زمینهایی به آسانی می‌توان کشاورزی کرد؟ آیا محصول فراوان در این زمینها به دست می‌آید؟ آیا در چنین جاهایی که آب و هوا و خاک نامساعد دارد

کشاورزانی که در زمینهای نزدیک کویر زندگی می‌کنند بسیار فداکار و پرکار هستند.



جمعیت زیاد می‌تواند زندگی کند؟

کشاورزانی که در زمینهای نزدیک کویرها زندگی می‌کنند بسیار فداکار و پرکار هستند. آنها با کندن چاه، آب به دست می‌آورند و با کوشش زیاد در بهتر کردن جنس خاک می‌کوشند. در بعضی زمینهای این ناحیه مانند زمینهای دهانه رود **هیرمند** در سیستان، زمینهای **دشت هلیل رود** در **جیرفت** کرمان و جلگه خوزستان که چند رود از آن می‌گذرد با آبیاری می‌توان محصول خوبی به دست آورد. به نقشه بالا نگاه کنید. آیا می‌توانید جلگه سیستان را روی نقشه نشان دهید؟ رود هیرمند از کدام کشور همسایه به ایران می‌آید؟ دشت جیرفت کجاست؟ جلگه خوزستان کدام است؟ بر کوهپایه‌هایی که در طرف شمال و غرب ناحیه کم‌ارتفاع داخلی



سد امیر کبیر

قرار دارند برف و باران بیشتر می بارد. سیلابها، جویبارها و رودهای نسبتاً زیادی از کوههای شمال و غرب به طرف این کوهپایه ها روانند. با بستن سد از آب رودها برای آبیاری کشتزارهای کوهپایه استفاده بسیار می کنند.



اکنون با استفاده از راهنمای نقشه روبرو، چند سد روی آن پیدا کنید. **سد لتیان** بر کدام رود بسته شده است؟ **سد امیر کبیر** بر کدام رود؟ با آب این دو سد قسمتی از کوهپایه های جنوبی البرز آبیاری می شود. با آب **سد زاینده رود** کشتزارهای

جلگه اصفهان آبیاری می‌شود. جای سد دز و سد شهید عباس‌پور را روی نقشه پیدا کنید. با آب این سدها قسمت بزرگی از جلگه خوزستان را آبیاری می‌کنند.

در ناحیه پهناور گرم و خشک ایران محصولهای گوناگون به دست می‌آید. همان‌طور که آب و هوا و جنس خاک کوهپایه‌ها با زمینهای اطراف کویرها و کناره پست جنوب کاملاً یکسان نیست نوع محصول،

زمان برداشت و مقدار

محصول آن دو نیز تفاوت

دارد. چنان‌که در این نقشه

می‌بینید در زمینهای کم

ارتفاع داخلی و کناره

پست جنوب درخت خرما

فراوان دیده می‌شود.

زعفران و زیره و نیشکر

نیز نمونه‌های دیگری از

محصولهای آن است. در

زمینهای کم ارتفاع داخلی

و کناره پست جنوب هر جا خاک مساعد باشد و آب برای آبیاری به دست

آید گندم و جو و محصولهای تابستانی (خیار، کدو، گوجه‌فرنگی، بادنجان،

هندوانه و خربزه و مانند آنها) کاشته می‌شود. این محصولها به علت زود



فرارسیدن دورهٔ گرما زودتر می‌رسند و در بازار شهرهای کوهپایه‌ای مشتری فراوان دارند.

از میان دامها، **شتر** و **بز** توانایی زیادی برای زندگی در زمینهای کم ارتفاع داخلی و کنارهٔ پست جنوب دارند.

در کوهپایه‌ها چون خاک مساعدتر است و باران و برف بیشتر می‌بارد همچنین از آب سیلابها، جویبارها و رودها می‌توان استفاده کرد از این رو کشتزارها پهناورترند. در این جاها گندم و جو فراوان به دست می‌آید. کشتزارهای بزرگ **چغندر** **قند** و **پنبه** در آنها دیده می‌شوند. سبزیها و محصولات تابستانی گوناگون به مقدار زیاد در آن می‌کارند. **انواع میوه** از سیب، زردالو، هلو، گیلان، گلابی و انگور گرفته تا بادام و پسته در آنها محصول خوب می‌دهند. درو گندم و جو و برداشت محصولهای دیگر در کوهپایه اندکی دیرتر از جاهای کم ارتفاع داخلی و زمینهای پست کنارهٔ جنوب انجام می‌گیرد. آیا می‌دانید چرا؟

در کوهپایه‌ها علف تر و خشک شدهٔ آن بیشتر به دست می‌آید همچنین دامپروران می‌توانند به آسانی دامهای خود را در دورهٔ گرم سال از کوهپایه‌ها به چمنزارهای کوههای بلند ببرند. از این جهت دامپروری در کوهپایه‌ها رواج بسیار دارد و کار پرفایده‌ای است. دامپروران کوهپایه‌ها گله‌های بزرگی از گاو، گوسفند و بز دارند. دامپروران کوهپایه‌ها می‌توانند به آسانی و زودتر از دامپروران ناحیهٔ کوهستانی، محصولهایی را که از دامها به دست می‌آورند به شهرها بیاورند و به قیمت خوب به فروش برسانند. آیا می‌دانید چرا؟



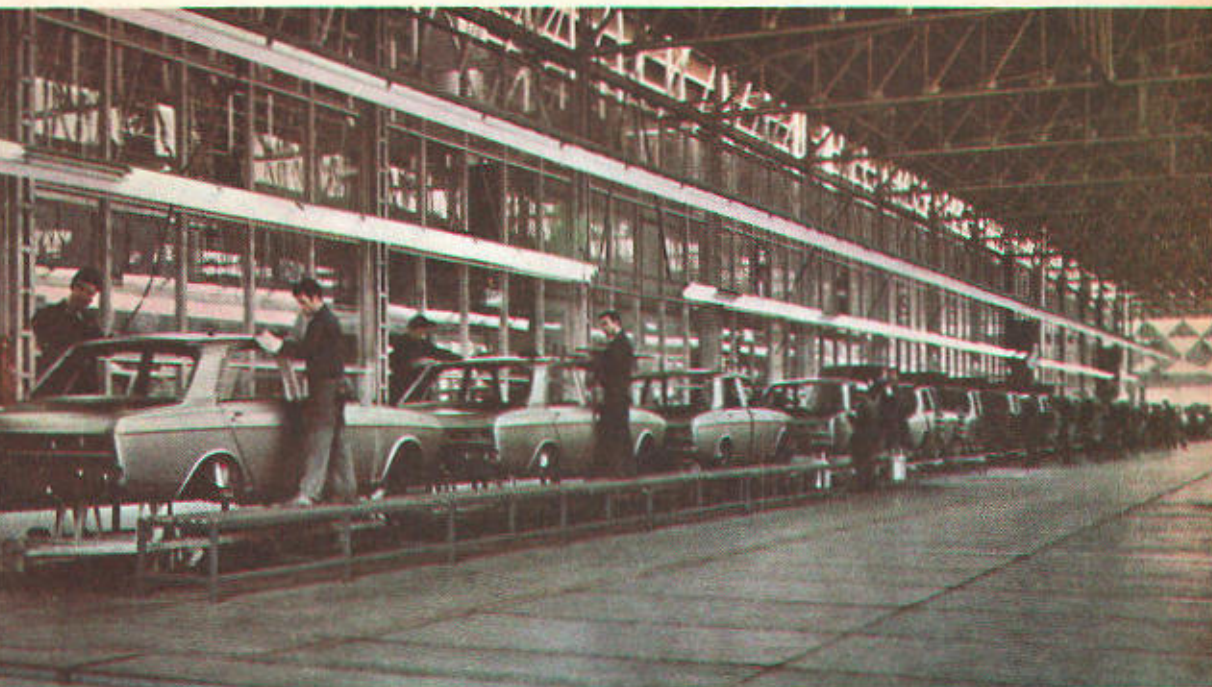
۲- در معدنها و کارخانه‌ها ناحیه گرم و خشک ایران دارای معدنهای گوناگون است. به نقشه نگاه کنید. جای بعضی از این معدنها روی آن نشان داده شده است. با استفاده از راهنمای نقشه آیا می‌توانید **جاهای نفت خیز** را نشان دهید؟ نام چه شهرهایی را در این جاها می‌بینید؟ چه



جاهایی **معدن آهن** دارد؟ نام چه شهرهایی را نزدیک این معدنها می‌خوانید؟ آیا می‌توانید جای معدنهای **زغال سنگ** را پیدا کنید؟ کدام شهرها به معدنهای زغال سنگ نزدیکند؟

نفت را به وسیله لوله به پالایشگاه می‌برند و تصفیه می‌کنند. از روی نقشه بگویید چند پالایشگاه در ناحیه گرم و خشک ایران قرار دارد؟ در کدام شهرها؟

به کمک نفت در کارخانه‌ها **برق** تهیه می‌شود. از فشار ریزش آب سدها نیز برای تولید برق استفاده می‌کنند. برق گرداننده چرخ تمام کارخانه‌هاست.



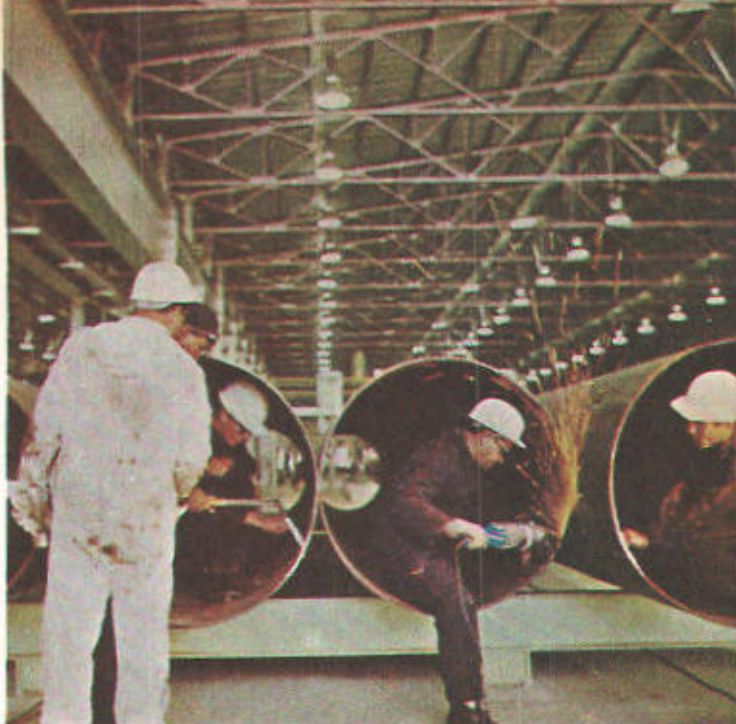
سنگ آهن را از معدن به کارخانه ذوب آهن می‌برند و از آن آهن به دست می‌آورند. آهن مصرفهای گوناگون و زیاد دارد. آیا در نقشه صفحه قبل می‌توانید جایی را که کارخانه ذوب آهن در آن نصب شده است پیدا کنید؟ نزدیک کدام شهر است؟

در ناحیه گرم و خشک ایران معدنهای دیگری مانند مس، سرب، روی و منگنز نیز وجود دارند.

در شهرهای کوهپایه‌ای صنعتهای فلزی مانند اتومبیل‌سازی، اسلحه‌سازی، ساختن یخچال، اجاق‌گاز، انواع آب گرم‌کن و بخاری و مانند آنها رونق یافته است. تهران بزرگترین مرکز صنعتهای فلزی

است و اصفهان در درجهٔ دوم قرار دارد. این دو شهر را روی نقشهٔ این صفحه پیدا کنید.

غیر از کارخانه‌های فلزکاری، کارخانه‌های دیگری نیز به‌خصوص در شهرهای کوهپایه‌ای وجود دارد. بسیاری از این کارخانه‌ها از محصولهای کشاورزی و دامی استفاده می‌کنند. این محصولهای کشاورزی و دامی را بیشتر آنها را نام ببرید؟ چغندر قند در چه کارخانه‌ای مصرف می‌شود؟ چه محصولی از آن به دست می‌آید؟ پنبه در چه کارخانه‌هایی مصرف



کارخانهٔ لوله‌سازی اهواز



می‌شود؟ چه محصولهایی از آن به دست می‌آید؟ پشم در چه کارخانه‌هایی به کار می‌رود؟ چه محصولی از آن فراهم می‌شود؟ آیا در قالی‌بافی پشم به کار می‌رود؟ قالی بیشتر در کارگاه‌ها بافته می‌شود. به نقشه صفحه قبل نگاه کنید. با استفاده از راهنمای نقشه بگویید که در کدام شهرها قند و شکر می‌سازند؟ در کدام شهرها کارخانه پارچه‌بافی وجود دارد؟ در کدام شهرها قالی و قالیچه می‌بافند؟ در کدام شهرها خشکبار و کنسرو میوه تهیه می‌شود؟

درس ۲۳

### ۳ - در کنار دریا

می‌دانید که ناحیه گرم و خشک ایران از طرف جنوب به کناره‌های خلیج فارس و دریای عمان ختم می‌شود. آیا می‌توانید خلیج فارس و



دریای عمان را در این نقشه پیدا کنید؟ خلیج فارس و دریای عمان با تمام آبهای روی زمین ارتباط دارند. از بندرهای آنها به بسیاری از کشورهای جهان از راه دریا می‌توان سفر کرد.

کشتیهای بازرگانی کالاهای فراوان از این بندرها به کشورهای دیگر می‌برند و کالاهای بسیار از کشورهای دیگر به این بندرها می‌آورند.

بعضی از بندرهای جنوب مانند **آبادان** و **ماه‌شهر** و **خارک** در بازرگانی مواد نفتی اهمیت دارند. از آبادان نفت تصفیه شده و از ماه‌شهر و خارک نفت خام به خارج فرستاده می‌شود. برخی دیگر از بندرها مانند **بندر**

**خرمشهر**، **بندر امام خمینی**، **بندر بوشهر** و **بندر عباس**

کالاهای گوناگون وارد یا خارج می‌کنند. جای این هفت بندر را در نقشه صفحه قبل پیدا کنید. مردمان بسیاری در بندرهای کوچک و

بزرگ کناره پست جنوب زندگی می‌کنند. بازرگانان و کسانی که در سازمانهای گوناگون بازرگانی کار می‌کنند و کارگران بندرهای صادرکننده نفت دو دسته بزرگ جمعیت این بندرها را تشکیل می‌دهند.

عده‌ای از مردمان کناره دریاهای جنوب به ماهیگیری و **صید صدف مروارید** مشغولند. خلیج فارس و دریای عمان ماهیهای گوناگون دارند. به شکلها نگاه کنید. اینها ماهیهایی هستند که بیشتر صید می‌شوند. نام آنها زیر شکلها نوشته شده است. **شرکت شیلات جنوب** ماهیگیری از



ماهی حلوا



ماهی قباد



ماهی سرخو



ماهی سنگر



آبهای جنوب ایران را توسعه می دهد. بندرعباس مهمترین مرکز ماهیگیری جنوب است. در بندر عباس یک کارخانه کنسرو ماهی وجود دارد.

کنسروسازی بندرعباس

### حفظ محیط زیست

چنانکه در درسهای ۱۵، ۱۷ و ۱۸ خواندید بخش بزرگی از کشور ما دارای جنگلهای انبوه و وسیع است بویژه در ناحیه شمالی که از نوع بهترین جنگلها می باشد، و همچنین بخشهای دیگری از کشور دارای جنگلهای کم پشت و مراتع و چمنزارها است. وجود جنگل سبب جذب رطوبت، نگهداری رطوبت، اعتدال هوا و جلوگیری از شدت وزش باد می شود و در بعضی جاها از براه افتادن سیل جلوگیری می کند، باضافه از چوب جنگل استفاده های گوناگون بعمل می آید. مراتع و چمنزارها بهترین وسیله دامپروری با ارزاترین هزینه می باشد. پس باید در نگهداری جنگلها و مراتع نهایت کوشش را بعمل آوریم، از کندن و شکستن و سوزاندن درختان خودداری کنیم و دیگران را نیز از این کار زشت بازداریم. استفاده از مراتع باید با شرایطی صورت گیرد که مراتع را خراب نکند. خراب کردن جنگل و مرتع محیط زندگانی حیوانات وحشی را نیز بتدریج از بین می برد.

در شمال و جنوب کشور ما، استانهای شمالی و جنوبی در کناره های دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان واقع شده اند از این دریاها علاوه بر

استفاده از رطوبت از صید ماهی و دیگر حیوانات دریایی بهره‌مند می‌شوند و از راه‌های دریایی استفاده می‌کنند، رودخانه‌های داخلی بهترین وسیله تأمین آب مصرفی خانگی و کشاورزی ما می‌باشند. آلوده کردن آب رودخانه‌ها و دریاها خطایی بزرگ است، اگر این آبها آلوده شوند زندگی انسان و دیگر جانداران در معرض خطر قرار می‌گیرد. می‌دانید که امروز با پیشرفت زندگی صنعتی، انواع کارخانه‌ها و ماشینها به نقاط مختلف راه یافته‌اند. این کارخانه‌ها و ماشین آلات و اتومبیلها آب و هوا را آلوده می‌سازند. به طوری که گاهی میزان آلودگی، ادامه زندگی جانداران را غیر ممکن می‌سازد. سعی کنیم که به هر ترتیب که می‌توانیم و در هر حدی که ممکن باشد از این گونه آلودگی‌ها به سهم خود جلوگیری به عمل آوریم.

### تمرین

- ۱ - چرا در ناحیه گرم و خشک ایران عده شهرنشینان بیش از عده روستائیان است؟
- ۲ - زمینهای قابل کشت ناحیه گرم و خشک در کجای آن ناحیه بیشتر دیده می‌شود؟
- ۳ - چرا آب سیلابها و جویبارها در بسیاری از جاهای گرم و خشک شور و بدمزه است؟
- ۴ - زمینهای آبرفتی کوهپایه را چگونه می‌توان آبیاری کرد؟

- ۵ - چرا محصول تابستانی ناحیه گرم و خشک زودتر می‌رسد؟
- ۶ - آیا می‌توانید از روی نقشه دیواری بگویید که خلیج فارس و دریای عمان با کدام اقیانوس ارتباط دارند؟
- ۷ - مهمترین مرکز ماهیگیری جنوب ایران کدام بندر است؟
- ۸ - بندرهای جنوب را نام ببرید و بگویید از کدام بندرها نفت خام صادر می‌شود؟



## بازرگانی و راهها

در درسهای گذشته محصولهای سه ناحیهٔ ایران را شناختیم. دانستیم که بعضی از محصولات در یک ناحیه بسیار به دست می‌آید. در ناحیهٔ دیگر از آن محصول یا هیچ به دست نمی‌آید یا اگر به دست می‌آید مقدار آن کم است. پس می‌بینیم که مردمان هر ناحیهٔ ایران به یک یا چند محصول ناحیهٔ دیگر نیازمندند. مردمان یک ناحیه محصولی را که بیش از مقدار احتیاج خود دارند به مردمان ناحیهٔ دیگر می‌فروشند و از آنها چیزهایی را که بدانها نیازمندند خریداری می‌کنند. آیا می‌توانید بگویید که کدام محصولات در ناحیهٔ شمال بیشتر از مقدار احتیاج ساکنان آن به دست می‌آید؟ در ناحیهٔ کوهستانی کدام محصولات؟ در ناحیهٔ گرم و خشک کدام محصولات؟

در یک کشور نیز ممکن است محصولی بیش از مقدار احتیاج تمام ساکنان آن به دست آید. اگر چنین باشد زیادی محصول را به کشورهای که بدان نیازمندند می‌فروشند.

ما زیادی برخی از محصولات خود را به کشورهای دیگر می‌فروشیم و به جای آنها کالاهایی را که نیازمندیم خریداری می‌کنیم.

ما به کشورهای دیگر نفت و گاز، انواع سنگ معدن، قالی و قالیچه، خشکبار و پنبه می‌فروشیم. اینها **صادرات** ما هستند.

ما از کشورهای دیگر ماشینهای گوناگون، پارچه، دارو و کاغذ می‌خریم. اینها **واردات** ما هستند.

خرید و فروش در داخل کشور یا با کشورهای دیگر را **بازرگانی**

می گویند.

ایران با بسیاری از کشورهای جهان رابطه بازرگانی دارد. اگر بخواهیم از جایی به جای دیگر مسافرت کنیم یا کالایی را از نقطه‌ای به نقطه دیگر بفرستیم به راه احتیاج داریم. **راه آهن**، **راه شوسه**، **راه هوایی** و **راه دریایی** هر یک به شکلی کار مسافرت و بازرگانی را آسان می‌سازد. راه آهن می‌تواند در هر نوبت مسافران فراوان و بارهای سنگین را حرکت دهد اما اتومبیل سواری و کامیون مسافر کمتر و بار کمتر را جابه‌جا می‌کنند. هواپیما تندروترین وسیله مسافرت و حمل کالا است. کشتی کالاهای

فراوان و بارهای سنگین کشورهای را که از یکدیگر فاصله دارند از دریاها و اقیانوسهای پهناور می‌گذراند و به مقصد می‌رساند.

به این نقشه نگاه کنید. کدام شهر است که همه راههای آهن کشور در آن به هم متصل شده‌اند؟

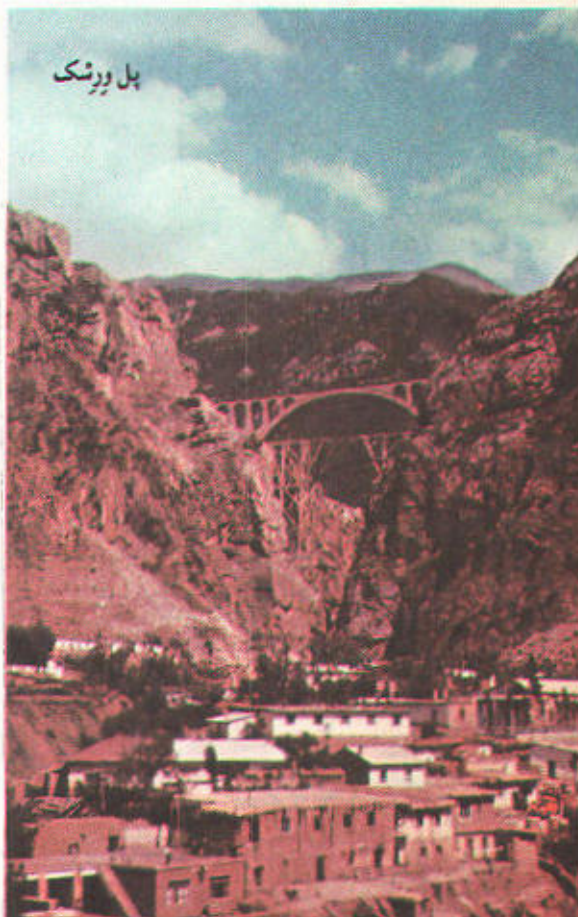




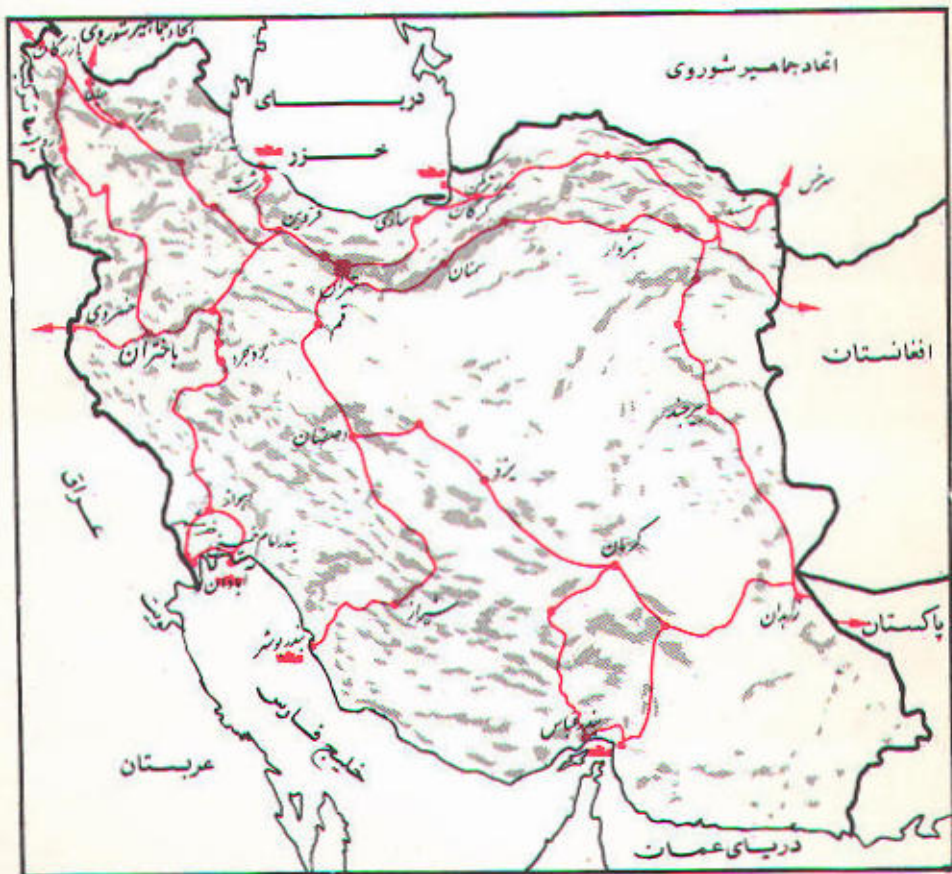
حالا به مسیر راه آهن تهران  
به بندر ترکمن در نقشه صفحه  
قبل دقت کنید. آیا راه آهن در این  
مسیر همه جا از زمین هموار عبور  
می کند؟ از کدام کوهها می گذرد؟ به  
عکس مقابل نگاه کنید. بین دو کوه چه  
چیزی ساخته اند؟

برای کشیدن راه آهن در یک  
کشور کوهستانی مانند ایران کارهای  
بزرگی باید انجام داد. در بعضی جاها  
باید کوه را سوراخ کرد و **تونل** ساخت  
و در بعضی جاها باید بین دو کوه پل  
بلند و محکم به وجود آورد.

پل پلریشک



اکنون به نقشهٔ پایین نگاه کنید. خطهای قرمز روی نقشه راههای شوسه را نشان می‌دهند. راههای شوسهٔ ایران خیلی بیشتر از راههای آهن آن است. شهرهای بزرگ و کوچک ایران به وسیلهٔ راههای شوسه به یکدیگر متصلند. در نقشهٔ پایین فقط راههایی را می‌بینید که تهران را به شهرهای بزرگ و بندرها متصل کرده‌اند. اینها **راههای شوسهٔ اصلی** هستند. دنبالهٔ بعضی از این راههای اصلی، ایران را به کشورهای همسایه مربوط می‌سازد. علاوه بر راههای شوسه، راههای دیگری نیز در کشور ما وجود دارد. این راهها، **راه روستایی** نامیده می‌شوند. راه روستایی معمولاً چند روستا را





به یکدیگر و به شهرها وصل می‌کند. پهنای این راهها زیاد نیست زیرا رفت و آمد کمتری در آنها انجام می‌گیرد. با استفاده از راههای روستایی، محصولات کشاورزی به شهرها آورده می‌شود و وسایل مورد نیاز روستاییان نیز به دست آنان می‌رسد.

پس از انقلاب اسلامی، با تلاشهای روستاییان و همکاری جهاد سازندگی راههای روستایی زیادی در کشورمان ساخته شده است:

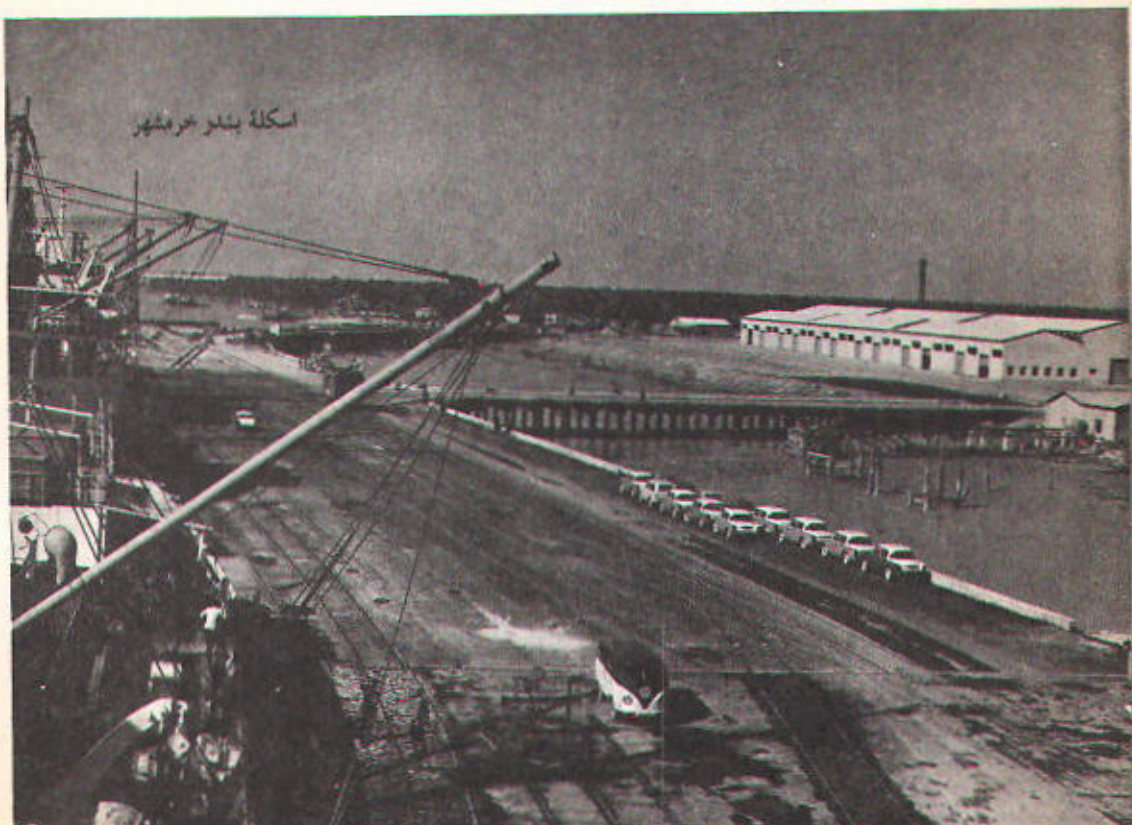
### درس ۲۵

دانستیم که هواپیما تندترین وسیلهٔ مسافرت و حمل کالا است. مسیری را که هواپیما در آسمان از شهری به شهر دیگر می‌پیماید **راه هوایی** می‌گویند. آیا می‌توانید از روی نقشهٔ صفحهٔ ۸۰ بگویید که کدام شهرها به وسیلهٔ خط هوایی با تهران مربوطند؟ عکس بالا چه چیزی را نشان می‌دهد؟

فرودگاه مهرآباد تهران بزرگترین فرودگاه ایران است. هواپیمای شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران بین تهران و شهرهای بزرگ ایران، همچنین بین تهران و برخی شهرهای بزرگ جهان پرواز می‌کنند.

می‌دانید که بندر محل رفت و آمد کشتی است. **راه دریایی** مسیری است که کشتی در آن حرکت می‌کند. **کشتیهای مسافری** مسافر و **کشتیهای بازرگانی** کالا حمل می‌کنند. کشتی انواع دیگری نیز دارد. مثلاً کشتیهای هستند که فقط نفت حمل می‌کنند و به آنها **نفت‌کش** می‌گویند. از بندرهای ایران بیشتر، کالاهای بازرگانی و نفت حمل می‌شود. به نقشه صفحه ۸۲ نگاه کنید. آیا می‌توانید دو بندر در دریای خزر نام ببرید؟ در خلیج فارس و دریای عمان کدام بندرها را می‌شناسید؟

اسکله بندر خرمشهر





- ۱ - سه نمونه از محصولات کشاورزی و صنعتی ناحیه گرم و خشک ایران را نام ببرید که ساکنان ناحیه پست شمال و ناحیه کوهستانی بدانها نیازمندند.
- ۲ - سه نمونه از محصولات کشاورزی یا صنعتی ناحیه پست شمال را نام ببرید که مردمان ناحیه گرم و خشک و ناحیه کوهستانی ایران بدانها نیازمندند.
- ۳ - کدام محصولات ناحیه کوهستانی است که مردمان ناحیه پست شمال و ناحیه گرم و خشک ایران به آنها نیازمندند؟
- ۴ - راه آهن چه برتریهایی بر راه شوسه دارد؟
- ۵ - راه روستایی چه فایده‌هایی دارد؟
- ۶ - تندروترین وسیله مسافرت و حمل کالا چیست؟
- ۷ - چرا بندرهای خلیج فارس و دریای عمان از نظر بازرگانی دریایی بیش از بندرهای دریای خزر اهمیت دارند؟
- ۸ - از روی نقشه دیواری نام شهرهایی را که روی نقشه صفحه ۸۲ نوشته نشده است پیدا کنید و هر یک را در جای خود بنویسید.





بخش دوم  
تاریخ



## چرا تاریخ می‌خوانیم

می‌دانیم که پیش از ما، مردمان بسیاری بر روی زمین زندگی کرده‌اند. تاریخ، آینه زندگی پیشینیان ماست. در این آینه سرگذشت ملت‌ها و مردم روزگاران گذشته را مشاهده می‌کنیم. هدف از خواندن تاریخ آن است که از کارهای گذشتگان، درس بیاموزیم و بدانیم که سرانجام کارهای نیک و بد چیست.

**امیر مؤمنان علی (ع)**، نخستین امام بزرگوار ما، در وصیت خود به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید:

«فرزندم، من گرچه در زمانهای گذشته با مردان پیشین نبوده‌ام،

اما تاریخ زندگی آنها را مطالعه کرده‌ام و از آن بهره‌های فراوان

گرفته‌ام. به طوری که گویی با گذشتگان زندگی کرده‌ام»

پس اگر تاریخ را با دقت بخوانیم بهره‌های فراوان خواهیم گرفت.

۱ - تاریخ، سرگذشت **پیامبران و امامانی** است که پیش از ما زیسته‌اند

و امروز همه جا از آنان به نیکی یاد می‌کنند و به آنان احترام می‌گذارند، زندگی

ساده این بزرگان بهترین سرمشق برای ماست. خانه، پوشاک و خوراک آنان

مانند مردم عادی بود. پیامبران و امامان هرگز خود را برتر از دیگران

نمی‌دانستند. مثلاً پیامبر اسلام با دست خود گوسفند می‌دوشید. **علی (ع)**

درختان نخل را آبیاری می‌کرد و بانوی اسلام **فاطمه زهرا (ع)**، گندمها را

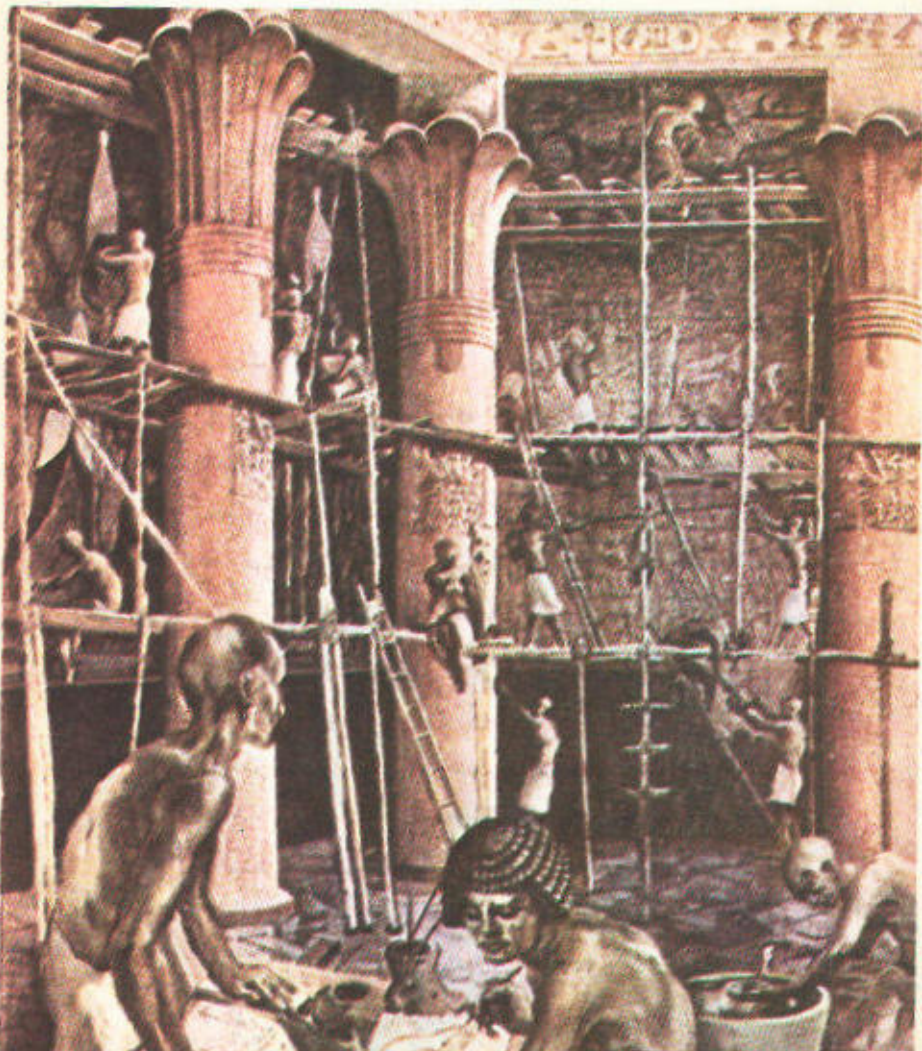
آسیاب می‌کرد و نان می‌پخت.

۲ - تاریخ سرگذشت مردان پاکی است که پیرو پیامبران و امامان

بودند و آن بزرگواران را یاری می‌دادند. این مردان نیز مانند پیامبران و امامان زندگی ساده داشتند. آنان پناه مظلومان و راهنمای مردم بودند.

۳- تاریخ سرگذشت شاهان و فرمانروایان ستمگری است که پیش از ما زیسته‌اند و امروز همه جا از آنان به بدی یاد می‌شود. سرگذشت آنان نیز برای ما عبرت‌آموز است.

شاهان برای خود کاخهای بزرگی می‌ساختند و امروز از آنها جز ویرانه‌ای نمانده است.



۴- تاریخ سرگذشت مبارزه افراد حق طلبی است که با پلیدیها و فساد مبارزه کرده اند و به مردم آموخته اند که باید با ستمگری مبارزه کرد. با مطالعه تاریخ می توانیم بدانیم که چه چیزهایی باعث شکست ملت‌ها و عقب ماندگی آنان و چه چیزهایی باعث پیروزی آنان می شود. در درسهای بعد با زندگی چهار تن از پیامبران آشنا می شوید. تا با مقایسه این پیشوایان با پادشاهان ستمگر بهتر بتوانید حق و باطل را بشناسید.

### پرسشها:



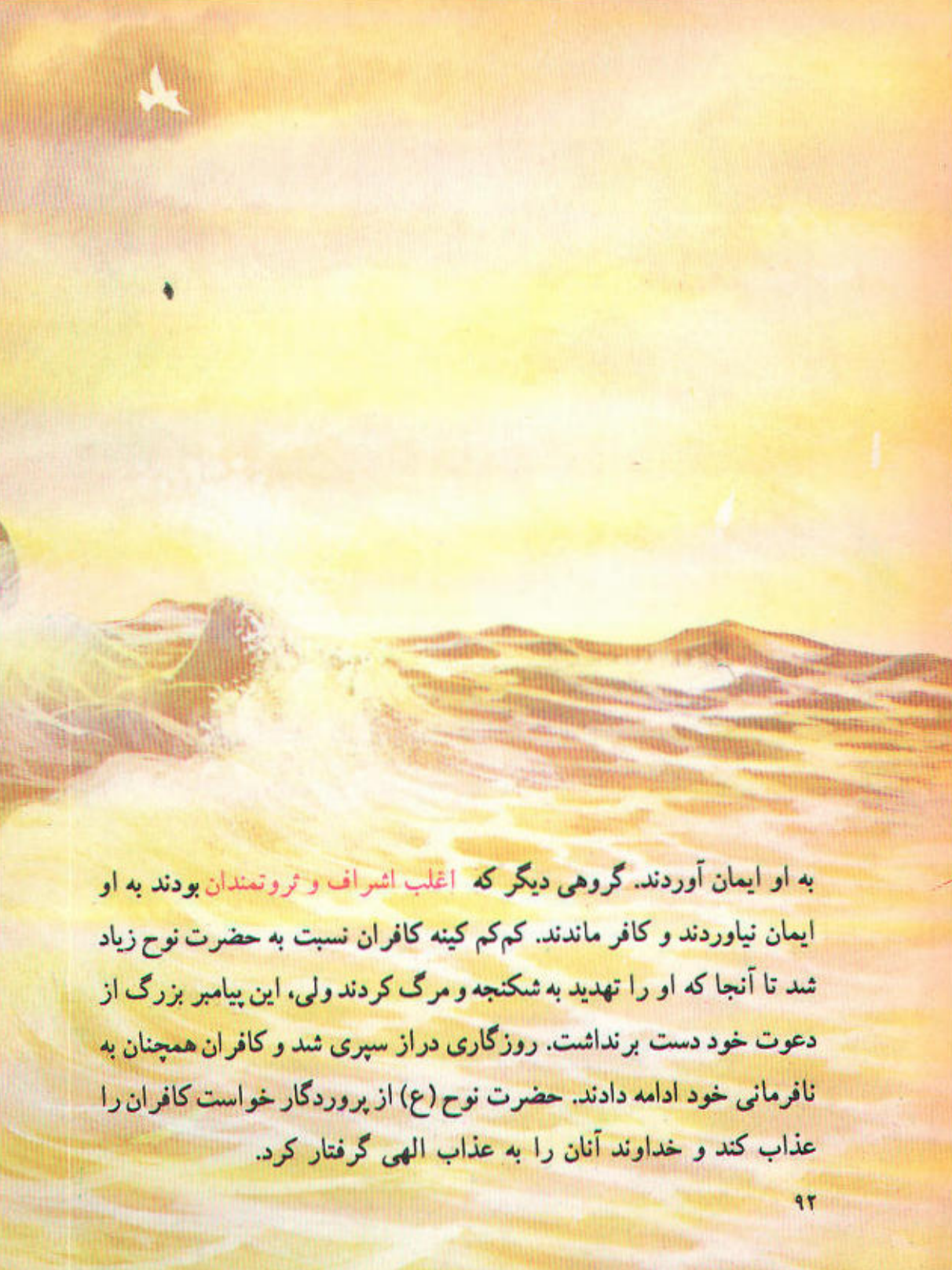
- ۱- هدف از خواندن تاریخ چیست؟
- ۲- حضرت علی (ع) به فرزند خود امام حسن مجتبی (ع) در مورد تاریخ چه فرموده اند؟
- ۳- در تاریخ با سرگذشت چه کسانی آشنا می شویم؟
- ۴- زندگی پیامبران، امامان و پیشوایان بزرگ مذهبی در تاریخ چگونه نشان داده می شود؟
- ۵- پیامبر اسلام (ص) چگونه زندگی می کردند؟
- ۶- حضرت علی و حضرت فاطمه زهرا (ع) چه می کردند؟
- ۷- شاهان چگونه زندگی می کردند؟ از زندگی آنها چه می فهمیم؟
- ۸- وقتی که در تاریخ، شرح حال مردمانی را که گرفتار شکست شدند یا مردمانی را که پیروز شدند، می خوانیم چه نتیجه ای می گیریم؟

## حضرت نوح (ع)

حضرت نوح یکی از پیامبران بزرگ است. آن حضرت زمانی به پیامبری برگزیده شد که مردم به جای پرستش خدای یگانه بتها را می‌پرستیدند. مردم بتهایی از سنگ، چوب، طلا یا نقره را به شکل انسان و حیوان می‌ساختند و در برابر آن بتهای بیجان و ناتوان سجده می‌کردند. نوح (ع) از گمراهی مردم رنج می‌برد و با خود می‌اندیشید که چرا مردم در نادانی به سر می‌برند و در برابر بتهایی که به دست خود ساخته‌اند، به خاک می‌افتند. حضرت نوح از طرف پروردگار فرمان یافت تا مردم را به پرستش **خدای یگانه** دعوت کند و از **ستمگری و بت‌پرستی** باز دارد. نوح به سوی قوم خویش رفت و با ایشان چنین گفت:

«من از طرف پروردگار برای راهنمایی شما برگزیده شده‌ام. ای مردم خدای یگانه را پرستش کنید که غیر از او خدایی نیست. من از عذاب روز قیامت برای شما می‌ترسم. ای مردم چرا بتهایی را که با دست خود ساخته‌اید به جای خدای یگانه می‌پرستید! اگر عقل خود را به کار اندازید، خواهید فهمید که این بتها هیچ اثری در سرنوشت شما ندارند. من از شما هیچ پاداشی نمی‌خواهم فقط می‌خواهم بت‌پرستی را کنار بگذارید و خدای یکتا را پرستید.»

گروهی از مردم محروم و ستم‌دیده دعوت حضرت نوح را پذیرفتند و



به او ایمان آوردند. گروهی دیگر که **اغلب اشراف و ثروتمندان** بودند به او ایمان نیاوردند و کافر ماندند. کم‌کم کینه کافران نسبت به حضرت نوح زیاد شد تا آنجا که او را تهدید به شکنجه و مرگ کردند ولی، این پیامبر بزرگ از دعوت خود دست برنداشت. روزگاری دراز سپری شد و کافران همچنان به نافرمانی خود ادامه دادند. حضرت نوح (ع) از پروردگار خواست کافران را عذاب کند و خداوند آنان را به عذاب الهی گرفتار کرد.





پرسشها:

- ۱ - حضرت نوح (ع) که بود؟
- ۲ - آیا در زمان حضرت نوح مردم خدای یگانه را پرستش می کردند؟
- ۳ - وقتی که حضرت نوح (ع) به پیامبری رسید به قوم خود چه گفت؟
- ۴ - پیروان حضرت نوح چه کسانی بودند؟
- ۵ - دشمنان و مخالفان حضرت نوح چه کسانی بودند؟



## حضرت ابراهیم (ع) اولین بت‌شکن تاریخ

حضرت ابراهیم در شهر اور از شهرهای بابل دنیا آمد. بابل نام قدیمی منطقه‌ای است که امروزه در کشور عراق قرار دارد. زمانی که آن حضرت متولد شد پادشاهی ستمگر به نام **نمرود** بر مردم بابل حکومت می‌کرد. نمرود، چون بسیار مغرور و خودخواه بود، از نادانی مردم استفاده کرد و با حيله و نیرنگ آنان را وادار کرد که مانند خدا از او اطاعت کنند. نمرود که می‌دید مردم نادان بت‌های سنگی و چوبی را می‌پرستند، با خود اندیشید که چرا مردم به جای آنها از من اطاعت نکنند!

روزی ستاره‌شناسان و پیشگویان به نمرود گفتند که در کشورش کودکی به دنیا خواهد آمد که **بت‌ها را نابود خواهد کرد و حکومتش را بر خواهد انداخت**. نمرود از این خبر بسیار وحشت کرد و دستور داد کودکان پسری را که در آن سرزمین به دنیا می‌آیند بکشند.

وقتی که ابراهیم (ع) به دنیا آمد، پدر و مادرش از ترس جاسوسان و مأموران نمرود او را در غاری که هیچکس از آن خبر نداشت پنهان کردند. بعد از آنکه حضرت ابراهیم (ع) دوران کودکیش را پشت سر گذاشت از طرف پروردگار به پیامبری برگزیده شد. او فرمان یافت تا مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت کند و از بت‌پرستی و اطاعت از نمرود باز دارد. به زودی نمرود و اطرافیانش که بر اثر پیروی مردم از حضرت ابراهیم (ع) مقام خود را در خطر می‌دیدند، به مبارزه با این پیامبر بزرگ برخاستند. حضرت ابراهیم در اجرای فرمان خداوند از پاننشست و به دعوت خود ادامه داد.

یک روز وقتی که تمام مردم از شهر بیرون رفتند، حضرت ابراهیم (ع) همه بتها غیر از بت بزرگ را شکست و تیر را بردوش او گذاشت. وقتی که مردم به شهر بازگشتند و از این حادثه خبردار شدند، از حضرت ابراهیم در این باره پرسش کردند. ابراهیم (ع) فرمود:

از بت بزرگ بپرسید چه کسی این کار را انجام داده است! مردم به او گفتند بتها که نمی‌توانند حرف بزنند. ابراهیم به آنان گفت: **پس چطور بت‌هایی**



را که حتی نمی‌توانند حرف بزنند پرسشش می‌کنید!  
هدف حضرت ابراهیم از شکستن بتها آگاهی دادن و بیدار کردن مردم  
بود. حضرت ابراهیم را می‌توان اولین بت‌شکن تاریخ دانست.

نمرود که دیگر قدرت تحمل مبارزات ابراهیم (ع) را نداشت تصمیم  
گرفت وی را در آتش بسوزاند. به این دلیل آتشی بزرگ فراهم کردند و او را  
در میان آتش انداختند. اما به‌خواست خداوند آتش برای حضرت ابراهیم  
گلستان شد.



ابراهیم (ع) در راه خدا از هیچ کاری دریغ نداشت

حضرت ابراهیم (ع) پیامبر بزرگ خداوند همه فرمانهای الهی را از جان و دل اطاعت می‌کرد. او از آزمایشهای سخت الهی همیشه سرفراز بیرون می‌آمد. در یکی از این آزمایشها خداوند به او دستور داد که فرزندش اسماعیل را قربانی کند. زمانی که پدر و پسر آماده انجام دستور خداوند شدند فرشته وحی خبر آورد که «ای ابراهیم، تو از این آزمایش سر بلند بیرون آمدی.» در همان حال خداوند قوچی را برای قربانی کردن به جای اسماعیل نزد آن حضرت فرستاد.

حضرت ابراهیم همچنین از جانب خداوند فرمان یافت تا خانه کعبه را بسازد. او با کمک فرزندش اسماعیل موفق به انجام این کار شد و آن خانه را مرکز یگانه پرستی قرار داد. حضرت ابراهیم را پیشوای یکتاپرستان جهان می‌خوانند.

پرسشها:



- ۱ - حضرت ابراهیم در کجا و در زمان چه کسی به دنیا آمد؟
- ۲ - چرا نمرود مردم را وادار به اطاعت از خود کرد؟
- ۳ - چرا وقتی که ابراهیم به دنیا آمد، پدر و مادرش او را در غار پنهان کردند؟
- ۴ - هدف حضرت ابراهیم از شکستن بتها چه بود؟
- ۵ - یکی از آزمایشهای الهی درباره حضرت ابراهیم چه بود؟
- ۶ - چه کسی از جانب خداوند فرمان یافت تا خانه کعبه را بسازد؟

## حضرت موسی علیه السلام

**حضرت موسی** تقریباً ۳۵۰۰ سال قبل به دنیا آمد. در آن زمان پادشاهی ستم پیشه بر سرزمین مصر حکومت می کرد. پادشاهان مصر را **فرعون** می نامیدند. فرعون می که در زمان حضرت موسی فرمانروای مصر بود، بسیار متکبر بود و خود را خدا می نامید و مردم را به اطاعت از خود وادار می کرد. شبی فرعون خوابی ترسناک دید. آشفته از خواب پرید و بی درنگ تعبیرکنندگان خواب را به حضور طلبید تا خواب او را تعبیر کنند. آنان به وی گفتند:

«به زودی در میان قوم بنی اسرائیل پسری بدنیا می آید که به دشمنی با تو برمی خیزد و اساس حکومت تو را واژگون می کند.»

فرعون هراسان شد و فرمان داد تا همه فرزندان پسر قوم بنی اسرائیل را از بین ببرند. چون موسی (ع) به دنیا آمد، به فرمان پروردگار مادرش از ترس آنکه مبادا مأموران فرعون او را بکشند وی را در صندوقی چوبی گذاشت و آن را به رود نیل انداخت. آب صندوق را به کنار قصر فرعون برد. به خواست پروردگار کنیزان فرعون صندوق را از آب گرفتند و نزد **آسیه** همسر فرعون که زنی پاک و نیکوکار بود بردند. آسیه توانست فرعون را راضی کند که موسی را به فرزندی بپذیرد. پس فرمان داد تا دایه ای پیدا کنند که او را شیر دهد. از میان همه زنانی که داوطلب دایگی حضرت موسی بودند، وی فقط شیر مادرش را خورد و به خواست خداوند در دامن مادر خود پرورش یافت.

برگزیده شدن حضرت موسی (ع) به پیامبری

حضرت موسی (ع) تقریباً چهل ساله بود که از سوی پروردگار به پیامبری برگزیده شد و فرمان یافت تا نزد فرعون برود و او را از عذاب سخت پروردگار بترساند. او می‌خواست قوم ستم‌دیده بنی‌اسرائیل را که سالها در بردگی و اسارت فرعون بودند آزاد کند و به پرستش و بندگی خدای یکتا فراخواند. حضرت موسی (ع) برای انجام وظیفه خود روشهای مختلفی در پیش گرفت. ابتدا به نصیحت پرداخت و با نرمی و ملایمت فرعون را پند داد سپس با او به بحث و گفتگو نشست و در آخر در برابر فرعون و اطرافیانش معجزه نشان داد. یکی از معجزه‌های حضرت موسی این بود که به اراده پروردگار عصای او به صورت اژدهایی خشمگین درمی‌آمد.

اما نه پند و اندرز، نه بحث و گفتگو و نه معجزه‌های روشن، هیچ‌یک در دل فرعون اثر نکرد و او همچنان به ظلم و ستم خود ادامه داد.

هجرت بنی‌اسرائیل از مصر

سرانجام حضرت موسی (ع) به فرمان خداوند تصمیم به هجرت گرفت. قوم بنی‌اسرائیل به رهبری حضرت موسی (ع) به طور پنهانی از مصر خارج شدند و با شتاب به سوی صحرای سینا حرکت کردند. فردای آن روز خبر به فرعون رسید. وی لشکری بزرگ فراهم ساخت تا به دنبال قوم بنی‌اسرائیل بروند. بنی‌اسرائیل به دستور حضرت موسی (ع) راه دریا را در پیش گرفتند. چون به نزدیک دریا رسیدند راه را بسته دیدند. دریا پیش روی



آنان بود و لشکریان فرعون در پشت سر. هر لحظه بر وحشت آنان افزوده می‌شد. خداوند مهربان راه بسته را برای ایشان باز کرد و به موسی فرمان داد که **عصای خود را بر آب دریا بزند**. حضرت موسی عصا را به دریا زد و **راهی بزرگ در آب دریا باز شد**. بنی اسرائیل وارد دریا شدند. مدتی بعد لشکریان فرعون سر رسیدند و با استفاده از همان راه بنی اسرائیل را دنبال کردند. وقتی که بنی اسرائیل همگی به سلامت از دریا گذشتند، به فرمان خداوند آب دریا به جای خود بازگشت و راه بسته شد و فرعون و لشکریانش در آب غرق شدند.

بنی اسرائیل که از دور این حادثه بزرگ را می‌دیدند، با هلاک شدن فرعون و لشکریانش آسوده‌خاطر شدند و پس از سالها از ظلم و ستم فرعون نجات یافتند.

پرسشها:



- ۱ - زمانی که حضرت موسی به دنیا آمد پادشاه مصر چگونه پادشاهی بود؟
- ۲ - چرا مادر حضرت موسی او را در صندوق چوبی گذاشت و به آب انداخت؟
- ۳ - پس از اینکه حضرت موسی را در صندوق به آب انداختند چه شد؟
- ۴ - حضرت موسی از طرف خداوند مأمور چه کاری شد؟



## حضرت عیسی علیه السلام

**حضرت عیسی (ع)** نزدیک به دو هزار سال پیش در یکی از شهرهای فلسطین به دنیا آمد. مادرش حضرت **مریم** از بندگان شایسته خدا بود. پیش از ولادت حضرت عیسی (ع)، فلسطین در دست حکومت **روم** بود. حاکمی که از طرف امپراتور روم بر فلسطین حکومت می کرد **هیرود** نام داشت. وی مردی ستمگر و ظالم بود. مردم فلسطین که از بیدادگرهای هیرود به تنگ آمده بودند، به مبارزه علیه او برخاستند و در این مبارزه سختیهای زیادی را تحمل کردند.

پس از آنکه حضرت عیسی (ع) دوران کودکی را پشت سر گذاشت، از طرف پروردگار فرمان یافت تا مردم را راهنمایی کند. عیسی (ع) نزد قوم خود رفت و به آنان چنین فرمود:

«پروردگار مرا فرستاده تا بینوایان را مژده دهم، درماندگان را غمخوار باشم، ندای آزادی بردگان را برآورم، اسیران را رهایی بخشم و مردم مستضعف و ستمدیده را یاری دهم.»

حضرت عیسی (ع) با سعی و کوشش به انجام وظیفه الهی خویش مشغول بود و مردم را پند و اندرز می داد. وی به شهرها و روستاها می رفت و مردم را با صبر و حوصله راهنمایی می کرد.

سرانجام گروهی دعوتش را پذیرفتند و به پیامبری او ایمان آوردند. به این ترتیب کم کم به عده پیروانش افزوده شد.

حضرت عیسی (ع) زندگی بسیار ساده ای داشت، لباس ساده

می‌پوشید و غذای کم و ساده می‌خورد. از ستمدیدگان حمایت می‌کرد و با **محرمان** مهربان بود، ولی با **ستمکاران و مستکبران** نامهربان بود و با آنان مبارزه می‌کرد.

بزرگان یهود، از اینکه هر روز به پیروان عیسی (ع) افزوده می‌شد بیمناک شدند، زیرا با رواج دین مسیح مقام و قدرت خود را از دست می‌دادند. از این رو به مخالفت با آن حضرت پرداختند و در **بیت المقدس** انجمنی تشکیل دادند تا حضرت عیسی (ع) پیامبر پاک و بزرگ خدا را به عنوان آشوبگر و ساحر معرفی کنند. آنان حاکم شهر را به کشتن آن حضرت تشویق کردند، اما شخص دیگری را که شبیه حضرت عیسی (ع) بود، به اشتباه به دار آویختند و آن حضرت به خواست پروردگار از نظرها پنهان شد.





پرسشها:

- ۱ - مادر حضرت عیسی که بود؟
- ۲ - حضرت عیسی در کجا و در زمان کدام پادشاه به دنیا آمد؟
- ۳ - چرا مردم فلسطین با دولت روم مبارزه کردند؟
- ۴ - وقتی که حضرت عیسی از طرف خداوند به پیامبری برگزیده شد به قوم خود چه گفت؟
- ۵ - چه کسانی با حضرت عیسی به مخالفت برخاستند؟
- ۶ - مخالفین حضرت عیسی تصمیم به چه کاری گرفتند، آیا موفق شدند؟  
چرا؟

## حکومت شاهان

تا پیش از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، شاهان بر سرزمین ما حکومت می‌کردند به همین دلیل تاریخ کشور ما از قدیم به صورت تاریخ شاهان نوشته شده است. تاریخ‌نویسان درباری سعی می‌کردند که شاهان را انسانهایی برگزیده، هوشیار و دادگر معرفی کنند. اما تاریخ‌نویسان واقعی نشان داده‌اند که آنان غالباً افرادی ستمگر بوده‌اند که با زور بر مردم حکومت می‌کردند.

بسیاری از شاهان به علت ظلم و ستم و با استفاده از دسترنج مردم کاخهای زیبا و گران‌قیمت می‌ساختند و در آنجا به خوشگذرانی می‌پرداختند. هر کسی را که با حکومت آنان مخالفت می‌کرد می‌کشتند یا به زندان می‌انداختند. گاهی دین را وسیله‌ای برای تقویت حکومت خود قرار می‌دادند اما، هرگز اعتقاد واقعی به دین نداشتند. با این حال هرگاه که دشمنان و بیگانگان به کشور ما هجوم می‌آوردند مردم **میهنمان**، همه‌گونه فداکاری می‌کردند تا کشور به‌دست بیگانه نیفتد. زیرا کشور به **ملت** تعلق دارد.



تاریخ کشور ما را به **دو دوران** می‌توان تقسیم کرد: دوران پیش از اسلام و دوران پس از اسلام.  
در برنامهٔ امسال دوران پیش از اسلام و حوادث مهم آن مطالعه می‌شود. به خواست خدا، در سال آینده، با گوشه‌ای از تاریخ اسلام و ایران پس از اسلام آشنا خواهیم شد.





## پرسشها:

- ۱ - قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، ایران دارای چه نوع حکومتی بود؟
- ۲ - تاریخ نویسان درباری، شاهان را چگونه معرفی می کردند؟ آیا آنان به راستی همانگونه بودند؟
- ۳ - این شاهان با مردم چگونه رفتار می کردند؟
- ۴ - ملت ما هنگام هجوم دشمنان و بیگانگان چه می کردند؟
- ۵ - تاریخ کشور ما به چند دوره تقسیم می شود؟

## مشرق زمین گهواره تمدن

زمانی بود که بر روی زمین شهر بزرگی وجود نداشت. مردم در آبادیهای کوچک زندگی می‌کردند. کم‌کم شهرها به وجود آمدند و پیشرفتهایی در زندگی اجتماعی انسان حاصل شد. این پیشرفتها را که با زندگی شهری به وجود آمد **تمدن** می‌نامند. شاید بدانید که نخستین شهرها در کنار رودها به وجود آمدند. در کنار رود **کارون**، در **ایران** و در کنار رود **نیل** در **مصر** و در کنار **دجله** و **فرات** در **عراق** شهرهایی به وجود آمد.



نقشه تمدنهای نخستین در مشرق زمین (قبل از آمدن آریاییها به ایران)

می‌توان گفت که نخستین تمدنها در این چند منطقه پیدا شد. در آن زمان در دشت **خوزستان** و در کنار رود کارون قوم **عیلام** و در کنار رودهای **دجله** و **فرات** قوم **کلده** و در شمال آن قوم **آشور** زندگی می‌کردند. آنان نزدیک به پنج هزار سال پیش به این سرزمینها آمدند و دولتهایی تأسیس کردند، کار آنان بیشتر دامداری و کشاورزی بود.

پایتخت دولت عیلام شهر **شوش** و پایتخت دولت بابل شهر **بابل** و

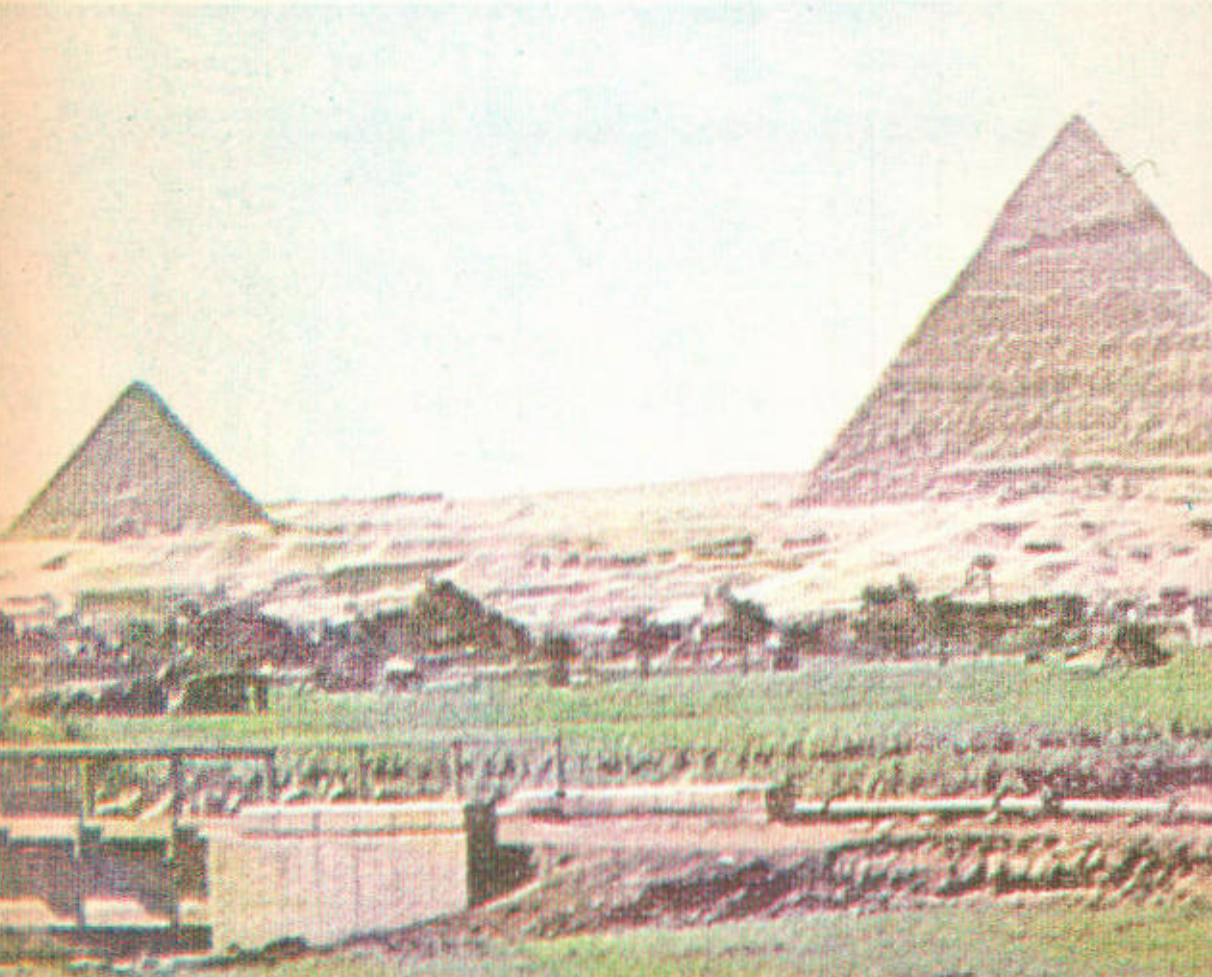
فرعونها برای خود..... و مقبره‌های گران‌قیمت می‌ساختند





پایتخت دولت آشور شهر **نینوا** بود.

پس از دو هزار سال دولتهای عیلام و بابل به دست دولت آشور از میان رفتند. دولت آشور نیز به دست اقوام ایرانی **ماد** و **پارس** برچیده شد. تمدن از زمانهای بسیار قدیم در سرزمین **مصر** و در کنار رود **نیل** به وجود آمده است. مصریها برای نوشتن مطالب خود خطی اختراع کردند که به **خط مقدس** معروف است. این خط مانند خطهای امروزی نبود بلکه شبیه **نقاشی** بود، یعنی شکل هر چیزی را می کشیدند.



پادشاهان مصر را **فرعون** می‌نامیدند. آنان برای خود کاخهای بزرگ و زیبا می‌ساختند و به مردم ظلم و ستم می‌کردند. مقبره‌های بزرگ و گران‌قیمت برای خود می‌ساختند. این مقبره‌ها به شکل **هرم** بودند. گاهی ساختن یکی از مقبره‌ها سالیان درازی طول می‌کشید، بیشتر این مقبره‌ها به دست اسیران ساخته می‌شدند و گاهی گروهی از این اسیران نیز از شدت زحمت و شکنجه، جان می‌دادند.

مصریها از راه دریا با کشتیهای بادبانی و پارویی به کشورهای **یونان** و **فینیقیه** و **لودیه** می‌رفتند و با مردم آن سرزمینها خرید و فروش می‌کردند.

پرسشها:



- ۱ - تمدن از چه زمانی به وجود آمد؟
- ۲ - نخستین تمدنها در کنار کدام رودها پیدا شدند؟
- ۳ - پایتخت دولتهای عیلام، بابل و آشور چه شهرهایی بود؟
- ۴ - سرانجام دولت عیلام و بابل چه شد؟
- ۵ - دولت آشور به دست چه کسانی از میان رفت؟
- ۶ - مصریها برای نوشتن مطالب خود چه می‌کردند؟
- ۷ - فرعون به چه کسانی می‌گفتند؟ آنان با مردم چگونه رفتار می‌کردند؟
- ۸ - مقبره پادشاهان مصر به وسیله چه کسانی ساخته شد؟
- ۹ - مصریها از راه دریا، با چه وسیله‌هایی مسافرت می‌کردند؟ بیشتر به چه کشورهایی می‌رفتند؟

## سرزمین ما ایران

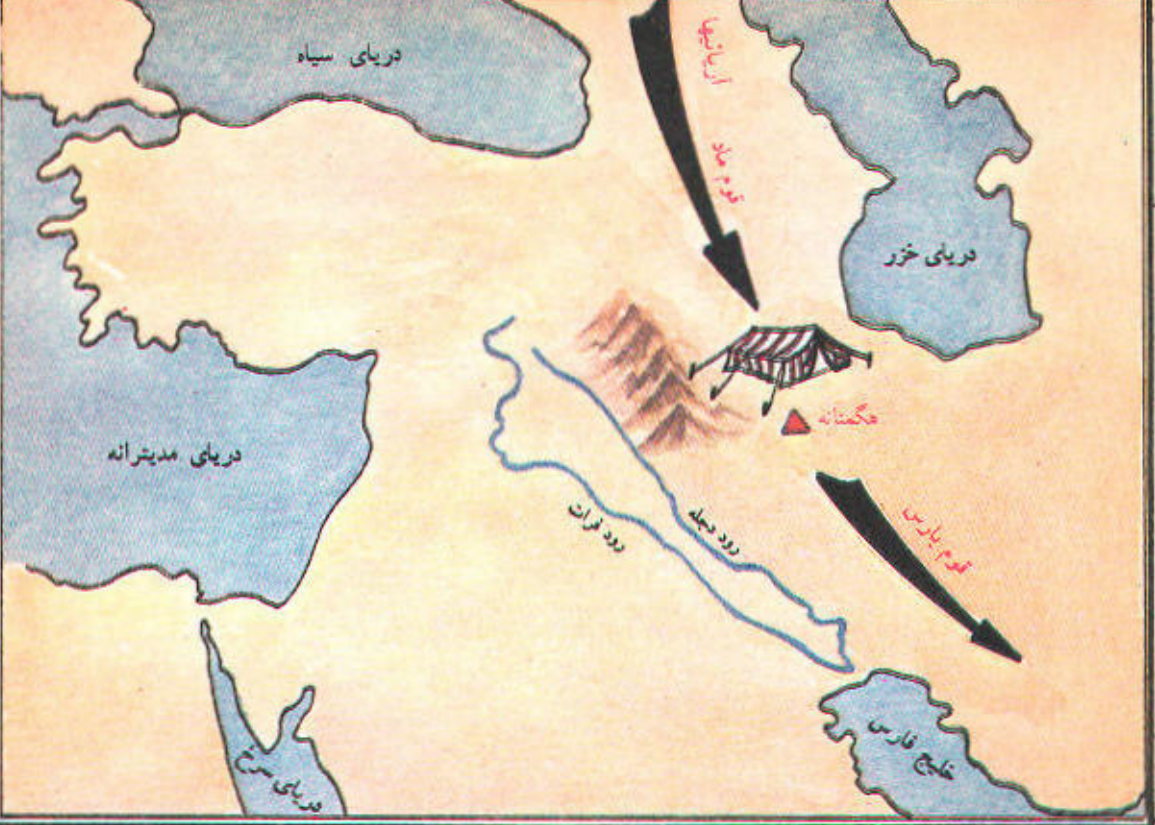
نخستین مردمی که به این سرزمین آمدند اقوامی بودند که خود را **آریایی** می‌نامیدند، آریایی یعنی مردم نجیب و شریف. آریاییها حدود سه هزار و پانصد سال پیش به این سرزمین آمدند و در دشتهای سبز و خرم و منطقه‌های آباد کوهستانی ساکن شدند، با مردمی که در آنجا زندگی می‌کردند آمیختند و از آن روز سرزمین ما **ایران** نامیده شد.

آریاییها چند دسته بودند. دسته‌ای **مادها** بودند که در مغرب و شمال غربی ایران در اطراف کوههای **زاگرس** چادر زدند و به دامداری و کشاورزی مشغول شدند. آنان در کنار کشتزارهای خود خانه‌هایی از سنگ و گل ساختند، و آبادی‌هایی به وجود آوردند. گروه دیگر **پارسها** بودند که در جنوب ایران و در ناحیه **فارس** چادر زدند و به دامداری و کشاورزی پرداختند.

پارسها و مادها به یک زبان گفتگو می‌کردند، اما نوشتن نمی‌دانستند. پس از مدتی پارسها **خط میخی** را که به صورت خطهای عمودی و افقی نوشته می‌شد از عیلامیها یاد گرفتند. مادها با آشوریها همسایه بودند. آشوریها بیشتر وقتها با مادها در جنگ بودند و در این



نمونه‌ای از خط میخی



نقشه آمدن آریاییها به ایران

جنگها خسارتهای زیادی به آنان وارد آمد. مادها به دو علت نمی توانستند آشوریها را شکست دهند. یک علت این بود که با هم متحد نبودند. سرانجام آنان به ضعف خود پی بردند و برای دفاع در برابر دشمن متحد شدند و **دولت ماد** را به وجود آوردند. این اتحاد به آنان قوت و قدرت بخشید. علت دیگر شکست مادها نداشتن سپاه منظم بود. آنان این ضعف را نیز با تشکیل سپاه منظمی برطرف ساختند. به کمک همین سپاه بود که مادها توانستند پارسها و آشوریها را شکست دهند.

مادها در دامنه کوه **الوند** شهری ساختند که هفت قلعه تو در تو داشت. این شهر را **هگمتانه** یعنی محل اجتماع نامیدند و آن را پایتخت خود قرار

دادند. هگمتانه در محل همدان امروزی بود. سران مادها مانند بسیاری از پادشاهان دیگر هنگامی که به پیروزی رسیدند از حال مردم غافل شدند و به ظلم و ستم پرداختند. مردم نیز از کمک به آنان خودداری کردند. پارسها از این ضعف استفاده کردند و به جنگ با مادها برخاستند و آنها را شکست دادند. به دنبال این شکست دولت ماد از میان رفت.

پرسشها:



- ۱ - آریاها حدود چند هزار سال پیش به این سرزمین آمدند؟ در کجا ساکن شدند؟ و به چه کاری مشغول شدند؟
- ۲ - مادها چه کسانی بودند و در کجا ساکن شدند؟
- ۳ - پارسها در کجا ساکن شدند و به چه کاری مشغول شدند؟
- ۴ - پارسها برای نوشتن مطالب خود چه کردند؟
- ۵ - دشمنان مادها چه کسانی بودند؟ علت ضعف مادها در برابر آنان چه بود؟
- ۶ - زمامداران ماد پس از به قدرت رسیدن چه کردند؟
- ۷ - عاقبت حکومت ماد چه شد؟

## دولت هخامنشیان

هنگامی که دولت ماد به سبب ظلم و ستم و تن‌پروری و خوشگذرانیهای بزرگانش از ملت خود جدا شد و ضعیف و ناتوان گشت، پارسیها توانستند به دست شخصی به نام **کوروش** دولت ماد را از بین ببرند و سلسله **هخامنشی** را تأسیس کنند. **هخامنش** نام جد کوروش بود. کوروش می‌خواست به جز سرزمین ماد سرزمینهای دیگر اقوام ایرانی و غیر ایرانی را

دارد. دستور داد تعداد زیادی از بزرگان مخالف او را به دار بیاویزند.





نیز به زیر فرمان خود درآورد. او سرزمینهای دولتهای بزرگ آن زمان، مانند **لودیه** و **بابل** را تسخیر کرد و دولت بزرگ هخامنشی را به وجود آورد. کوروش سپس، با اقوامی که در شمال ایران زندگی می‌کردند، به جنگ پرداخت و عاقبت در این جنگ کشته شد.

### جانشینان کوروش

پس از کوروش پسرش **کمبوجیه** به پادشاهی رسید. او در آغاز برادر خود **بردیا** را از ترس رقابت، پنهانی کشت و دنباله کارهای پدرش را گرفت. یکی دیگر از پادشاهان هخامنشی **داریوش** بود. ایران در زمان او وسعت بسیار یافت. اداره کردن چنین سرزمین پهناوری که از اقوام و کشورهای مختلف تشکیل شده بود، کار دشواری بود. او به زحمت توانست وضع آشفته این مملکت پهناور را سامان بخشد. او برای محکم کردن پایه‌های سلطنت خود دستور داد تعداد زیادی از بزرگان مخالف او را به دار بیاویزند تا دیگران به فکر مخالفت نیفتند. این کاری بود که بسیاری از شاهان ستمگر انجام می‌دادند. او از مردم کشورهایایی که در جنگ شکست می‌خوردند باج و خراج می‌گرفت. یعنی آنان را مجبور می‌کرد که پول یا کالاهای قیمتی خود را به پایتخت هخامنشیان بفرستند.

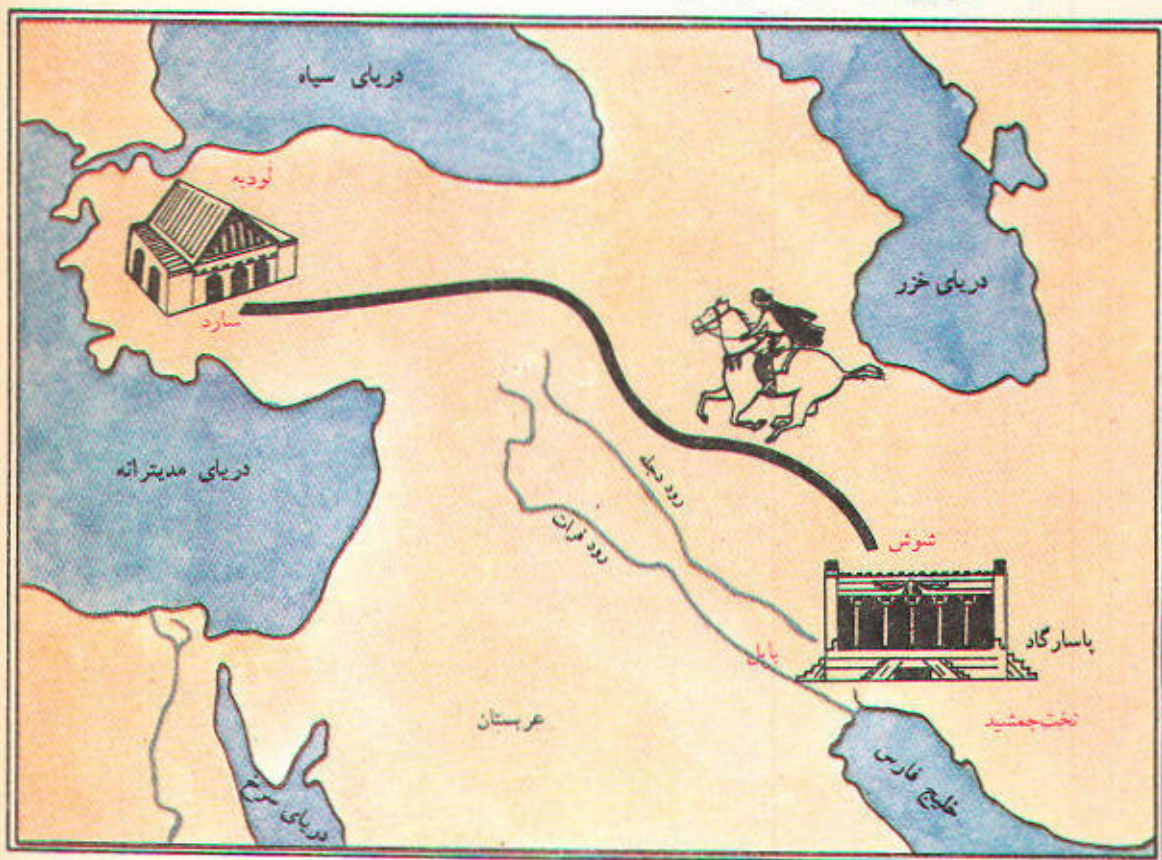
در زمان جانشینان کوروش مخصوصاً داریوش چند کار مهم به وسیله مردم انجام گرفت:

۱ - برای اداره این سرزمین پهناور، راههای زیادی ساختند زیرا



نخستین وسیله ارتباط میان شهرها و آبادیها راهها هستند. یکی از این راهها، که به راه شاهی معروف بود، راهی بود که **سارد** را به **شوش** و **تخت جمشید** مربوط می ساخت.

۲ - در میان این راهها کاروانسراهایی برای استراحت مسافران و کاروانها ساخته شد. در این کاروانسراها همیشه اسبهای تازه نفس بودند تا نامه رسانها بتوانند اسب خود را عوض کنند و نامه ها را به سرعت از پایتخت به دورترین جاهای کشور برسانند.



نخستین وسیله ارتباط میان شهرها و آبادیها راهها بودند.

۳ - در آن راهها، در فاصله‌های معین، قلعه‌هایی ساخته بودند که در هر کدام عده‌ای سرباز از راهها و کاروانها محافظت کنند.

۴ - برای اینکه مردم بتوانند به راحتی خرید و فروش کنند، از طلا سکه زدند. این نخستین بار بود که در کشور ما پول رایج شد.

۵ - در این زمان کشور به بخشهای مختلفی تقسیم شد و برای هر بخش یک **شهربان** انتخاب کردند. آنان اختیار داشتند که در همه کارهای کشور، دخالت کنند. برای امور لشکری در هر بخش یک **سپهسالار** و برای کارهای اداری نیز یک **دبیر** انتخاب کردند. دبیران به کارهای شهربان و سپهسالارها نیز نظارت می‌کردند.

۶ - هر سال گروهی بازرس به بخشهای مختلف کشور مسافرت می‌کردند تا به کارهای این سه گروه رسیدگی کنند.

۷ - همیشه یک سپاه ده هزار نفری از سربازان ورزیده آماده بودند تا در جنگها برای از بین بردن مخالفتها و آشوبها شرکت کنند.

بیشتر مردم ایران در آن زمان **کشاورز** و **دامدار** بودند. آنان در شهرهای کوچک و آبادیها زندگی



می‌کردند. زندگیشان بسیار ساده بود ولی شاه و درباریان او زندگی آسوده و پرشکوهی داشتند.

این اختلاف زندگی بین مردم و شاهان و درباریان، نشانه ظلم و ستم بود. به همین جهت مردم همواره ناراضی بودند.

پرسشها:

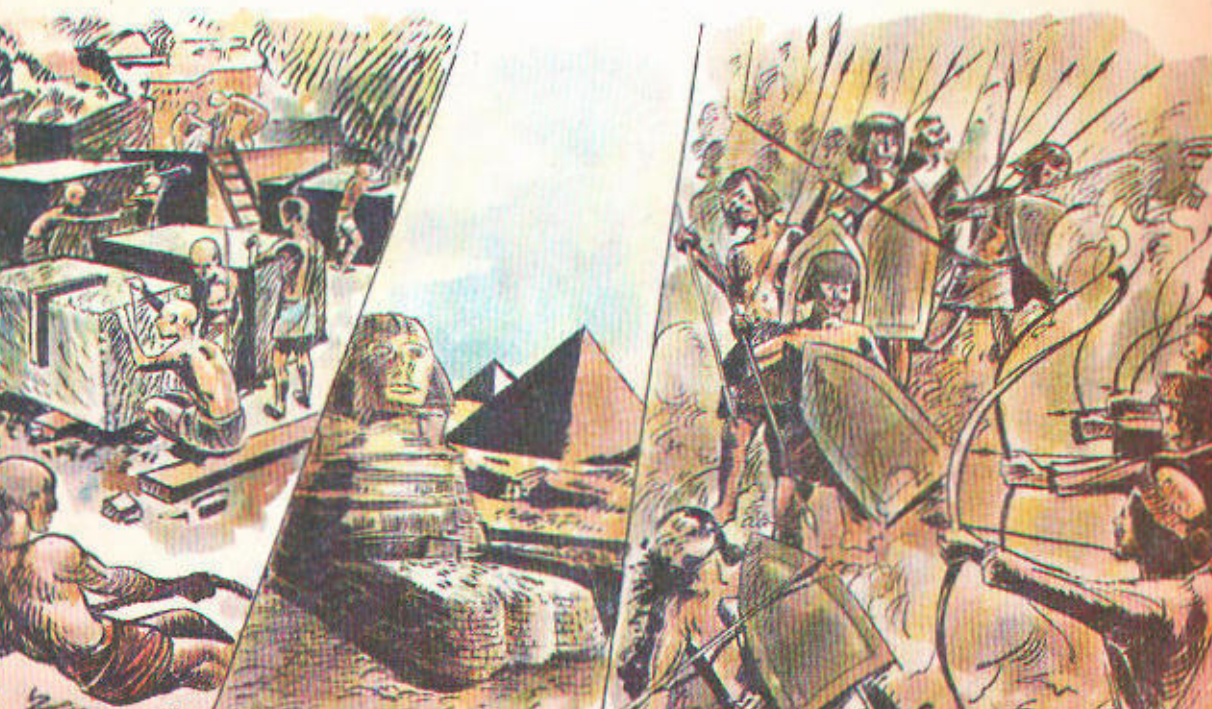


- ۱ - چرا دولت ماد از بین رفت؟
- ۲ - کوروش که بود؟
- ۳ - داریوش برای محکم کردن پایه‌های سلطنت خود چه کرد؟
- ۴ - داریوش با مردم چگونه رفتار می‌کرد؟
- ۵ - در زمان هخامنشیان چه کارهایی به وسیله مردم انجام شد؟ دو نمونه از آن را نام ببرید.
- ۶ - شهربان و سپهسالار چه کسانی بودند؟
- ۷ - مردم ایران در زمان دولت هخامنشیان چه وضعی داشتند؟
- ۸ - آیا مردم از وضع خود راضی بودند؟

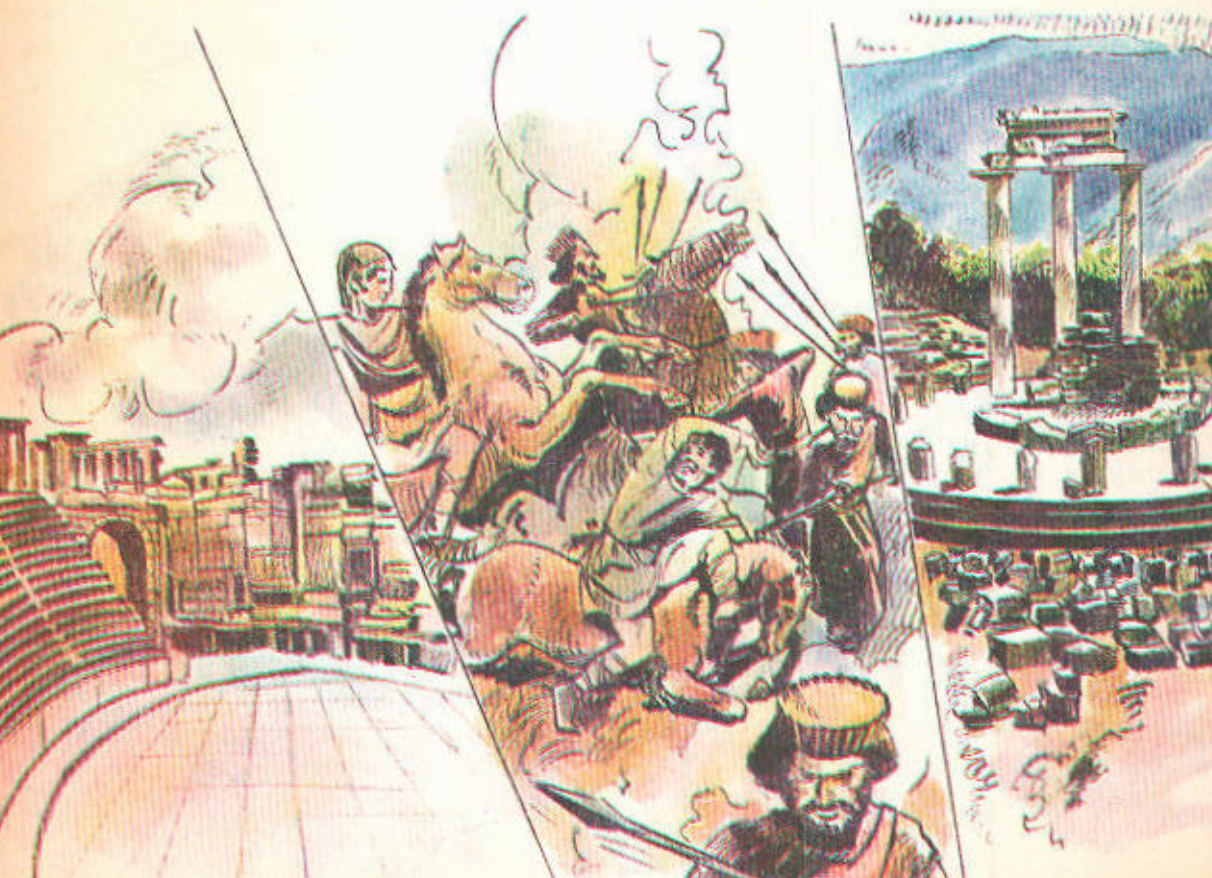
## همسایگان ایران در زمان دولت هخامنشیان

پیش از این خواندیم که کوروش توانست دولتهای ماد، لودیه و بابل را زیر فرمان خود درآورد. به این ترتیب ایران با دو کشور **مصر** و **یونان** همسایه شد. بقیه پادشاهان هخامنشی کشورهای دیگری را نیز تصرف کردند. نخستین بار «کمبوجیه» سرزمین مصر را گرفت و به خاک ایران افزود. مصر، در آن زمان، کشور متمدنی بود و در علم و دانش و صنعت پیشرفت کرده بود. وضع کشاورزی مصر بسیار خوب بود، اما پادشاهان مصر نیز مانند سایر شاهان ستمگر بودند.

مردم مصر از تصرف کشورشان به وسیله کمبوجیه سخت ناراحت بودند. آنان پس از مردن کمبوجیه شروع به مخالفت کردند ولی **داریوش** به آنجا رفت و مخالفان را سرکوب کرد.



همسایه دیگر ایران یعنی **یونان** نیز در آن زمان **تمدن درخشانی** داشت. یونانیان در علوم و ادبیات و هنر پیشرفت بسیار کرده بودند. بازرگانی آنان نیز خوب بود و کشوری ثروتمند داشتند. در یونان دولتهای گوناگونی حکومت می‌کردند. این گوناگونی سبب شده بود که حکومتهای یونان ضعیف باشند. در یونان هر شهری برای خود دولت کوچکی داشت. از میان این دولتهای کوچک دو دولت **آتِن** و **اسپارت** معروف‌تر از دیگران بودند. دولت آتن مخالف ایران بود و به دشمنان ایران کمک می‌کرد. سرانجام **خشایارشا** پسر داریوش، پس از جنگی خونین آتن را گرفت.



## پایان دولت هخامنشیان

در آغاز دوره هخامنشی، پادشاهان و بزرگان و سرداران کوشش می‌کردند که کشور ایران را نیرومند سازند. مردم نیز به آبادانی کشور کمک می‌کردند. اما در آخر این دوره، پادشاهان و بزرگان و سرداران به قدرت خود مغرور شدند و با ظلم و ستم به خوشگذرانی و اندوختن مال پرداختند. به همین جهت به کار مردم رسیدگی نمی‌کردند. در این دوره مردم نیز با آنان همکاری نمی‌کردند و دولت هخامنشی روبه ضعف گذاشت.



سرباز یونانی در یونان باستان

بعد از مرگ داریوش چند تن سلطنت کردند. سرانجام نوبت به **داریوش سوم** رسید. در این موقع یکی از پادشاهان یونان به نام **اسکندر مقدونی** به ایران حمله کرد و مردم چون از داریوش سوم ناراضی بودند در برابر اسکندر از او پشتیبانی نکردند و اسکندر به آسانی توانست دولت هخامنشیان را از بین ببرد. هخامنشیان ۲۲۰ سال بر ایران حکومت کردند.



- ۱ - چگونه ایران، در زمان کوروش با مصر و یونان همسایه شد؟
- ۲ - چه کسی مصر را گرفت؟
- ۳ - وضع مصر در زمان هخامنشیان چگونه بود؟
- ۴ - آیا مردم مصر از اشغال کشورشان به وسیله شاه ایران راضی بودند؟  
می‌دانید چرا؟
- ۵ - داریوش، در مقابل ناراضایتی مردم مصر، چه کرد؟
- ۶ - یونان در زمان هخامنشیان چه وضعی داشت؟
- ۷ - چه چیزی سبب شده بود که حکومت‌های یونان ضعیف باشند؟
- ۸ - کدام دولتها، در یونان قویتر بودند؟
- ۹ - خشایارشا با کدام دولت یونان جنگ کرد؟
- ۱۰ - داریوش سوم که بود؟
- ۱۱ - اسکندر مقدونی که بود؟
- ۱۲ - چرا دولت هخامنشیان، از میان رفت؟

## دولت سلوکی

در درس پیش خواندید که در زمان داریوش سوم **اسکندر مقدونی** به قصد جهانگشایی به ایران حمله کرد. داریوش سوم در جنگی که با اسکندر کرد شکست خورد و کشور ایران به دست پادشاه مقدونی اشغال شد. اسکندر بعضی از شهرها از جمله تخت جمشید پایتخت هخامنشیان را آتش زد. پس از این واقعه ایران مدتی در دست اسکندر و جانشینان او بود.

هنگامی که اسکندر درگذشت چون فرزندی نداشت، بین سردارانش بر سر جانشینی او اختلاف افتاد. سرانجام قرار شد هر یک از سرداران در قسمتی از سرزمین پهناوری که اسکندر مقدونی به چنگ آورده بود، حکومت کنند. ایران که قسمتی از سرزمینهای اشغالی بود، به دست یکی از سرداران او به نام **سلوکوس** افتاد و به این ترتیب **دولت سلوکی** در ایران به وجود آمد.

وقتی که سلوکیان حکومت ایران را به دست گرفتند، زبان و خط یونانی را که از زمان اسکندر در ایران رواج یافته بود، گسترش دادند. سلوکیان سعی کردند مردم را مجبور کنند تا از فرهنگ و تمدن یونانی به جای فرهنگ و تمدن ایرانی استفاده کنند. مردم ایران همواره از اینکه کشورشان به دست بیگانگان اداره می‌شد، ناراضی بودند. سرانجام حکومت سلوکی به دست اشکانیان برچیده شد.





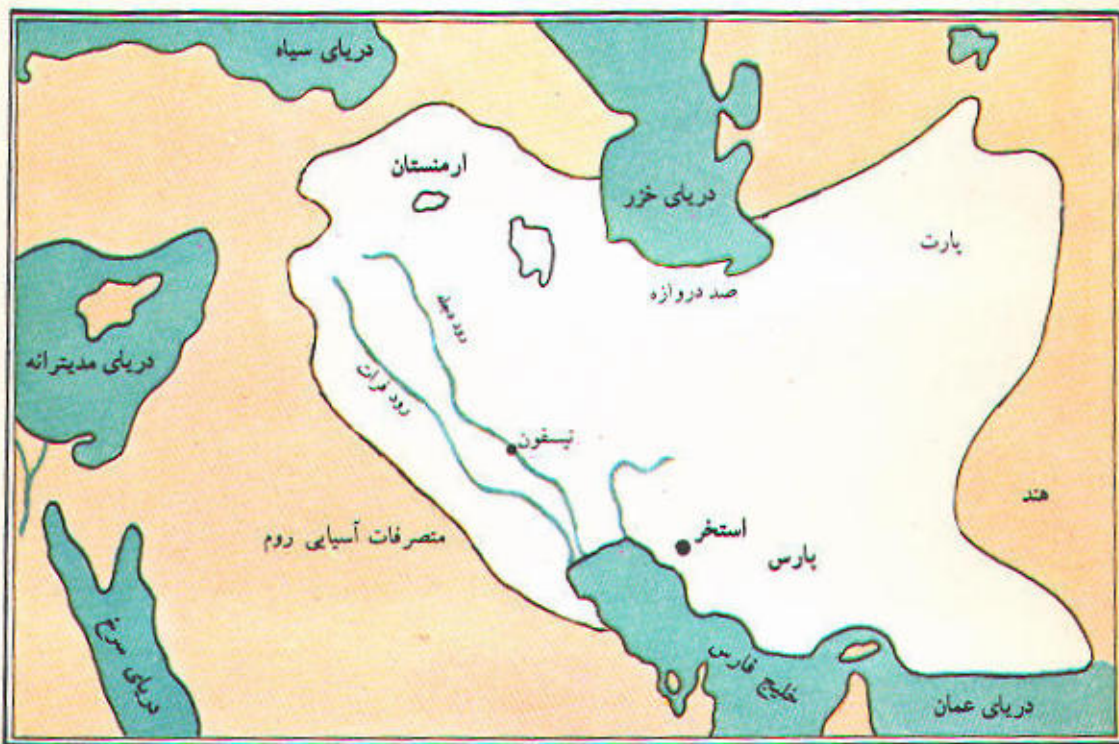
پرسشها:

- ۱ - اسکندر مقدونی چگونه ایران را تصرف کرد؟
- ۲ - پس از مرگ اسکندر چه شد؟
- ۳ - دولت سلوکی در ایران چه کرد؟

## دولت اشکانی

در درس پیش خواندید که ضعف دولت هخامنشی سبب شد که اسکندر و جانشینان او مدتی در ایران حکومت کنند اما ایرانیان هرگز در برابر اشغال کشور خود به وسیله بیگانگان، خاموش ننشستند، و برای نجات کشور خود قیام کردند.

قوم **پارت** که در **خراسان** و **گرگان** امروزی زندگی می‌کردند به فرماندهی رئیس خود به نام **ارشک** با اشغالگران جنگیدند و آنان را بیرون کردند و به این ترتیب دولت مستقلی به نام دولت اشکانی به وجود آوردند.



نقشه ایران در دوره اشکانیان

پادشاهان اشکانی به احترام ارشک نام اشک را به نام خود می‌افزودند مثلاً، خود را اشک اول یا اشک دوم می‌نامیدند و به همین جهت آنان را اشکانیان می‌نامند.

اشکانیان کم‌کم ایران را، از دست جانشینان اسکندر که **سلوکیان** نام داشتند گرفتند.

در زمان **اشک نهم** (مهرداد دوم) کشور ایران بسیار گسترده شد و از طرف مشرق به شمال **هند** و از طرف مغرب تا سرزمین **عراق** کنونی رسید. اشکانیان ابتدا شهر **صد دروازه** را که نزدیک شهر **دامغان** امروزی بود به پایتختی برگزیدند، اما بعد، شهر **تیسفون** را ساختند و آنجا را پایتخت خود کردند.

دولت اشکانی **دو مجلس** داشت: یکی مجلس **خانواده شاهي**، که مردان خاندان اشکانی در آن شرکت می‌کردند، دیگری مجلس **بزرگان** که از مردان با تجربه و پیشوایان دینی تشکیل می‌شد. این دو مجلس را روی هم **مهستان** می‌گفتند. هنگامی که پادشاهی می‌مرد، مجلس مهستان، از میان فرزندان یا افراد دیگر خانواده‌اش جانشینی انتخاب می‌کرد. مردم عادی به این مجلس راه نداشتند، بلکه کسانی برای این مجلس انتخاب می‌شدند که به دربار سلطنت راه داشتند و از آن دفاع می‌کردند.



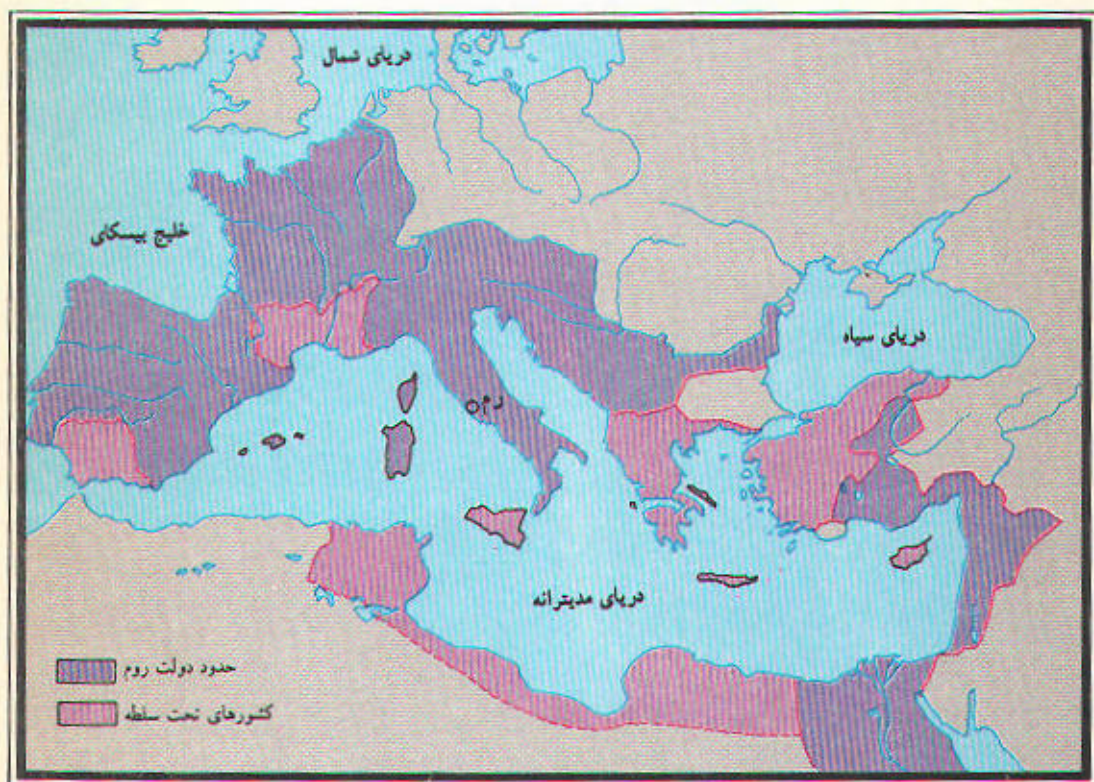
پرسشها:

- ۱ - پس از سقوط دولت هخامنشیان چه کسانی بر ایران مسلط شدند؟
- ۲ - مردم ایران در مقابل اشغالگران چه کردند؟
- ۳ - قوم پارت در کجا می‌زیستند؟ و با اشغالگران چه کردند؟
- ۴ - پایتخت اشکانیان چه شهرهایی بود؟
- ۵ - آیا مردم هم می‌توانستند در مجلس مهستان شرکت کنند؟ می‌دانید چرا؟

## روابط اشکانیان و رومیان

اشکانیان نزدیک پانصد سال فرمانروایی کردند. اما بیشتر وقت آنان به جنگ گذشت. ابتدا با جانشینان اسکندر جنگیدند و آنان را از سرزمینهایی که از آن ایرانیان بود بیرون کردند. بعد مجبور به جنگ با رومیان شدند. رومیان همسایه جدید ایران بودند و میخواستند مثل اسکندر سرزمینهای بیشتری را به دست بیاورند.

پایتخت روم شهر رم بود که در ایتالیای امروزی قرار دارد. این شهر





یک سرباز اشکانی

از اجتماع قبیله‌های گوناگون ( در ایتالیای امروزی )، به وجود آمده بود. بعدها یونانیان به آنجا رفتند و فرهنگ و تمدن خود را به آنان دادند. ساکنان رم کم‌کم سراسر ایتالیا را گرفتند و کشور **روم** را به وجود آوردند. رومیها سپس جنوب و شمال غربی اروپا و شمال آفریقا و مصر و یونان را گرفتند و پا به **آسیا** گذاشتند، جانشینان اسکندر را شکست دادند و همسایه ایران شدند. در کشور روم برده‌داری مرسوم بود. در آنجا از بردگان برای کشاورزی و گله‌داری و کار در معدنها و خانه‌ها استفاده می‌کردند. برده‌داران به بردگان ستم زیادی می‌کردند.

در زمان مهرداد دوم، هنگامی که کشور روم با ایران همسایه شد، مجلسی از بزرگان که به آن **سنا** می‌گفتند، سرزمینهای پهناور روم را اداره می‌کرد. تمام سرداران رومی به دستور سنا

کار می‌کردند.

مهرداد دوم با رومیان روابط دوستانه برقرار کرد. در زمان **اُرد** یا (اشک سیزدهم)، **کراسوس**، یکی از سرداران روم به ایران و هندوستان حمله کرد. ارد در یکی از شهرهای **بین‌النهرین** با کراسوس جنگید و سپاهیان روم را شکست داد. این شکست رومیان را وادار به عقب‌نشینی کرد. اما تا هزار سال بر سر سرزمینهای شمال غربی ایران، که امروز **ارمنستان** نامیده می‌شود، میان دولتهای روم و ایران همواره جنگ و خونریزی بود. از سوی دیگر اشکانیان مجبور بودند، با قبایلی که از شمال شرقی به ایران حمله می‌کردند، بجنگند و آنان را از مرزهای خود دور نگهدارند. این جنگها دولت اشکانی را ضعیف کرد.

کراسوس سردار رومی در جنگ با ایرانیان شکست خورد.



اشکانیان مانند هخامنشیان کشور را به بخشهایی تقسیم کرده بودند و هر بخشی از آن را به یک فرمانروا سپرده بودند. این فرمانروایان هر سال مالیات سنگینی از مردم می‌گرفتند. قسمتی از این مالیاتها را به پایتخت می‌فرستادند و قسمتی را برای خود نگه می‌داشتند. فرمانروایان مانند شاهان ثروت بسیار و قصرهای باشکوه داشتند. همچنین زمینهای زراعتی مردم را به زور می‌گرفتند.

### تولد حضرت عیسی (ع)

در زمان اشکانیان حضرت **عیسی (ع)** در **فلسطین** امروزی به دنیا آمد. مبنای تاریخ کشورهای مسیحی سال تولد حضرت عیسی (ع) است. این تاریخ را میلادی می‌گویند. تاریخ بعضی از کشورها را با قبل و بعد از تاریخ میلادی حساب می‌کنند.

مبنای تاریخ ما مسلمانان **هجرت پیامبر بزرگ اسلام** است. سالی که پیامبر از **مکه** به **مدینه** مهاجرت فرمودند سال اول هجری است. متأسفانه بعضی از کشورهای اسلامی، بر اثر تسلط بیگانگان تاریخ خود را بر مبنای تاریخ میلادی قرار داده‌اند.

پرسشها:



۱ - دولت روم چگونه تشکیل شد؟



- ۲ - وضع جامعه روم در آن روزگار چگونه بود؟
- ۳ - در کشور روم چه کسانی کارهای سخت و مشکل را انجام می دادند؟
- ۴ - مجلس رومیان چه نام داشت؟
- ۵ - وظیفه مجلس سنا چه بود؟
- ۶ - چرا میان ایران و روم جنگ در گرفت؟
- ۷ - در زمان کدام شاه اشکانی روابط ایران و روم دوستانه بود؟
- ۸ - در زمان ارد چه اتفاقی افتاد؟
- ۹ - جنگ بین ایران و روم چند سال طول کشید؟
- ۱۰ - پایه تاریخ کشورهای مسیحی چیست؟
- ۱۱ - پایه تاریخ کشورهای اسلامی چیست؟
- ۱۲ - چرا پایه تاریخ بعضی از کشورهای اسلامی تاریخ میلادی است؟

## دولت ساسانیان

چنانکه در درس پیش گفته شد، جنگهای پی در پی، دولت اشکانی را ضعیف کرد. ظلم و ستم شاهان اشکانی و رسیدگی نکردن به کارهای مردم به ضعف آنان کمک کرد.

وقتی که دولت مرکزی اشکانی ضعیف شد فرمانروایان محلی از گوشه و کنار سر بلند کردند و برای گرفتن سرزمین یکدیگر به جنگ پرداختند.

یکی از این فرمانروایان **اردشیر** پسر **بابک** بود. پدر بزرگ اردشیر، **ساسان** بود که در اواخر حکومت اشکانیان سرپرست یکی از آتشکده‌های بزرگ شهر **استخر** شد. اردشیر از ضعف شاهان اشکانی استفاده کرد، و کم‌کم سراسر ایران را گرفت و خود را شاه خواند و دولت ساسانیان را به وجود آورد.

اردشیر برای محکم کردن پایه حکومت خود قدرت فرمانروایان بخشها را از میان برد و سراسر ایران را زیر فرمان خود گرفت. او دین **زرتشت** را دین رسمی کشور کرد. دین زرتشت به شعارهای سه گانه پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک معتقد است. به فرمان اردشیر **اوستا** کتاب مقدس زرتشتیان جمع‌آوری و ترجمه شد و آتشکده‌های ویران شده از نو ساخته شدند.



پرسشها:

- ۱ - چه امری باعث ضعف دولت اشکانی شد؟
- ۲ - اردشیر که بود و چه کرد؟
- ۳ - اردشیر برای محکم کردن پایه حکومت خود چه کرد؟
- ۴ - دین زرتشت بر چه پایه‌هایی استوار بود؟
- ۵ - کتاب مقدس زرتشتیان چه بود؟

## زندگی طبقاتی در دوره ساسانیان

در دوره ساسانیان نیز مانند دوره‌های پیش، با مردم ایران به عدالت رفتار نمی‌شد و عده کمی دارای امتیازات زیادی بودند. ولی بیشتر مردم از آن امتیازها محروم بودند. کارهای سنگین و دشوار مملکت بر دوش مردم مستضعف بود و آنان در جنگها بیشتر از همه طبقات کشته می‌دادند، بیشتر از همه مالیات می‌پرداختند اما کمتر از همه از نعمتهای خدادادی کشور استفاده می‌کردند. چون قانون برای همه یکسان نبود از این رو به مردم ظلم و ستم می‌شد. اما درباریان شاه و وابستگان به آنان زحمتی نمی‌کشیدند و از همه نعمتهای خدادادی کشور استفاده می‌کردند.

اردشیر بنیانگذار دولت ساسانی، مردم ایران را به چهار طبقه تقسیم

کرد:

۱ - شاهزادگان، امیران، رهبران مذهبی درباری که جز زورگویی و بهره‌کشی از مردم مستضعف کاری نداشتند.

۲ - سپاهیان

۳ - دیران، یعنی کارکنان بلند پایه دولت

۴ - روستاییان و کارگران عادی که حق نداشتند جزء سپاهیان یا دیران دولت شوند و از امتیازات آنان برخوردار شوند. آنان مجبور بودند تا آخر عمر زحمت بکشند و مخارج سنگین دربار و طبقات دیگر را پردازند.

البته این کارها فقط در کشور ما انجام نمی‌شد بلکه در بیشتر نقاط

جهان این نوع زندگی وجود داشت فقط **پیامبران** بودند که عقیده داشتند همه

انسانها برابرند و هیچکس بر دیگری برتری ندارد، و فقط پرهیزگاران و پاکان و نیکوکاران هستند که نزد خدا و خلق برتر و محترمند.

### دولت ساسانی در زمان انوشیروان

یکی از پادشاهان ساسانی **انوشیروان** بود. از جمله کارهای انوشیروان بستن پیمان صلح همیشگی با رومیان بود. اما مدتی بعد از این پیمان، برای گرفتن سرزمینهای روم، به **سوریه** حمله برد. سوریه در آن زمان زیر فرمان کشور روم بود. انوشیروان بر اثر این حمله شهر **انطاکیه** را گرفت و آنجا را آتش زد، سپس در نزدیکی **تیسفون** شهری مانند آن بنا کرد و ساکنان انطاکیه را به آن شهر آورد.

انوشیروان به وضع کشور آن طور که خود می‌پسندید سروسامان داد. مالیاتها را به نفع طبقات بالا وضع کرد. دانشگاه **جندی شاپور** را برای شاهزادگان و درباریان تأسیس کرد. زیرا درس خواندن در آن زمان برای مردم طبقات پائین ممنوع بود. آنان با وجود داشتن هوش و استعداد از سوادآموزی محروم بودند. انوشیروان شورش **مزدکیان** را، که بر ضد رهبران مذهبی **زرتشت** و دولت آن زمان آغاز شده بود، به سختی سرکوب کرد، و گروه زیادی از مزدکیان را کشت. انوشیروان گرچه معروف به عادل است، اما ظلمهای فراوانی می‌کرد از جمله: عده زیادی از مردم بیگناه را به قتل رسانید. پیامبر اسلام در زمان انوشیروان به دنیا آمد.

از بناهای معروفی که به دستور او ساخته شد، **طاق کسری** است، که در



ویرانه طاق کسری یا ایوان مداین، از آثار دوره ساسانیان که حاصل دسترنج هزاران انسان محروم ایرانی است.

نزدیکی «تیسفون» بنا شده است. آثار طاق کسری هنوز در نزدیکی **بغداد** در عراق امروز موجود است. او هزینه زیادی برای ساختن این بنا صرف کرد. وی این هزینه را به صورت مالیاتهای سنگین از مردم به زور می گرفت. یکی دیگر از کارهای انوشیروان انتخاب وزیر معروفش **بزرگمهر** بود. بزرگمهر مردی دانشمند و کاردان و هوشیار بود و با بعضی از کارهای درباریان مخالفت می کرد. درباریان نیز، از او نزد انوشیروان سخن چینی می کردند.

حکومت انوشیروان طولانی بود و نزدیک به ۵۰ سال طول کشید.



پرسشها:

- ۱ - آیا در دوره ساسانیان و دورانهای قبل از آن، مردم از نظر قانون با هم برابر بودند؟
- ۲ - کارهای سنگین و مشکل بر دوش چه کسانی بود؟
- ۳ - بیشتر مالیاتها را چه کسانی می پرداختند؟
- ۴ - چه کسانی بیشتر از همه از نعمتهای خدادادی مملکت استفاده می کردند؟
- ۵ - آیا آنان حق استفاده از نعمتهای خدادادی را داشتند؟ چرا؟
- ۶ - مردم در دوره ساسانی به چند طبقه تقسیم می شدند؟
- ۷ - آیا فقط در ایران زندگی طبقاتی بود؟
- ۸ - پیامبران درباره زندگی مردم چه می گفتند؟
- ۹ - انوشیروان اوضاع کشور را چگونه سر و سامان داد؟
- ۱۰ - آیا مردم عادی در زمان دولت ساسانی می توانستند درس بخوانند؟
- ۱۱ - انوشیروان مالیاتها را چگونه تنظیم کرد؟
- ۱۲ - کاخ کسری در کجا بنا شده است؟ آیا می توانید بگویید چگونه این کاخها به وجود آمدند؟
- ۱۳ - وزیر معروف انوشیروان که بود؟

## پایان کار ساسانیان و طلوع آفتاب اسلام

ساسانیان بیش از چهارصد سال در ایران حکومت کردند. آنان گاهی با رومیان در صلح بودند و گاهی می‌جنگیدند. یکی از پادشاهان ساسانی **خسرو پرویز** بود که بعد از انوشیروان به سلطنت رسید. او با رومیان جنگهای بسیار کرد. **شام و فلسطین** و قسمتی از **آفریقا** را گرفت، **اورشلیم** را غارت کرد و بعضی از شهرها را ویران ساخت. این جنگ مانند سایر جنگها تنها به نفع شاهزادگان پایان یافت و خونهای زیادی از مردم بی‌گناه ریخته شد. عاقبت جنگهای خسرو پرویز، شکست شدید او از رومیان بود.

پیامبر بزرگ اسلام به خسرو پرویز نامه‌ای نوشت اما او اعتنا نکرد و نامه را پاره کرد.

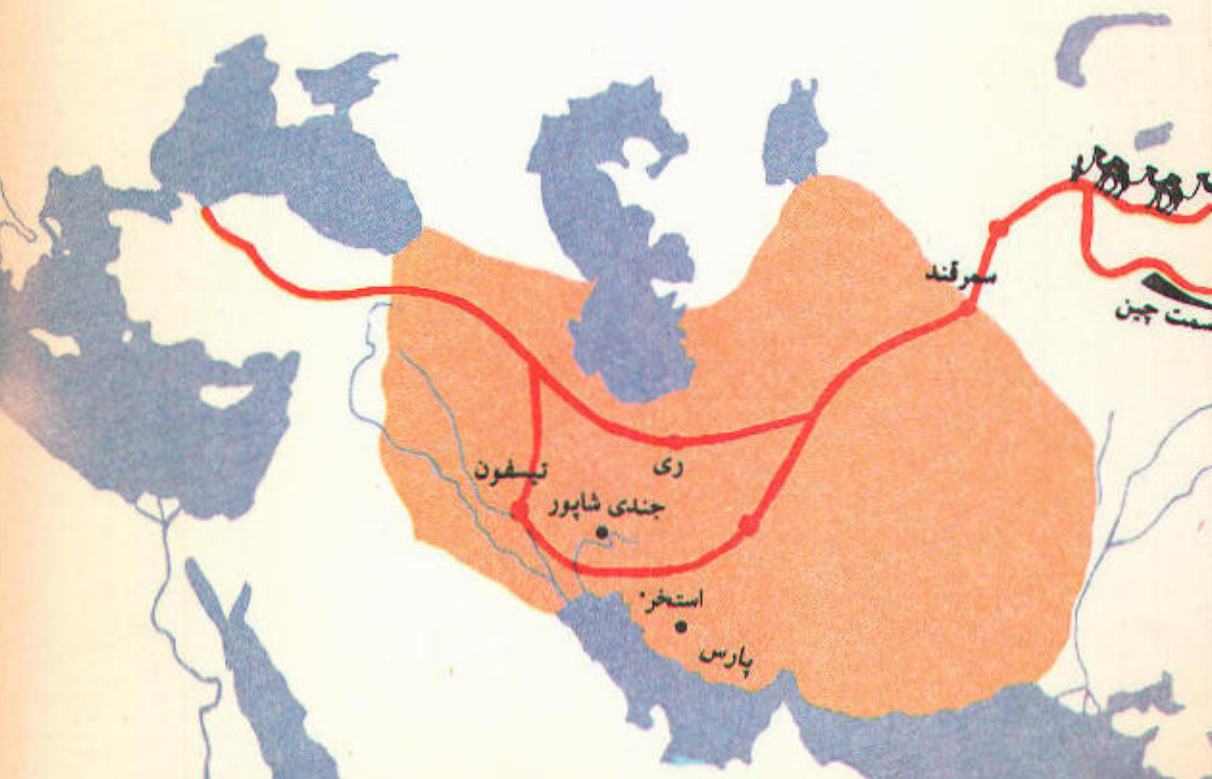




خسرو پرویز مردی خودخواه بود. پیامبر بزرگ اسلام نامه‌ای برای او و بعضی از فرمانروایان معروف کشورهای دیگر نوشت و آنان را به اسلام و حق و عدالت دعوت فرمود، اما خسرو پرویز نامه پیامبر (ص) را پاره کرد و به آن اعتنا نکرد.

جنگهای جاه طلبانه خسرو پرویز با رومیان سبب شد که اوضاع کشور از هم پاشیده شود. او برای تهیه مخارج فراوان این جنگها، مالیاتها را زیاد کرد. بسیاری از سربازان شجاع در این جنگها کشته شدند. بعد از خسرو پرویز وضع کشور روز به روز آشفته‌تر شد به طوری که

نقشه ایران در دوره ساسانیان و راه ابریشم



در مدت چهار سال دوازده نفر به پادشاهی رسیدند و هلاک شدند. سرانجام  
یزدگرد سوم، نوه خسرو پرویز، به پادشاهی رسید.

پرسشها:



- ۱ - حکومت ساسانی چند سال طول کشید؟
- ۲ - نتیجه جنگهای طولانی شاهان ساسانی، از جمله خسرو پرویز، چه بود؟
- ۳ - خسرو پرویز در جواب نامه پیامبر بزرگ اسلام چه کرد؟
- ۴ - خسرو پرویز برای تهیه مخارج سنگین جنگها چه کرد؟
- ۵ - پس از خسرو پرویز چند نفر در ایران به حکومت رسیدند؟

## سقوط ساسانیان و علل آن

وقتی که یزدگرد سوم به پادشاهی رسید اوضاع کشور آشفته بود و پادشاهان ساسانی قدرت قبلی را نداشتند. جنگهای زیادی که پادشاهان ساسانی در مدت حکومت خود برای کشورگشایی انجام داده بودند جز فقر و بیماری و گرسنگی نتیجه‌ای برای مردم نداشت. ظلم و ستم و فساد این پادشاهان همه مردم را ناراضی کرده بود. هر چه از عمر حکومت ساسانی می‌گذشت، ایرانیان بیشتر ناراضی می‌شدند زیرا مالیاتهایی که شاهان برای ادامه جنگها از مردم می‌گرفتند آنان را فقیرتر می‌کرد.

با گسترش اسلام در عربستان کم‌کم شعارهای **توحید**، **برادری** و **برابری** به گوش مردم ایران نیز رسید. ایرانیان دانستند که مسلمانان قصد کشورگشایی ندارند بلکه هدفشان نجات دادن مردم از دست شاهان ظالم است. از این رو آرزو کردند که از زیر بار ظلم و ستم شاهان ساسانی نجات پیدا کنند. در چنین زمانی بود که سپاهیان اسلام به ایران آمدند و با وجود اینکه از نظر اسلحه و تعداد افراد ضعیف‌تر از سپاهیان شاه بودند پیروز شدند.

برخی از دلایل پیروزی سپاهیان اسلام عبارت بود از:

— قدرت ایمان سپاه اسلام

— ناراضی بودن مردم ایران از پادشاه ساسانی که باعث گشودن

دروازه‌های شهر به روی مسلمانان شد. مسلمانان تیسفون پایتخت ایران را فتح کردند. یزدگرد هر چه کوشش کرد نتوانست تاج و تخت خود را حفظ

کند. وی به شهر مرو گریخت و در آنجا به دست آسیابانی کشته شد. مسلمانان وقتی که ایران را فتح کردند، حکومت شاهان را از بین بردند و برای مردم توحید، آزادی، برابری و برادری به ارمغان آوردند.



### پرسشها:

- ۱ - چرا مردم از شاهان ساسانی ناراضی بودند؟
- ۲ - وضع مردم در زمان حکومت یزدگرد چگونه بود؟
- ۳ - ایرانیان هنگام ورود سپاه اسلام چه آرزویی داشتند؟
- ۴ - هدف مسلمانان از رفتن به کشورها چه بود؟
- ۵ - یزدگرد در چه شرایطی به حکومت رسید؟
- ۶ - چرا حکومت ساسانی سقوط کرد؟
- ۷ - مسلمانان برای مردم ایران چه چیزهایی آوردند؟

## خدمات اسلام به ایران

وقتی که مردم ایران اسلام را پذیرفتند، توانستند خود را از زیر بار ظلم و ستم شاهان نجات دهند. در دوره ساسانی شاهان، درباریان و خاندانهای بزرگ خود را برتر از دیگر مردم می‌دانستند. آنان همه امتیازها و وسائل آسایش را برای خودشان می‌خواستند. در این زمان مردم از خیلی چیزها مثل داشتن خانه، زمین، شغل، و حتی سواد محروم بودند. همه وسایل زندگی برای شاهان، اشراف و موبدان زرتشتی بود. به علت وجود قانونهای دشوار مردم عادی هرگز نمی‌توانستند پیشرفت کنند. تاریخ‌نویسان نوشته‌اند که روزی مرد کفاشی نزد انوشیروان رفت و به او گفت که حاضر است دارایی خود را به او بدهد تا خرج لشکرش کند و در مقابل اجازه دهد که پسرش درس بخواند. انوشیروان خواهش او را نپذیرفت و جواب داد که مردم عادی حق درس خواندن ندارند.

همان طور که در درس پیش گفتیم اسلام برای مردم توحید، آزادی و برابری و برادری را به ارمغان آورد. پس از این که ایرانیان مسلمان شدند مردم با هم برابر و برادر شدند، دیگر کسی نمی‌توانست خود را برتر از دیگران بداند. اسلام به مردم یاد داد که **هیچ کس بر دیگری برتری ندارد مگر در پرهیزگاری.**

در پرتو تعالیم اسلام، ایرانیان در همه رشته‌ها بخصوص رشته‌های علمی پیشرفت کردند و دانشمندان بزرگی از میان ایرانیان در دوره اسلامی برخاستند.



پرسشها:

- ۱ - در دوره ساسانی وضع شاهان و درباریان چگونه بود؟
- ۲ - وضع مردم ایران در زمان ساسانیان چگونه بود؟
- ۳ - چرا مردم در زمان شاهان ساسانی نمی‌توانستند پیشرفت کنند؟
- ۴ - از داستان کفاش چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟
- ۵ - پس از اسلام چه تغییراتی در ایران روی داد؟
- ۶ - اسلام به مردم ایران چه چیزهایی یاد داد؟
- ۷ - مردم ایران که در زمان حکومت ساسانی حق درس خواندن را نداشتند بعد از ورود اسلام چه وضعی پیدا کردند؟



## جامعه

گروهی از مردم را که برای مدت طولانی با هم زندگی می‌کنند و هدف مشترکی دارند «جامعه» می‌گویند. مثلاً مردمی که در یک روستا زندگی می‌کنند افراد یک جامعه روستایی هستند. هدف مشترک مردم در یک جامعه روستایی این است که بتوانند از راه کشاورزی و دامداری زندگی کنند. دانش‌آموزان و آموزگاران که در یک مدرسه هستند نیز افراد یک جامعه کوچک‌اند. هدف مشترک این گروه، آموختن دانش و اخلاق است.

بعضی جامعه‌ها مانند جامعه روستایی کوچک‌اند، یعنی تعداد افراد آن کم است. بعضی جامعه‌های دیگر بزرگ‌اند. مردمی که در یک کشور زندگی می‌کنند افراد یک جامعه بزرگ هستند، که به آن «ملت» می‌گویند. مسلمانان جهان، افراد جامعه بزرگتری هستند که «امت اسلامی» نامیده می‌شوند.

افراد یک جامعه برای رسیدن به هدف مشترک خودشان، با هم همکاری می‌کنند. این افراد با هم رابطه‌های گوناگونی دارند، مثلاً با یکدیگر داد و ستد می‌کنند و یا با هم معاشرت و رفت‌وآمد دارند. برای آنکه افراد یک جامعه بتوانند با یکدیگر زندگی کنند و با هم همکاری داشته باشند، باید در جامعه نظم برقرار باشد. برای رسیدن به نظم، قانون لازم است. جامعه‌ای که در آن نظم و قانون وجود نداشته باشد، پایدار نمی‌ماند.

هر یک از افراد جامعه نسبت به افراد دیگر وظیفه‌ای دارد که باید به آن عمل کند. ما باید جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنیم بشناسیم و از تاریخ گذشته آن باخبر شویم و خود را برای ساختن آینده‌ای بهتر آماده کنیم.



همچنین باید به قانونهایی که در جامعه نظم و **عدالت** را ایجاد می‌کنند احترام بگذاریم و به وظیفه خود در جامعه عمل کنیم. در درس تعلیمات مدنی کلاس چهارم با انواع مختلف جامعه‌ها آشنا خواهیم شد.

پرسشها:



- ۱ - جامعه چیست؟
- ۲ - در یک جامعه کوچک مثل مدرسه، هدف مشترک افراد چیست؟
- ۳ - نام جامعه جهانی مسلمانان چیست؟
- ۴ - بعضی از رابطه‌های افراد یک جامعه را نام ببرید.
- ۵ - برای آنکه در جامعه نظم برقرار باشد، چه چیزی لازم است؟

تکلیف شب:



- ۱ - چرا جامعه‌ای که در آن قانون وجود نداشته باشد پایدار نمی‌ماند؟
- ۲ - شما که فردی از جامعه کوچک مدرسه خود هستید چه وظیفه‌ای نسبت به افراد دیگر این جامعه دارید؟
- ۳ - به نظر شما آگاهی از تاریخ گذشته جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم چه فایده‌ای دارد؟



## خانواده

خانواده اولین و کوچکترین جامعه‌ای است که ما، در آن زندگی می‌کنیم. خانواده پایه اصلی جامعه‌های دیگر است. **زندگی خانوادگی** با ازدواج زن و مرد آغاز می‌شود. با تولد فرزندان بر تعداد افراد **خانواده** افزوده می‌گردد و بنیاد آن محکم‌تر می‌شود. وجود فرزندان در خانواده به زندگی شادی و نشاط می‌بخشد.

بعضی خانواده‌ها **کم جمعیت** است و فقط از پدر و مادر و فرزندان

تشکیل می‌شود. اما در بسیاری از خانواده‌ها، علاوه بر پدر و مادر و فرزندان، پدربزرگ و مادربزرگ نیز هستند و همه با هم زندگی می‌کنند. در خانواده، بزرگترها نسبت به کوچکترها علاقهٔ زیادی دارند و آنها را در کارها **راهنمایی** می‌کنند. کوچکترها نیز به بزرگترها **احترام** می‌گذارند و به آنها کمک می‌کنند.

**پدر و مادر** برای فرزند خوراک و پوشاک و مسکن، آماده می‌سازند و از سلامت او مواظبت می‌کنند و به هنگام بیماری به درمان او می‌کوشند. پدر و مادر، فرزندان را **تربیت** می‌کنند تا در آینده، **درستکار** و **وظیفه‌شناس** باشند. فرزندان، در محیط خانواده با **دین** و **وظایف دینی** آشنا می‌شوند و با احترام به پدر و مادر، تربیت صحیح و اخلاق پسندیده را از آنان فرا می‌گیرند. وقتی بچه‌ها به سن مدرسه می‌رسند پدر و مادر آنها را برای تحصیل به مدرسه می‌فرستند.

در دین **اسلام** به خانواده اهمیت زیادی داده شده است و اعضای خانواده نسبت به یکدیگر وظایفی دارند که باید انجام دهند. همچنین در اسلام سفارش شده که مردم و بخصوص خانواده‌هایی که با هم **خویشاوند** هستند با یکدیگر **رفت و آمد** داشته باشند و از احوال هم باخبر شوند.

کودکانی که در خانواده از محبت و تربیت و اخلاق خوب بهره‌مند شوند، هم برای خود و هم برای جامعه، افرادی مفید و وظیفه‌شناس خواهند بود.



پرسشها:

- ۱ - اولین و کوچکترین جامعه‌ای که هر کس در آن زندگی می‌کند چه نام دارد؟
- ۲ - بنیاد خانواده چگونه محکم‌تر می‌شود؟
- ۳ - روابط بزرگترها و کوچکترها، در خانواده چگونه است؟
- ۴ - پدر و مادر چه وظایفی نسبت به فرزندان خود دارند؟
- ۵ - فرزندان در محیط خانواده چه چیزهایی یاد می‌گیرند؟
- ۶ - دین اسلام در باره خویشاوندان چه سفارشهایی دارد؟



تکلیف شب:

- ۱ - خانواده شما چند نفر است و از چه کسانی تشکیل می‌شود؟
- ۲ - چرا باید به دیدار خویشاوندان خود برویم؟



## زندگی خانوادگی

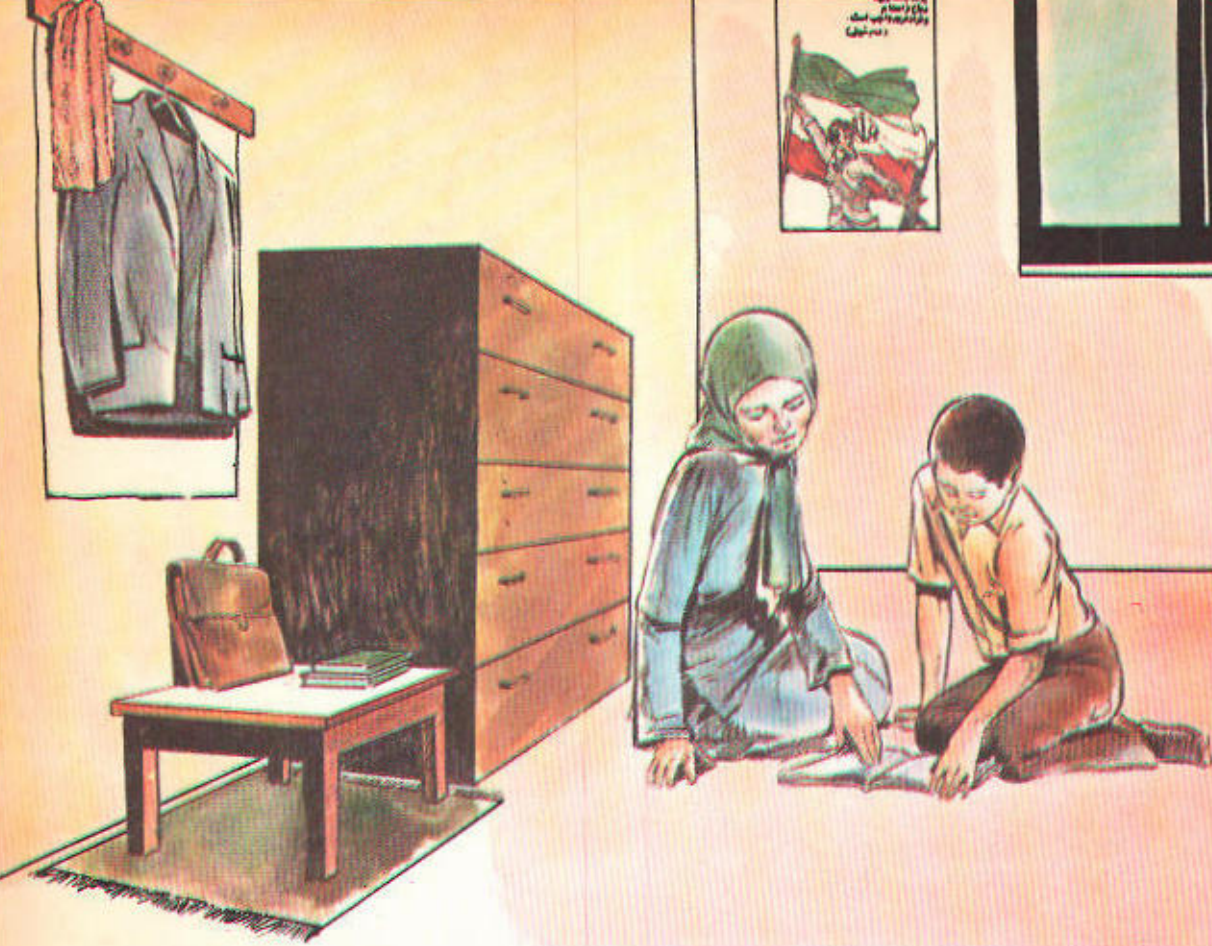
خانواده یک **جامعه کوچک** است که در آن هر کس وظیفه‌ای و هر چیز جایی و هر کار وقتی دارد. معمولاً **پدر** بیرون از خانه کار می‌کند و از دسترنج خود برای همسر و فرزندان، خوراک و لباس و سایر وسایل زندگی تهیه می‌کند. **مادر** نیز معمولاً **مدیر** داخل خانه است. او غذا می‌پزد و خانه را پاکیزه نگاه می‌دارد و بچه‌ها را پرورش می‌دهد و تربیت می‌نماید و آنها را در انجام تکالیف مدرسه راهنمایی می‌کند.

فرزندان نیز خود را برای آینده آماده می‌سازند، یعنی درس

می خوانند و **هنر و صنعت** می آموزند و به پدر و مادر و همسایگان و مردم **کمک** می کنند. همان طور که در زمان انقلاب و در زمان جنگ نیز بسیاری از بچه ها در توزیع چیزهایی مثل نفت و خواربار به مردم محله خود کمک می کردند.

گفتیم در خانه هر چیز، **جایی** دارد. در خانه هایی که بیش از یک اتاق هست، محل خواب پدر و مادر از بچه ها جداست. لباس و کفش و کیف بچه ها نیز جای معینی دارد. در خانه هایی که گاو و گوسفند و مرغ و خروس نگهداری می کنند نیز، در اطراف حیاط خانه، جای مخصوصی برای آنها در نظر می گیرند. اگر در خانه، هر چیز را در **جای مخصوصی** قرار دهیم، وقتی به آن احتیاج داشته باشیم زودتر می توانیم آن را پیدا کنیم. هر کاری **وقتی** دارد. شبها برای استراحت و روزها برای کار است. درس خواندن، ورزش و تفریح، خوابیدن، از خواب برخاستن، نماز خواندن، هر کدام در وقت مخصوصی انجام می شود. از شنبه تا پنجشنبه روزهای کار است، اما جمعه روز نظافت و شرکت در **نماز جمعه** و دیدار با آشنایان است. ما باید در زندگی نظم و ترتیب داشته باشیم، یعنی باید هر کدام به وظیفه خود عمل کنیم و هر چیزی را در جای معینی بگذاریم و هر کار را در وقت مخصوص آن انجام دهیم.

در بعضی خانواده ها، زنان نیز در بیرون از خانه کار می کنند. در روستاها، زنان در کشاورزی و قالی بافی و دوشیدن شیر گاو و گوسفندان، به شوهران خود کمک می کنند. در شهرها نیز بعضی از زنان در مدارس و



بیمارستانها و یا در بعضی از کارخانه‌ها و ادارات کار می‌کنند. در جامعه اسلامی، همه باید کار کنند و وظیفه خود را نسبت به دیگران انجام دهند. هر مسلمان، چه زن و چه مرد، هر روز صبح که می‌خواهد فعالیت روزانه خود را آغاز کند، باید در اندیشه حل مشکلات مردم باشد. در بعضی جامعه‌ها، زنان، بدون آن که احتیاج داشته باشند، فقط برای کسب درآمد و داشتن پول بیشتر، در خارج از خانه کار می‌کنند. اما **زن مسلمان**، چه در خانه و چه در بیرون از خانه کار می‌کند تا به مردم کمک کند و وظیفه خود را نسبت به جامعه انجام دهد.



- ۱ - معمولا وظیفه پدر در خانواده چیست؟
- ۲ - معمولا مادر در خانواده، چه وظیفه‌ای دارد؟
- ۳ - فرزندان چه وظایفی دارند؟
- ۴ - چرا باید هرچیز را در سر جای خود قرار دهیم؟
- ۵ - در زمان انقلاب بچه‌ها چه کارهایی را برای کمک به دیگران انجام می‌دادند؟
- ۶ - روز جمعه مخصوص چه کارهایی است؟
- ۷ - معنی نظم و ترتیب چیست؟
- ۸ - معمولا زنان روستایی علاوه بر کارهای خانه چه کارهایی انجام می‌دهند؟
- ۹ - هر مسلمان، هر روز صبح که می‌خواهد کار روزانه را شروع کند در فکر چه چیزی باید باشد؟



- ۱ - وظیفه تک‌تک افراد خانواده خود را بنویسید.
- ۲ - کارهای زیر را در منزل در چه وقت انجام می‌دهید:  
درس خواندن، ورزش و تفریح، خوابیدن، از خواب برخاستن و نماز خواندن.
- ۳ - جای کیف و کفش و لباس خود را در خانه بنویسید.



## مدرسه

مدرسه نیز یک جامعه کوچک و خانه دوم بچه‌هاست. کودکان، نخست در محیط خانواده و سپس در مدرسه با دیگران آشنا می‌شوند و زندگی اجتماعی را آغاز می‌کنند.

مدرسه، محل تعلیم و تربیت است. بچه‌ها به مدرسه می‌روند تا به کمک معلم درس بخوانند، جهان و مردم جهان را بشناسند و دانش و هنر و رفتارهای خوب را بیاموزند.

در مدرسه، هرکس کاری انجام می‌دهد. دانش‌آموز درس می‌خواند. معلم، دانش‌آموزان را تربیت می‌کند و به آنها درس می‌دهد. مدیر مدرسه، برنامه کار آموزگاران را تنظیم می‌کند. ناظم و کارمندان دفتری مدیر را کمک می‌کنند تا کارهای مدرسه بهتر انجام شود. مستخدم مدرسه نیز با همکاری دانش‌آموزان و معلمان، مدرسه را پاکیزه نگاه می‌دارد.

وظیفه معلم بسیار سنگین است. کار معلمان مانند کار پیامبران است. همان‌طور که پیامبر، جامعه بزرگ انسانها را تربیت می‌کند، معلم نیز





دانش‌آموزان را تربیت می‌کند.

فرزندان امانتهایی هستند که خداوند آنها را به پدران و مادران سپرده است. پدران و مادران وظیفه دارند از این امانتها در خانواده به خوبی نگاهداری کنند، آنها را در مدرسه به دست معلمان شایسته بسپارند. پس می‌توان گفت که دانش‌آموزان **امانتهایی الهی** هستند که به دست پدران و مادران و معلمان سپرده شده‌اند و همه آنها باید در حفظ و تربیت این امانت کوشش کنند.

در مدرسه، **دانش‌آموزان** با هم دوست می‌شوند و در کنار یکدیگر درس می‌خوانند. دانش‌آموزان، معلمان خود را دوست دارند و به آنان احترام

می‌گذارند و از راهنماییهای آنان استفاده می‌کنند.

همان‌طور که بچه‌ها در خانه با افراد خانواده همکاری می‌کنند، در مدرسه نیز با یکدیگر همکاری دارند. هر دانش‌آموز با همکلاسان خود درس می‌خواند و با آنها ورزش و تفریح می‌کند. اگر در مدرسه، مشکلی پیش آید، همه دانش‌آموزان با مدیر و آموزگاران همفکری و همکاری می‌کنند. همه دانش‌آموزان می‌کوشند تا خوب درس بخوانند و در محیط مدرسه با یکدیگر محبت و برادری داشته باشند و خود را برای وظایفی که در آینده برعهده خواهند داشت آماده سازند.

دانش‌آموزان امروز، زنان و مردان فردای جامعه ما هستند و تاریخ آینده را با ایمان و دانش و کوشش خود می‌سازند. دانش‌آموزان در حقیقت، آینده‌سازان هستند.

پرسشها:



- ۱ - دو مین جامعه‌ای که کودکان در آن زندگی می‌کنند چه نام دارد؟
- ۲ - چه کارهایی در مدرسه انجام می‌گیرد؟
- ۳ - چرا کار معلمان شبیه کار پیامبران است؟
- ۴ - همکاری در محیط مدرسه چگونه به وجود می‌آید؟
- ۵ - اگر مشکلی در مدرسه پیش آید چه کاری باید انجام داد؟

۶ - چه رابطه‌ای میان دانش‌آموزان و معلمان در محیط مدرسه وجود دارد؟

۷ - تاریخ آینده جامعه را چه کسانی و چگونه می‌سازند؟

### تکلیف شب:



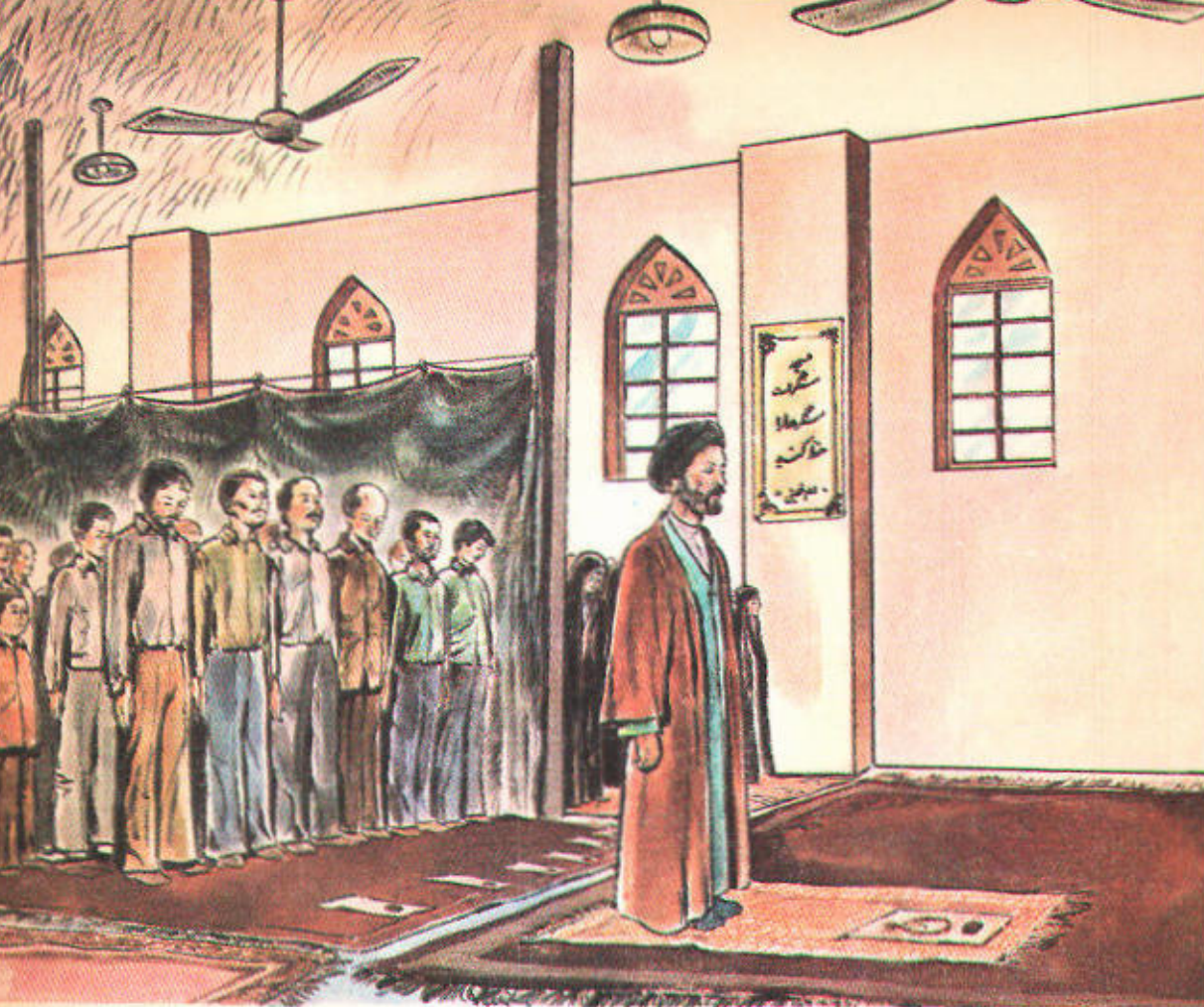
۱ - اسامی زیر را در دفترتان نوشته و کار هر کدام را در مقابلشان بنویسید:

پیامبر - معلم - مدیر - ناظم - مستخدم - دانش‌آموز

۲ - چگونه می‌توانیم برای پاکیزه نگاهداشتن مدرسه به مستخدم کمک کنیم؟

۳ - در مدرسه شما چه مشکلی وجود دارد که اگر دانش‌آموزان با هم همفکری و همکاری کنند حل می‌شود؟

۴ - مدرسه شما چند کلاس، چند دانش‌آموز و چند معلم دارد؟



### مسجد

یکی دیگر از محله‌های اجتماع مردم، **مسجد** است. تقریباً در همه روستاها و در همه محله‌های شهرها مسجد وجود دارد.

مردم برای برپاداشتن **نماز** به مسجد می‌روند و همه پشت سر امام جماعت در صفهای **منظم**، رو به قبله می‌ایستند. امام جماعت جلوتر از همه در **محراب** قرار می‌گیرد.

مردم در مسجد، با **یاد خدا**، دل‌های خود را روشن و اخلاق خود را

پاکیزه می‌کنند و با گوش دادن به وعظ و سخنرانی با اصول دین و احکام اسلام آشنا می‌شوند. علاوه بر این، مردم در مسجد با یکدیگر نیز آشنا می‌شوند و از حال هم خبر می‌گیرند و برای حل مشکلات محلّه و روستای خود با هم مشورت می‌کنند و سخن یکدیگر را در مسائل سیاسی کشور می‌شنوند. در بیشتر مسجدها، کتابخانه نیز وجود دارد. مردم در کتابخانه مسجد مطالعه می‌کنند یا از آنجا کتاب به امانت می‌گیرند.

زنان و مردان در قسمت بسیج مسجد ثبت‌نام می‌کنند تا آموزش نظامی ببینند و همیشه برای دفاع از انقلاب اسلامی آماده باشند. گاهی نیز در روزهای تعطیل، صبح زود، همه در مسجد جمع می‌شوند و برای جهاد سازندگی به روستاها می‌روند. در بعضی مسجدها، بزرگسالان در کلاس سوادآموزی شرکت می‌کنند.

مسجد، مدرسه‌ای است که همه مردم، از زن و مرد و پیر و جوان در آن جمع می‌شوند و خدا را یاد می‌کنند و برای بهتر ساختن زندگی اجتماعی خود با هم همکاری و همفکری می‌کنند.

مسجد نمونه کوچکی از یک جامعه اسلامی است که در آن هم خداپرستی و هم محبت و همکاری و هم نظم و اطاعت از رهبری و هم کار و آموزش وجود دارد.

پرسشها:



- ۱ - مردم در مسجد چگونه نماز جماعت می‌خوانند؟
- ۲ - مردم در مسجد برای حل مشکلات محله و روستای خود چه می‌کنند؟
- ۳ - چرا مردم در مسجد برای آموزش نظامی ثبت‌نام می‌کنند؟
- ۴ - چرا مسجد نمونه کوچکی از یک جامعه اسلامی است؟

تکلیف شب:



- ۱ - مسجد محله خود را نام ببرید و بنویسید چه فعالیت‌هایی در آن انجام می‌شود.
- ۲ - درباره «جهاد سازندگی» هر چه می‌دانید بنویسید.
- ۳ - به نظر شما چه شباهتهایی میان مسجد و مدرسه وجود دارد؟



## زندگی ایلی و زندگی روستایی

بسیاری از مردم کشور ما به **دامداری** و **کشاورزی** مشغولند. دامداران با پرورش گاو و گوسفند، گوشت و لبنیات و پشم و پوست **تولید** می‌کنند. بسیاری از دامداران برای یافتن **چراگاه**، در زمستانها به **مناطق گرمسیر** و در تابستانها به **مناطق سردسیر** کوچ می‌کنند. این مردم برای آن که بتوانند آسانتر کوچ کنند، زندگی ساده‌ای دارند و در چادر به سر می‌برند و زندگی **چادرنشینی** دارند.

در زندگی چادرنشینی، خانواده‌هایی که چادرهای خود را در کنار هم





برپا می‌دارند و با هم کوچ می‌کنند، یک **ایل** را تشکیل می‌دهند. به افراد ایل که در دشتها و صحراها زندگی می‌کنند، **عشایر** نیز می‌گویند. عشایر مردمی پاکدل و دلاورند. آنان نه تنها با دامداری در تهیهٔ غذای مردم جامعه کمک می‌کنند، بلکه با شرکت در **بسیج عشایری** از مرزهای کشور در برابر حملهٔ دشمن، **دفاع** می‌کنند.

کشاورزان نیز با کشت و کار در زمین، برای مردم **غذا** فراهم می‌کنند. کشاورزان که محصولات کشاورزی را از **زمین** به دست می‌آورند، در نزدیکی **مزرعه‌های** خود خانه می‌سازند و با هم در یک **روستا** یا **ده** زندگی می‌کنند.



در روستا چون جمعیت زیاد نیست، همهٔ مردم یکدیگر را می‌شناسند و با هم همبستگی و همکاری دارند. بعضی از کشاورزان، علاوه بر کشاورزی، دامداری نیز می‌کنند.

کشاورزان که برای مردم، گندم و برنج و سیب‌زمینی و چغندر و سبزی و میوه و محصولات دیگر تولید می‌کنند در جامعه اهمیت و احترام بسیار دارند. آنان برای پیروزی انقلاب اسلامی و حفظ آن کوشش بسیار کرده‌اند. کشاورزان و دامداران سرمایه‌های باارزش جامعه هستند.



### پرسشها:

- ۱ - دامداران چه چیزهایی تولید می‌کنند؟
- ۲ - محصولات غذایی به وسیلهٔ چه کسانی فراهم می‌شود؟
- ۳ - چادرنشینها چرا کوچ می‌کنند؟
- ۴ - ایل به چه جامعه‌ای گفته می‌شود؟
- ۵ - اگر دشمن به ایران حمله کند، عشایر چه می‌کنند؟
- ۶ - چرا دامداران و کشاورزان در جامعه اهمیت دارند؟
- ۷ - چرا مردم در روستا همه، یکدیگر را می‌شناسند؟



### تکلیف شب:

- ۱ - به تصویر زندگی ایلی نگاه کنید و بنویسید که هر یک از کسانی که در این تصویر می‌بینید، چه می‌کنند.
- ۲ - فرق زندگی ایلی و زندگی روستایی را بنویسید.
- ۳ - آیا در محلی که شما در آن زندگی می‌کنید مردم یکدیگر را می‌شناسند؟ چرا؟
- ۴ - اگر در روستا زندگی می‌کنید سه محصول کشاورزی را که در روستای شما تولید می‌شود، نام ببرید.



## زندگی شهری

همان‌طور که کشاورزان در کنار مزرعه‌ها در روستا زندگی می‌کنند و دامداران در دشت و صحرا زندگی ایلی و چادرنشینی دارند، **کارگران** کارخانه‌ها و **کارگاهها** و **مغازه‌داران** و **کارمندان** هم در **شهرها** زندگی می‌کنند.

**جمعیت** شهر بیشتر از روستاست و هر شهر به چندین **محله** تقسیم

می‌شود. چون جمعیت شهر و **وسعت** آن زیاد است، بسیاری از مردمی که در یک شهر زندگی می‌کنند و با هم **همشهری** هستند، یکدیگر را نمی‌شناسند. روستاییان با محصولات کشاورزی خود، غذای مردم شهرها و **مواد خام** بعضی از کارخانه‌ها را فراهم می‌سازند و شهرنشینان نیز با کار در کارگاههای صنعتی، **کالاهای** مورد نیاز روستاییان را تولید می‌کنند. روستاییان محصولات خود را برای **فروش** به شهر می‌برند و در آنجا کالاهای لازم را که در ده تولید نمی‌شود **می‌خرند**.

در روستا مغازه کم و در شهر فراوان است. معمولا در شهرها محلّ کار افراد **هم‌شغل**، نزدیک به هم و در یک **خیابان** یا یک **بازار** است. به همین سبب در بعضی جاها بازار بزازها، بازار مسگرها و بازار کفّاشها و... وجود دارد. معمولا **دروازه شهرها**، محلّ فروشندگان لوازم اتومبیل و تعمیرکاران ماشینهاست و **مرکز شهر**، محلّ **ادارات** و **فروشگاهها** و بیمارستانها و **مؤسسات** بزرگ است.



در شهرها چون فاصله خانه تا محل کار زیاد است، مردم برای رفت و آمد از وسایلی مانند دوچرخه و اتومبیل استفاده می کنند. زندگی در شهرهای بزرگ، مشکلات زیادی دارد. دود اتومبیلها و کارخانه ها، هوای شهرها را آلوده می سازد و سروصدای اتومبیلها آرامش محیط را برهم می زند. حفظ پاکیزگی شهر نیز از روستا دشوارتر است.

پیش از انقلاب، بیشتر روستاهای ایران از وسایل و امکانات ساده زندگی محروم بودند. در بسیاری از روستاها، جاده و مدرسه و درمانگاه وجود نداشت و درآمد روستاییان نیز کم بود. به همین سبب، مردم از روستاها به شهرها مهاجرت می کردند. بسیاری از مشکلات امروز جامعه ما در اثر بزرگ شدن بیش از اندازه شهرها و خالی شدن روستاهاست.

در اثر مهاجرت روستاییان به شهر، تولید کشاورزی کم و جمعیت شهرها زیاد می شود. هر چه جمعیت شهرها زیادتر شود فاصله خانه تا محل کار بیشتر می شود و مردم ناچار از اتومبیل بیشتر استفاده می کنند.

در یک جامعه سالم، کوشش می شود تا روستاها آباد باشد و روستاییان از کشاورزی و دامداری و صنایع دستی روی برنگردانند و به شهرها هجوم نیاورند. در چنین جامعه ای، مردم شهر نیز پاکیزگی و آرامش را حفظ می کنند. در این جامعه، مردم، چه در شهر و چه در روستا، با اتحاد و کوشش، نیازهای یکدیگر را تأمین می کنند و با همکاری و همبستگی، میهن خود را آزاد نگاه می دارند و آباد می سازند.



### پرسشها:

- ۱ - چه کسانی در شهرها زندگی می‌کنند؟
- ۲ - جمعیت شهر بیشتر است یا روستا؟
- ۳ - روستاییان در شهر چه چیزهایی می‌خرند و چه چیزهایی می‌فروشند؟
- ۴ - در یک جامعه سالم روستاها چگونه باید باشد؟
- ۵ - برای آزادی و آبادانی میهن چه کار باید کرد؟
- ۶ - در شهر مردم برای رسیدن به محل کار خود از چه وسایلی استفاده می‌کنند؟
- ۷ - چرا زندگی در شهرهای بزرگ مشکلات زیادی دارد؟
- ۸ - مهاجرت روستاییان به شهر چه زیانهایی برای شهر و روستا دارد؟



### تکلیف شب:

- ۱ - فرق زندگی روستایی با زندگی شهری چیست؟
- ۲ - در شهر شما، کدام مغازه‌ها، در کدام خیابان بیشتر است؟
- ۳ - جمعیت روستا یا شهری که در آن زندگی می‌کنید چقدر است؟
- ۴ - اگر در شهر زندگی می‌کنید سه کالای صنعتی را که در شهر شما تولید می‌شود، نام ببرید.



## کشور ایران

از مجموع چند شهر کوچک و بزرگ و روستاهای نزدیک به آنها یک **استان** تشکیل می‌شود. مردم یک استان، معمولاً محصولات کشاورزی و کالاهای صنعتی همانندی تولید می‌کنند و خصوصیات اجتماعی و آداب و رسوم **مشترکی** دارند.

مردم استانهای ایران با آن که از نظر فعالیتهای اقتصادی و کشاورزی و بعضی آداب و رسوم اجتماعی باهم فرق دارند، همه با **همبستگی** و **همکاری**



در کنار هم، مانند افراد یک خانواده، در یک خانه زندگی می‌کنند. نام این خانه بزرگ، **کشور ایران** و نام این خانواده بزرگ **ملت ایران** است. مردم ایران **سرگذشت مشترکی** دارند. این مردم، قرنهای بسیار در کنار هم از ستم شاهان و زورگویان رنج برده‌اند و **با هم** در برابر آنها به پا خاسته‌اند و از دین و آیین و سرزمین خود **دفاع** کرده‌اند. این مردم، در غمها و شادیهای یکدیگر شریک بوده و امیدها و آرزوهای مشترکی داشته‌اند.

**انقلاب اسلامی ایران**، نشانه **وحدت** ملت ایران برای رهایی از رنجهای گذشته و رسیدن به **هدفهای مشترک** است. این ملت از روستایی و شهری و ترک و ترکمن و کرد و لر و بلوچ و فارس و عرب، می‌خواهند با اعتقاد به **خداوند**، در ایران یک **زندگی اسلامی و انسانی** داشته باشند. **ملت ایران دارای قانون اساسی مشترک، پرچم مشترک، سرود ملی مشترک و تقویم مشترک هستند.**

**سال ایرانی** از روز اول فروردین که آن را **نوروز** می‌نامند آغاز می‌شود و در آخرین روز اسفند به پایان می‌رسد. **زبان و خط رسمی** ملت ایران، **زبان و خط فارسی** است و اکثر قریب به اتفاق مردم ایران **مسلمانند**. امروزه همه **ملت ایران**، دست به دست هم داده و با هم **متحد** شده‌اند تا از انقلاب اسلامی ایران و میهن عزیز خویش دفاع کنند و می‌کوشند تا با تولید محصولات گوناگون صنعتی و کشاورزی، احتیاجات کشور خود را برآورده سازند.



پرسشها:

- ۱ - استان یعنی چه؟
- ۲ - انقلاب اسلامی ایران نشانه چیست؟
- ۳ - ملت ایران دارای چه چیزهای مشترکی است؟
- ۴ - زبان و خط رسمی ملت ایران چیست؟
- ۵ - ملت ایران برای انجام چه کاری با هم متحد شده اند؟



تکلیف شب:

- ۱ - شما در کدام استان زندگی می کنید، نام استان و نام شهر خود را بنویسید.
- ۲ - نقشه ایران را در دفتر خود بکشید و استانی را که در آن زندگی می کنید، رنگ کنید.
- ۳ - به نظر شما اگر مردم ایران با هم متحد نباشند چه می شود؟

## حکومت

همان‌طور که برای ادارهٔ مدرسه به مدیر و ناظم نیازمندیم، برای ادارهٔ کشور نیز به حکومت احتیاج داریم.

مردم یک کشور نیازمند بهداشت و آموزش و پرورش و راه و آب و برق و صنعت و قانون و امنیت و عدالت و بسیاری چیزهای دیگر هستند. برای رفع این نیازها در هر کشور، سازمانهایی وجود دارد که عده‌ای از خود مردم، در آنها مشغول به کارند. حکومت، از مجموعهٔ سازمانهایی که کشور را اداره می‌کنند، تشکیل می‌شود.

در کشور ما حکومت، هم به مردم خدمت می‌کند و هم در برابر سایر کشورها، نمایندهٔ مردم است و منافع ملت را حفظ می‌کند. این حکومت با توجه به نیازهای مشترک مردم، کشور را اداره می‌کند و وظایف خود را نسبت به آنها انجام می‌دهد. مردم نیز حکومت را از خود جدا نمی‌دانند و برای ادارهٔ کشور با آن همکاری می‌کنند.



روش ادارهٔ هر کشور در قانون اساسی آن کشور بیان می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که نتیجهٔ انقلاب اسلامی مردم میهن ماست، نوع حکومت ایران و وظایف حکومت

و مردم را نسبت به یکدیگر معین کرده است.

در کشور ما سازمانهای حکومتی به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ که هر دسته را یک قوه می‌نامند و به مجموع آنها **قوای سه‌گانه** می‌گویند. **قوه قانونگذاری**، قانونهای کشور را معین می‌کند و **قوه مجریه** که به آن **دولت** نیز گفته می‌شود، آن قانونها را اجرا می‌کند؛ و **قوه قضائیه** برای برقراری عدالت کوشش می‌کند و از **قانون شکنی** جلوگیری می‌کند. در درس آینده با قوای سه‌گانه بیشتر آشنا خواهیم شد.

پرسشها:



- ۱ - چرا در کشور به حکومت احتیاج داریم؟
- ۲ - وظایف حکومت در برابر مردم و وظایف مردم نسبت به آن در کجا معین شده است؟
- ۳ - قوای سه‌گانه حکومت جمهوری اسلامی ایران را نام ببرید.
- ۴ - چرا امروزه مردم خود را از حکومت جدا نمی‌دانند؟

تکلیف شب:



- ۱ - دو نمونه از همکاریهای مردم را با حکومت بنویسید.
- ۲ - علامت جمهوری اسلامی را در دفتر خود نقاشی کنید.

## کشور ما چگونه اداره می‌شود؟

اکنون که معنی حکومت را فهمیده‌ایم، می‌خواهیم بدانیم کشور جمهوری اسلامی ایران، چگونه اداره می‌شود.

### قوة مجریه

گفتیم که مجموعه سازمانهایی که قانونهای کشور را اجرا می‌کنند، دولت یا قوة مجریه نام دارد. به مجموعه چند سازمان دولتی که دارای یک وظیفه باشند **وزارتخانه** می‌گویند و کسی را که مسئول اداره آن است، **وزیر** می‌نامند. تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان وظیفه وزارت **آموزش و پرورش** است. بهداشت و درمان مردم بر عهده وزارت **بهداشت، درمان و آموزش پزشکی** است. ساختن و نگاهداری راهها و برقراری رفت و آمد میان نقاط مختلف کشور، وظیفه وزارت **راه** است.

مردم برای تأمین **مخارج** کشور به دولت پولی می‌پردازند که **مالیات** نام دارد. کسانی که درآمد بیشتری دارند باید مالیات بیشتری بپردازند. مالیات را وزارت **دارایی** جمع‌آوری می‌کند.

حفظ نظم در شهرها، وظیفه **شهرداری** و در خارج از شهرها، وظیفه **ژاندارمری** است. آباد نگاهداشتن شهرها و حفظ پاکیزگی آنها وظیفه **شهرداری** است. این سازمانها، زیر نظر وزارت **کشور**ند. رابطه کشور ایران را با کشورهای دیگر، وزارت **امور خارجه** تنظیم می‌کند. وزیران، وظیفه خود را زیر نظر **رئیس جمهور** انجام می‌دهند.

## قوة قانونگذاری

قانونهای کشور، در مجلس شورای اسلامی، به وسیله نمایندگان مردم، وضع می‌شود. همه مردم و سازمانهای دولتی باید مطابق قانون عمل کنند. مجلس شورای اسلامی را **قوة مقننه**، یعنی قوة قانونگذاری می‌نامند. تعداد نمایندگان مجلس ۲۷۰ نفر است.



## قوه قضائیه

اگر کسی قانون شکنی کند و یا به کس دیگری **ظلم** کند، از او به **دادگستری** شکایت می کنند. دادگستری به شکایتهای رسیدگی کرده و اختلاف بین مردم را رفع می کند. دادگستری یا قوه قضائیه زیر نظر **رئیس قوه قضائیه** اداره می شود.



## رئیس جمهور

**رئیس جمهور**، رئیس قوه مجریه است. رئیس جمهور و نمایندگان مجلس با **رای اکثریت** مردم انتخاب می‌شوند. هر ایرانی که به سن **۱۶ سالگی** رسیده باشد می‌تواند برای دادن رأی خود، در **انتخابات** شرکت کند.

## رهبری

**رهبری** کشور ما که یک کشور اسلامی است بر عهده **فقیه عالم و عادل** است که بر قوای سه‌گانه و رئیس **جمهور نظارت** دارد. رهبر، فرمانده کل نیروهای مسلح نیز هست.

نیروهای مسلح، یعنی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج، همه با هم از انقلاب و میهن اسلامی دفاع می‌کنند.

## مرکز کشور

تهران، **مرکز** کشور ایران است. محل کار رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در تهران قرار دارد. محل مجلس شورای اسلامی و **سفارتخانه‌های** کشورهای خارجی نیز در تهران است.

پرسشها:



- ۱ — وظیفه دولت یا قوه مجریه چیست؟
- ۲ — تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان به عهده کدام وزارت است؟

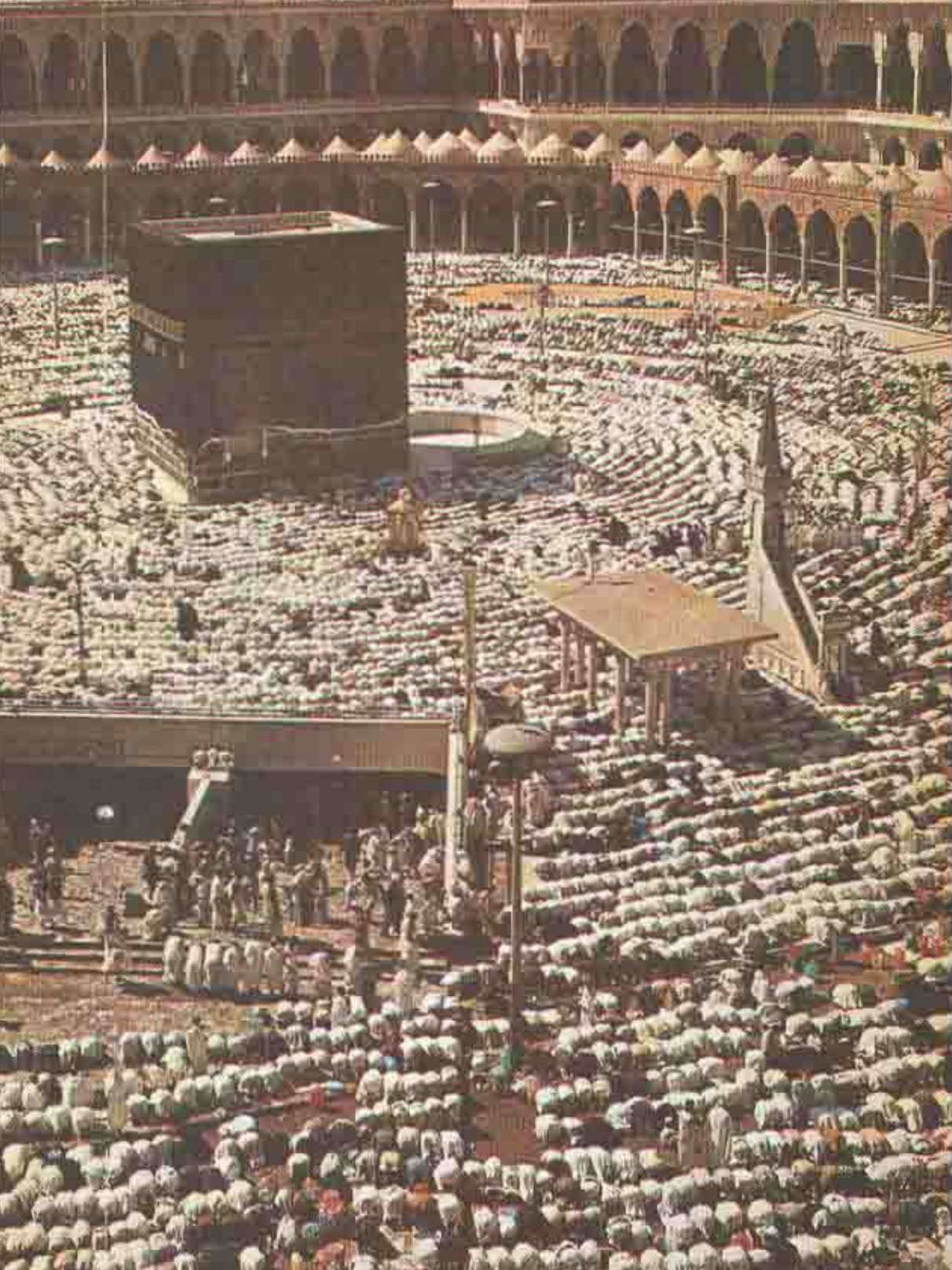


- ۳ - دولت با مالیاتی که از مردم می‌گیرد چه می‌کند؟
- ۴ - رابطه کشور ما با سایر کشورها را کدام وزارت تنظیم می‌کند؟
- ۵ - وظیفه قوه مقننه چیست؟
- ۶ - چه کسی می‌تواند رهبر کشور اسلامی شود؟
- ۷ - قانونهای کشور را چه کسانی و در کجا وضع می‌کنند؟
- ۸ - رئیس‌جمهور چه مسئولیتی برعهده دارد؟
- ۹ - نمایندگان مجلس چگونه انتخاب می‌شوند؟
- ۱۰ - مردم ایران در چه سنتی می‌توانند در انتخابات شرکت کنند؟
- ۱۱ - مرکز ایران کجاست؟
- ۱۲ - وظیفه قوه قضائیه چیست؟
- ۱۳ - اگر در شهر زندگی می‌کنید، حفظ نظم در محیط شما برعهده کدام سازمان است؟
- ۱۴ - چرا باید کسانی که درآمد بیشتری دارند، مالیات بیشتری بپردازند؟
- ۱۵ - اگر در روستا زندگی می‌کنید، حفظ نظم در محیط شما برعهده کدام سازمان است؟

تکلیف شب:



در خانواده شما چند نفر می‌توانند در انتخابات شرکت کنند؟



## امّت اسلامی

تاکنون از خانواده و مدرسه و مسجد و روستا و محله و شهر و استان و کشور، سخن گفته‌ایم. اکنون وقت آن است که با یک جامعه بزرگتر جهانی آشنا شویم. این جامعه بزرگ «امّت اسلامی» نام دارد.

ما مسلمانیم و دین ما اسلام است. هر مسلمان در هر جای دنیا که باشد با مسلمانان دیگر، هم عقیده و هم هدف است. امّت اسلامی، جامعه‌ای است که از مجموع مسلمانان جهان تشکیل می‌شود. جمعیت مسلمانان جهان نزدیک به هزار میلیون نفر است.

همه مسلمانان جهان، چه سفیدپوست و چه سیاه‌پوست، چه ایرانی و چه ترک و عرب و آفریقایی و آسیایی و حتی مسلمانان اروپا و آمریکا و شوروی، جزء امّت اسلامی هستند و همه باهم برادر و برابرنند



مسلمانان، همه به خدای واحد یعنی به **الله** اعتقاد دارند و پیامبر آنان **حضرت محمد** (ص) و کتاب آسمانشان، **قرآن** است و همه روبه یک **قبله**، نماز می خوانند. مسلمانان جهان که خدا و پیامبر و کتاب آسمانی و قبله آنها یکی است، می خواهند باهم متحد باشند اما دشمنان از **اتحاد** آنها می ترسند و همیشه سعی می کنند میان آنها اختلاف ایجاد کنند. اگر مسلمانان جهان باهم متحد باشند هیچ قدرتی نمی تواند بر آنها مسلط شود اما اگر باهم اختلاف داشته باشند قدرتهای **استعمارگر** سرنوشت آنها را به دست خواهند گرفت و حکومتهای فاسد را بر کشورهای اسلامی حاکم خواهند کرد. حکومتهای فاسد سعی می کنند مردم هر منطقه از کشورهای اسلامی را به بهانه تفاوت در رنگ پوست و زبان و نژاد از سایر مسلمانان جدا کنند. ما باید هوشیار باشیم و فقط به مسلمان بودن خود افتخار کنیم و زبان و نژاد خود را دلیل برتری خود بر دیگران ندانیم. ما **مردم مسلمان ایران** که جزء امت اسلامی هستیم می کوشیم تا **پیوند** خود را با سایر مسلمانان جهان محکم تر کنیم و همیشه این سخن ارزشمند پیامبر گرامی خود را به یاد داشته باشیم که:

«هرگاه مظلومی بانگ برآورد که «ای مسلمانان به فریادم برسید»  
و مسلمانی این فریاد **دادخواهی** را بشنود و به او کمک نکند  
مسلمان نیست.»



### پرسشها:

- ۱ - چه کسانی افراد جامعهٔ اُمّت اسلامی هستند؟
- ۲ - مسلمانان جهان چند نفرند؟
- ۳ - افراد جامعهٔ اُمّت اسلامی چه رابطه‌ای باهم دارند؟
- ۴ - چرا مسلمانان جهان می‌توانند باهم متحد باشند؟
- ۵ - آیا مسلمانان کشورهای غیر اسلامی جزء اُمّت اسلامی هستند؟
- ۶ - ما که به عنوان ملت مسلمان ایران جزء اُمّت اسلامی هستیم چه وظیفه‌ای داریم؟



### تکلیف شب:

- ۱ - چهار چیز مشترک میان همهٔ مسلمانان جهان را نام ببرید.
- ۲ - به نظر شما، چرا برای درس اُمّت اسلامی، عکس مراسم حج در کعبه انتخاب شده است؟

## کشورهای جهان

ایران، یکی از کشورهای جهان است. در جهان، کشورهای متعددی وجود دارد، بعضی از آنها با ما همسایه هستند.

میان کشور ما و کشورهای همسایه، مرز وجود دارد. گاهی، مرز میان دو کشور، یک رودخانه و یا یک دریاست. اگر مرز دو کشور، یک مرز طبیعی، مانند رودخانه و دریا نباشد، مرز را با علامتهایی مشخص می‌کنند.

کشورهای پاکستان و افغانستان و شوروی و ترکیه و عراق، همسایگان ما هستند، هر یک از این کشورها نیز با کشورهای دیگری همسایه هستند. مثلاً یکی از همسایگان پاکستان، هند و یکی از همسایگان عراق، سوریه است.

مردم کشورهای جهان به کشورهای دیگر سفر می‌کنند و کشورها باهم داد و ستد دارند. هر کشور، کالاهایی به کشورهای دیگر می‌فروشد و کالاهایی از آنها می‌خرد.

ملت‌های جهان دوست دارند باهم





همبستگی داشته باشند. ما ملت ایران نیز با آن که به امت اسلامی تعلق داریم، کشوری از کشورهای جهان هستیم. اسلام به ما آموخته است که با مردم کشورهای جهان دشمنی نداشته باشیم.

**سازمان ملل متحد، یک سازمان جهانی است که برای ایجاد وحدت میان**

شهادت محمدعلی رجائی، در سازمان ملل با نشان دادن آثار شکنجه‌هایی که پس از چندین سال هنوز بر پیرای او باقی بود، ندای مظلومیت ملت مسلمان ایران را به گوش جهانیان رساند.



نمایندگان ملت مسلمان ایران با صفا و سادگی اسلامی به جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد وارد می‌شوند.

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه  
اقتصادی آسیا و اقیانوسیه  
در راستای...

کشورها و رفع اختلاف آنها به وجود آمده است. اما متأسفانه، ملت‌ها در این سازمان، دخالت واقعی ندارند و سازمان ملل متحد در خدمت بعضی دولت‌ها و مخصوصاً قدرتهای بزرگ قرار گرفته و نتوانسته است به ملت‌های محروم و ستمدیده جهان خدمت کند. امید است با همبستگی مردم آزاده و آگاه جهان، میان مردم همه کشورهای، وحدت حقیقی برقرار شود.

پرسشها:



- ۱ - همسایگان ایران را نام ببرید.
- ۲ - چه چیزی کشور ما را از کشورهای همسایه جدا می‌سازد؟
- ۳ - سازمان ملل متحد برای چه منظوری به وجود آمده است؟
- ۴ - چرا سازمان ملل متحد نتوانسته است به ملت‌های محروم و ستمدیده جهان خدمت کند؟
- ۵ - اسلام درباره مردم کشورهای جهان به ما چه می‌آموزد؟

تکلیف شب:



- ۱ - کشور ما با کدام یک از کشورهای همسایه مرز طبیعی دارد؟
- ۲ - سه کشور از کشورهای جهان را که مردم آنها به امت اسلامی تعلق دارند، نام ببرید.